

# سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق  
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

# لکی فایف



# ۵۵۵

دعوت کما حقہ  
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالہ  
لکے فایف ہمیشہ بر شمس اپر خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگ و مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۴۱۰



# یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدئوی گلچین ( پینتو، د ری ،  
هندي وایرانی) آماده فروش دارد . فلمبرد آری از  
محافل خوش شما بد یرفته میشود .  
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان  
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

## عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوش و سرور شما را  
به بدترین وجه برگه از مینماید  
( همچنان شب و یو یسی )

اکسرس: چهار راه سردار  
تق برفخانه  
جمهوریت

## خوراکیه فروشی انوش

خوراکیه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکیه باب  
را به قیمت های مناسب عرضه میدارد .  
مشتری د ایسی خوراکیه فروشی انوش باشید . همچنان مجلات  
و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکیه فروشی  
د ستیاب کرده میتوانید .

اکسرس: چوک قلع فتح شه

# سباوروس

اعلان تان شما را با شرایط بهتر بنیسه  
میرسانه

## خوراکیه فروشی سبزویش

خوراکیه مورد  
نیاز شما را به  
فروش میرساند .  
همچنان بلوزهای  
بهاره هندي و لباس -  
جین از قبیل براهن، د امن  
جمبر های زنانه، طفلانه و دخترانه  
ساخت وطن را با قیمت های نازل بد سترن سرا -  
جمعین محتن ترارمید هد .  
شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بد ست آرید .

اکسرس: سرک ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هوس

## قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدید  
ترین لوازم  
تحریر کلمپ  
معارف .  
اقسام کتاب  
و کتابچه ، انواع قلم های  
خود کار خود رنگ و ده ها قلم  
اجناس بد یگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب  
ورضایت بخش د ستیاب نمایید . ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -  
افغان . نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

## قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب ، قرطاسیه ، مجلات و کارتهای  
تربیتی ارزان و خوب  
اکسرس: منزل اول فروشگاه بزرگ فغان

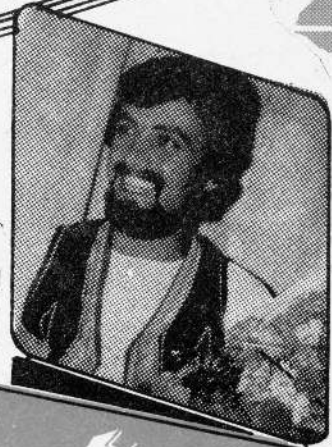
## قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه ، جراید و مجلات د لخواهتان را عرضه  
میدارد . به ادرس توجه نمایید .  
ماکتب مکر و باج کهنه

ضروری: د ر شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط  
به استعدادها ثروت ملی ما ، نام محتن قاری فاخره قاری و قاری تصیح شوند .

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم  
شماره مسلسل نهم

# سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز

است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

## فاجعه



صدای گمشده  
جاودانه‌سده‌ها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

آیاتاسی دخیل

کوزیر

از مود تا سینما

صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل  
پروما جبرایلی را با  
دنیای عشق خود از  
سرگردشتان

چون در این بیست  
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم  
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳ ساله و در زمان جوانی  
مخ (۲۷)

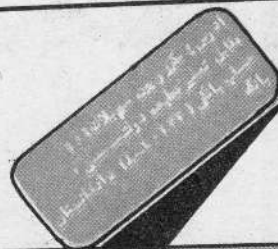
زن ۱۳ ساله بی نام مرد

صفحه (۴۰)



چاری در صد سالگی  
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: دکتور ظا هرطنین  
تلفون: ۶۱۹۵۲  
معاون: محمد اصف معروف  
تلفون: ۶۲۷۵۲  
سوجبور: ۶۱۸۷۸  
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان  
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:  
بارق شفیعی  
محمد حبیبی  
عبدالله شادان  
لطیف ناظمی  
رهنورد زریاب  
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد علی فاضلی  
وحمید سمور  
مطابقی: کبیر امیر  
محمد علی فاضلی  
و محمد علی فاضلی  
و محمد علی فاضلی

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین  
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف  
نظر نویسندگان میباشد.

# مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایب کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهای وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره‌ها هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روان‌ها محبتی ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چسبم - دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي مي باشد اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف مي تواند وجود داشته باشد . ناپائيدگي شخصيت مي ثباتي عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آورنده ها هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگي و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگي است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده مي ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده مي آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده مي همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل مي باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :  
نشه صهبانمي آرزو به تشويش خمار  
در گذر امروز عذاب که فردا آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض رواني چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات رواني بملاحظه ميرسد گاهي ديوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش رواني شده است يا تشويش رواني باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساساتي عجول و کوتاه نظرمي شود کم حوصلگي و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهي هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام ميوا د استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر مي شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده گي مصيبت هاي جنگ و بيسوا دي و عوامل ازينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخي مياطق از تريا ک بحيث داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده مي شود از تريا ک و چرس گاهي براي درمان و معالجه قلع ها کار مي گيرند در برخي از ولايات ما در طبابت هاي محلي و غنچهوي حتى براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد تريا ک و چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعي و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضي ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه مي گويند : در يکي از مناطق ولايت بدخشان پيغمرد ي بود که مدت درازي تريا ک دود مي کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان مي پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود تريا ک نمی بيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده مي شود . دليل آن اين است که حتى موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به تريا ک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود تريا ک و تبا نيواردن بيترک آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به تريا ک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانسي وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالي اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربط ، احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را مي نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه ( ۷۴ )

# دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و محبت

چهار ماهه



چهار ماهه

مهر و محبت

چهار ماهه

چهار ماهه

چهار ماهه

### دو سه و اده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته  
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابر سترگی بی روضی شی  
خبره د اسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه  
د خیل ژوند بدی او د نیستی روضی چی لومړنی بنیخی ورسره  
به ورین تندي کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو  
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم  
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د سارن ناروضی  
بنه تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس  
مسبز کال د اد کورنیو ورنکیید و ناروضی له منتهه ولاړه شی .

لطیما پرداد بیتون پوهنځی فار التحصیل



### پاکی و صفایی

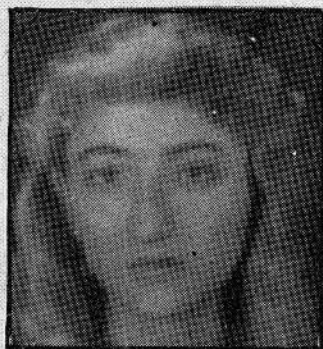
عزیز آقا سراز  
دل بستگی خاصی به پاکی و صفایی د ادم آرزو مند صاحب خان  
مکروریان شم ، آنجا بعترمی شود . پاکی و صفایی راتا مین کرد .  
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوید که ا و چند ان توجه  
به پاکی نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟  
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورته کار زار می شود  
با آنم اگر چنین دخترین سرد چار نسدم انوقت اورا به روحیه  
خود تربیه میکنم .



### نظام و د سپلین در سرویس ها

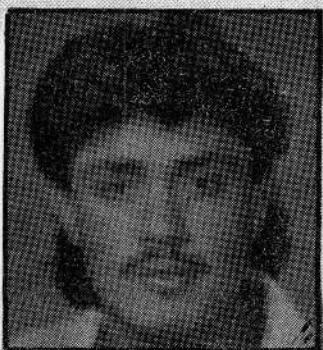
عضوکلان خانواده ام میباشم . آرزو د ان خواهران و برادرانم  
به آرزوهای دلشان نایل آیند .  
همچنان آرزو مندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین  
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جد ا رعایت نمایند ، و نگرانان  
محتش هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی  
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلاتمندی بسیار  
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا  
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : (( برو بی جان توجهه  
خود می سازن ، ما از خود خوار و مادر د ارم . . . ))

مصرفیاتیکان در نشان فار از صواب ۱۲



### میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :  
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، باسلمک عشق  
میورن و د دوستن میدان ، و معین ام هر نقشه که برام سپرد مشود  
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به  
اداره فلم های عمری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته  
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزو مندم که امسال آرزو هام بر اورد  
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .





# پایند حاضری خانه

## پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :  
تعمیر د ارم اسمال باشخوږمورد نظم ازدواج تمام آرزو د ارم  
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .  
آرزو مندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد ارم و سه  
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر  
میباشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

## وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :  
آرزو د ارم باخوانی د ارم تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار  
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان  
از کشور سوری تمام .  
- اگر باخوانی د ارم چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟  
- در آن صورت باهی کس را دواج نخواهم کرد .

## در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :  
د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د ارم که به حقیقت بیوستن آن  
خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د ارم خیلی ها  
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار  
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس  
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده  
امریکا سفر تمام .

## بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :  
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو  
وروسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . ارم د ژوند ملگري  
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .  
- د د بی خصویاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی  
عنه انتخابوی ؟  
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي  
او که نه وه نویسی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم  
شبه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



# چهارمین جشنواره شعر جوان

## مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمزمه دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دان ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم رامیشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله (( شادان )) همراه با من اخبار رامیخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید، آیا اتفاقی افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



# پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشه های بیخود پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پنج میزتم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها میدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوئید ؟  
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. آنرا استر بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بوسه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما را به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر، فکر، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختصار نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خواب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوبی حد پیرو و از ادا است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافته کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز نداشتند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدهید کسی جلو بروم و بوسه بدهد ؟

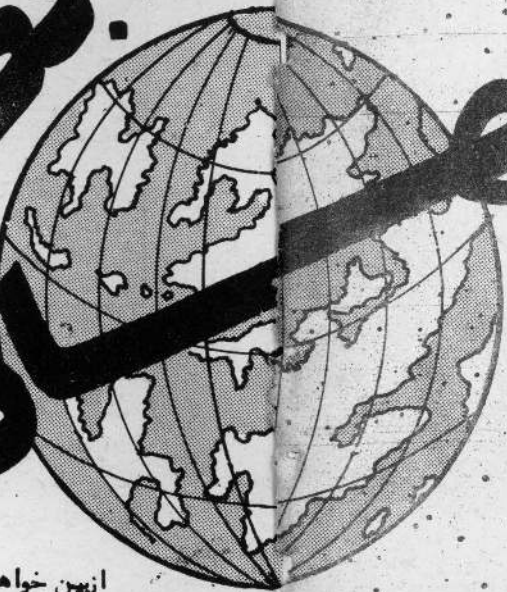
ترجمه: انجنیر حلیم

# تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

## تأثیر عمده جنگ

## ذروی سقوط ناگهانی و سردی

## و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست...  
 سیمای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟  
 از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابه ساخت برنده و قاطع  
 در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت.  
 در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای  
 دیگر نماینده گان جامعه علمی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات  
 شان پیروان اینک جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد  
 بود توجه جدی مبدول داشته اند. تنهاسه سال قبل دانشمندان  
 ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار  
 انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کبک هتا  
 کته نخواهند شد، کار کردند. این دانشمندان اکنون بعد از دست  
 یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((جوشینی)) استدلال ضعیف  
 وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان  
 زمانه که سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق  
 و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار  
 (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمز از نصف زیاد خانه میجووسی  
 ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که  
 موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان  
 دهنده، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و شمشع) به مراتب وحشت  
 ناکتر و کشنده تر است.

مودل های اقلیمی که لغز طرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی  
 تیم ساگان در پوهنتون کورنل، متخصصین و دانشمندان مرکزی ایالات  
 متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در رأس آن قرار دارد  
 ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم  
 شوروی، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر  
 مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از  
 جنگ ذروی ارائه میکند. تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و  
 سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان  
 از سردی یقیناً به اندازة سردی قطب شمال دچار سرماخوردگیسی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.  
 آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ای بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً  
 مطلق فرا خورد، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد  
 در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید  
 شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت  
 معکوس را بخود خواهد گرفت.  
 طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در  
 ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد  
 خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنجاه  
 درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت. با این کار واکنش زنجیری  
 از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیختی ایکولوژیکی سرتاسری  
 میگردد.

ناپودی حیات بصورت کل!

مودل سرد بعدی هایدرو دانهایی اتحاد شوروی از اقلیم جهان  
 تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند، طوری که  
 تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی  
 آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید  
 در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری  
 های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود  
 خواهد ساخت. علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سببیکل هایدرو لوتیکی  
 را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی و نواذاری را بر قاره های وسیع  
 بندگان و بدون خورشید حکمفرما خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیه که از صمیم آتش جان سلامت برده،  
 سردی یا خشکسالی اثر از بین خواهد برد. یخبندان ناگهانی وسیع  
 که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات  
 متوسط تها کن و کشنده خواهد بود. جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره  
 بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگردد، یعنی نا طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه  
 حرارت یسانور نمیتوانند مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا  
 جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد، این چه چیزی را اشکار میسازد  
 یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرای صحرای تبدیل خواهد شد  
 البدی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد  
 گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و  
 بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید.  
 این نشان دهنده امکان پدید آمدن صریخندگان دیگر است.  
 ملازمت الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه  
 بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر  
 موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و  
 در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد، بار  
 دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد  
 گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع  
 در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم  
 کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند، انسان  
 میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه نهایت در نیم کره جنوبی  
 پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا نور خواهد انگند!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسند اند، طبق  
 نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره  
 از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در  
 امان نخواهد ماند، بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است.  
 کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیروان تغییرات ممکنه در اتموسفر  
 بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند، آنان  
 توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال  
 می آورند.

طبق نظریه گولیتسین، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان  
 تابستان بلند میشود، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر  
 میگردد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد، سطح کره  
 سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض  
 جهان پدید میکند، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق  
 خواهد افتاد، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه، بی که بعمل آمده  
 آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع  
 خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -  
 مرتابه خواهد کاست.

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که  
 بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))  
 کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی  
 نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیج، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد  
 کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده  
 باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود، علت ساده آن اینست  
 که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن  
 خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین  
 خواهد رفت.

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد،  
 در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه  
 خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر  
 اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو اکادمی علوم اتحاد شوروی  
 بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بیسور بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد (۱۰)

از حکایات باستانی هند  
مترجم: ع. فرحسوز  
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام  
بایسری که بر این آرزای شده  
بود شادمان گردیده بود بنا  
و ملکه بخاطر دست یافتن به این  
الطاف و بخشش شامی از شعایر  
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های  
بسیاری کشیده بودند از سر  
آنها از زمان ازدواج شان در  
دوازده سال قبل تا این زمان  
کودکی بدنی نیاورده بودند  
ملکه از سوی همه نزد یکان و  
عزیزان تهنیت گفته شده بود  
کودک خوشدل و زیاده رکاب او  
لمیده بود و هنگام نیمه شب از  
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی  
کاخ را ترک گویند تا ملکه  
که خدمه ها در بیرون از اتاق  
نگهبانی اثر میکردند خواب  
را حسی داشته باشد و چراغها  
خاموش شدند  
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان  
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری  
در نزدیکی سرش ظاهر شده است  
چشمهاش را گشود تا به منبع نور  
نگاه کند آنچه را دید او را به  
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست  
را ستر به سوی سرکودک نوزاد  
کشیده شده بود چون ملکه به  
آن نگریست موجود نورانی  
دستش را عقب کشید و لبخند زد  
ملکه بر حایر نشست و گفت  
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً  
تو پندار خود آسمانی هستی  
چون نورانی خاموشی گردید این  
کار ملکه را شگفت زد ساخت  
ملکه گفت  
- برا شما گفتمی زنده  
و مودت بانه افزود  
- آیا شما یک موجود آسمانی  
نیستید  
رب النوع سرنوشت گفت  
- بلی استم اما من رب النوع  
سرنوشت ایتم و یگانه و شایسته من  
اینست تا آنکه را در زنده کسی  
برای یک نوزاد فراهم شده  
است در پیشانی او بنگسیار  
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه  
(کارما) برای یک کودک مقرر  
داشته است از روزم من درختان  
تولد هرکودکی را مقرر می کنم اما  
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینک

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت  
خاص و بدانی بی است که تو  
یداری با وجود آنکه خود از آن  
آگاهی نداری  
ملکه در برابر رب النوع خم شد  
و پرسید  
- آیا آنده را در پیشانی کودک  
من نباشته این برای من آشکار  
نخواهید کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
- من نمیتوانم آشکارا تمس  
اگر اینکار را بکنم برای توست  
ندارد از سوی دیگر اینکار  
بدون هیچگونه لزومی باعث  
شگرتی تو خواهد شد  
- شما همین الان نیمی از آنچه  
را آرزو داشتید بدانم برایم  
گفتید چنین به نظر می رسد که  
هیچ چیز خوبی در سرنوشت  
بسم وجود ندارد شما باید تمام  
حقیقت را برایم بگویید در غیر این  
شمارا نخواهم گذاشت که بروید  
اگر با جبر بروید من خود را  
خواهم کشم  
ملکه این جمله ها را با صدای  
نرم ولی مضم اشعار کرد  
مباحثه بین ملکه و رب النوع  
ساعتی ادامه یافت بالاخره  
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه  
اشکار سازد که بر او در زنده می  
خواهد کرد و دراز کاخ در  
جنگلی خواهد زیست  
ملکه دریا را مقرر نمودی گریست  
اما بخورد چراغ داد تا از  
رب النوع خوشبختی تقاضا کند  
که اندکی بارید بختی بپوش  
را کاهش دهد  
رب النوع گفت  
- خوب من تضمین میکنم که او  
هر روز توانایی شکار یک آهورا

داشته باشد و این امر بزرگی از  
سرنوشت او خواهد بود بیشتر  
ازین تازی کرد نمیتوانم  
و سرانگین سخن ها رب النوع  
ملکه را ترسید  
روزها سپری شدند ملکه در  
و وسواس خود را در دل نگهداشت  
یک سال بعد شاه بیمار شد و  
در گذشت وزیر سیمه کار او  
تا شاهی را به بهانه اینکه  
شهرزاده خرد سال است تمسب  
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه  
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با  
شهرزاده کویت به موقع فرار  
کرد و در جنگلی پناه گزید  
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه  
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه  
جال های را در گوشه و کنار جنگل  
می گسترانید و صبح بعد آهویی  
را در یکی از جال های یافت  
ملکه آهورا به یکی از جنگل نینان  
میداد و او آنرا در شهر می فروخت  
و بهایش را به ملکه می سپرد  
به این ترتیب سالها سپری  
شد بزودی شهرزاده نوجوان  
به یاری مادر شتابید در عین  
حال شهرزاده به شاکردی یک  
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن  
و فلسفه را اموخت  
روزی شهرزاده در اندیشه بی  
با خود میگفت  
- بسیار شگفتی آور است که  
هیچکاه بیشترا یک آهور در روز  
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در  
پنج محل جال میگذارم و بسیار  
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون  
یک آهوی شکار شده سپری نمیکنم  
مادرش که این سخنها را  
شنیده بود گفت  
- این بخاطر است که شکار یک

آهور یک روز جزئی از سرنوشت  
توست  
به این ترتیب ملکه بخشی از  
راز را آشکار ساخت شهرزاده  
اصرار ورزید تا بداند که مقصود  
مادرش چیست و ملکه مجبور شد  
تا همه چیز را به یک به او بگوید  
شهرزاده نشست و در سکوت  
تزیینی فرورفت پس از سکوت  
طولانی گفت  
- مادر! من سرنوشت خود را  
تعمیر خواهم داد  
- بسم چگونه اینکار را میتوانی  
بکنی کی میتواند سرنوشت خود  
را تغییر دهد  
شهرزاده نوجوان گفت  
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی  
خویشم به خاطر اعمال خود در  
زنده می قبلی است بسم من  
میتوانم اینکار را بکنم  
شهرزاده ساعات طولانی بسمه  
اندیشه فرورفت و بعد با چهره  
مغمم برخاست  
روزی دیگر او به عوینج جال  
فقط یک جال را در گوشه بی از  
جنگل گسترانید و در نور یک  
پیشینی کرده بود یک آهور را  
در جال یافت  
روز بعد به عوینج جال را  
روی زمین بگستراند آنرا در  
شاخه بی از درختی آویخت  
با وجود آن صبح روز بعد آهویی  
در جال گیر مانده بود  
و بعد جال را در بلندترین  
درخت آویخت و همین سان گرد  
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت  
نیمه شب از خواب بیدار شد  
و موجود نورانی بی را در کنارش  
یافت  
شهرزاده پرسید

- آیا عوینج آهوی سرنوشت  
است  
رب النوع خشمگین گفت  
- بلی من است منظور تو از  
عوینج نیال در درخت بلند و  
افروختن آتس پیرامون آن چیست  
آیتونمیدانی با وجودیکه من یک  
رب النوع استم در نیایی عین  
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم  
کار بکنم نمیدانی که بسردن  
آهوی بالای درخت تازی است  
دنیار  
شهرزاده گفت  
اما شکار یک آهور هر روز جزئی  
از سرنوشت من است اینک  
چگونه آنرا در جال من گیر  
میاندازی کارتوست  
رب النوع گفت  
- آه! باید بخاطر خوشبختی  
که برای تو تضمین کرده ام مزا  
حم من شوی  
شهرزاده آهسته گفت  
- اگر کار ترا نوارنی ساختم  
تو در برابر من ظاهر نمیشدی  
- اما تو چرا میخواهی که من در  
برابر تو ظاهر شوم  
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من  
نوشته بی و مرا محکم به زنده می  
در تبعید میکند از جبین من  
بزای رب النوع سرنوشت  
سکوت کرد شهرزاده چشمانش  
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم  
از یک سرنوشت تو گردید لحظات  
طولانی سپری شد شهرزاده  
احساس کرد که دست رب النوع  
از پیشانی او میگذرد بعد  
چشمانش را باز کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
- با اراده و آرزوی خود تو قادر  
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی  
و افزود  
- احسان و بخشش من با تو  
خواهد بود  
و آنگاه ناپدید شد  
روز بعد خوب شکی خوبی  
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده  
و مادرش آورد قاصد تخت و  
تاج که مستبد و مستغرضه بود  
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه  
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ  
رفتند همه کس ملکه را شناختند  
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده  
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد  
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر  
سرنهاد



# مراسم یک تدفین

# امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکینو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پینار از ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم، در مراسم ۵۲ سران دول قرار داشتند.

## درین مراسم جاپان بایست پلوما

## سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرارداد اظهاریک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در پهلوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منسوخ ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی مهورلاک ند، در بین چند تابوت چوبی مسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند، حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور، آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیراز جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما، موران عالیرتبه شان برداخته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجوکوگین، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسند و بود در آنجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی به ارتفاع ده فوت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هب پسر ۵۵ ساله امپراتور نقش همانند آرو - رهبران مذ هب شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هب بیانییه های از طرف مدراعظم و دیگر ما، موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای زمستانی توکیو سرد بود حکومت جاپان تا حد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد. تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رعایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت را مجبور مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تا حدیکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او، ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود. امپراتور جدید و خاندانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

## زخم معده یک مریضی

نویسنده: کورون الله روحیان  
مکروبیست

کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلوری (Compylobacter pylori) در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز تشخیص و اسباب گستریته های مزمن و فرخات خماساز هضمی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمیم گستریته ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میشوند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتبه اماتف تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صایین آن نابود میگردد.

در سابق گستریته ها و فرخات را مرتبط به قلوی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یگانه میکروب است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بنیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم با کار بنیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا میزولایا و هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

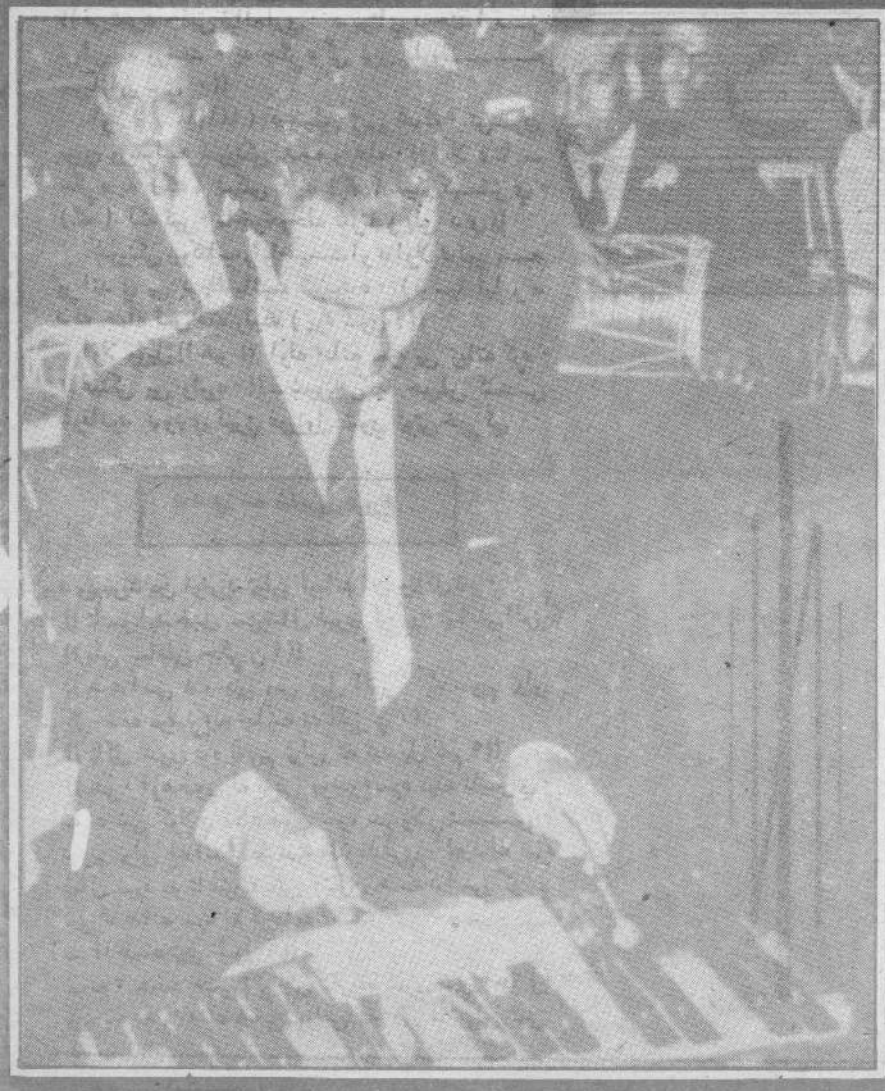
برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges  
بقیه در صفحه (۹۰)



# موگیشی، صدای جاودانه سده‌ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موگیشی درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موگیشی چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازیگر شدن به‌عنوان خوانی این نیز تا "تیر منفی" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای (( بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همان‌طور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ (( کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که (( انیل بیسواس )) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موگیشی را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده می‌گوید: (( شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موگیشی عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موگیشی از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد. ))  
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته می‌شود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر می‌خیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موگیشی و ریدیس - مردند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موگیشی (( الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کردند زیرا موگیشی صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار (( هنر رهنوشی)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موگیشی را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موگیشی در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان می‌کند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موگیشی در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتنی گیر مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدا پیش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عاری ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



## یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری



ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود  
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه  
سربازان ښه روزلي دي او سورشال موهم لیري  
کړي (پوه شوي؟)  
- هو ښاغلی جگر ن  
- اوپام کوي چی سربازان د سگرت څکولوبه وخت  
کې احتیاط وکړي کله چی غشی ویشتونکی دغه  
د شپې خلیلونکی چینجی وینی چی له یوې خوانه  
بلی خوانه یې گوتی یې خاریت کوي  
په تیره اونۍ کی پناه کسه سربازان په سروندو  
باندي په گولی ولگیدل ښه پاملرنه وکړي  
پوه شوي؟  
- هو ښاغلی جگر ن  
دوم برید من الرزکله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی: ولکانگ پورشرت  
ژباړونکی: ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه  
یو کال پنځوس سه شنبه  
او جگر ه پیری سه شنبه لري

\*\*\*

د دې سه شنبه په ورځ

په نیوونکی کی بی القاد لویو تورو مشق کاوه  
د نیوونکی په سترگو پبلی نښینی لرونکی عینکی  
وي عینکوی جوکا ټنه درلود اولنژونه یې هغو  
مړه پبل ووچی سترگی یې په سختی لیدل کیدی  
دوه څلویښت نجونی د توري تختی و پراندي  
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل:  
(فریتس د خلیس بیاله لري د برتای د خندا غمز  
تیارسه ورسید په جگر کی ټول پلرونه  
سربازان دي)  
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکه ترسزي  
پوري ورسوله نیوونکی هغه ووهله (اولا تا -  
جگر په (گ) لیکلی په (گ) لیکل کیسزي  
(گ) لکه گور ماخوچوله درته و پیل دي))  
نیوونکی یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په  
وړاندي یې د چلیانته کیښوده (د سبا لیا ر ه  
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟))  
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه:  
(عینکی یې وگوره)) د نیوونکی په حویلی کسی  
کارغاوند پوډي لیري غوړول شوي ټوټی خورلی

د دې سه شنبه په ورځ

دوم برید من اولرز ټولې قوماندان وټاکل شو  
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي ښاغلی الرزکله)  
(پلی ښاغلی جگر ن؟)  
(هداس ده چی ویس ویل الرزکله په دوم ټولې  
کی دغه موضوع په چاښه نه لگزي؟)  
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم؟)  
(هو) او هغوی له دغی موضوع سره ښه نلسري  
ته نه شی کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی  
دوم ټولې له انضباط سره عادت کړي له دغه سره  
شال سره په تاسووته منی تونن هسه داسی کوم  
شی له ځانه سره نه گرځاوه  
(هسه یې شوي؟)  
- نه هغه خبر راگر چی ناروغه شوي دي حال  
یې ښه نه و له هغی ورځی نه چی د تونن رښی

بیغلی سورین وویل: ((هو هغه کولای شی))

د دې سه شنبه په ورځ

تونن هسه یې په تسکره کی له حشراتو سره د  
مجادلی کوټی ته وپوړی د ننوتو د روزي پر سره  
یوه ټابلو داسی لیکل شوي و: ((که جنرال یسی  
که سرباز یې دلته باید خپل وینسته وڅیړی))  
د هسه وینسته یې وڅیړیل د نرس اوز د پاونر ی  
گوتی د غشی لاسواښوټه ورته وې  
د بند ونوشاوغوا ی لږ سره ښکاریدله  
هسه ته یې په کم شی باندي چی د رملتون  
پوي یې درلود مالش ورکړ ترس پخپل غشی پوله  
لاسیو د هسه نیرونیوه اوروسته یې په پوي پبلی  
کتابچی کی داسی ولیکل: ((تودوخه ارا)) نښ

څلویښتو درجی ساره او تر شونډولاندي یې زمزمه  
کړه: ((بیچاره سربازان))

د دې سه شنبه په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د ساری روغتون  
رښی د روغتون له سرطیبب څخه بوښته وکړه  
(هره ورځ خوکه ۰۰۰)  
(پناهغه شپږ کسه)  
اوریس وویل: ((نفرت پارونکی ده))  
سرطیبب یې په خواب کی وویل: ((هو نفر ت  
پارونکی ده))  
او هڅ یوه دبل سترگوته ونه کتل

د دې سه شنبه په ورځ

د ((جاد ویر فلوټ)) قطعه یې غزولسه میرومن  
هسه خپلی شونډي سري کړي وي

د دې سه شنبه په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل:  
(دخدای له مرستی پرته استقامت نه شی کیدای)  
خوکه چی اسپستان ورتز دی شو له خایه پورته  
شوه اسپستان لکه چی د نر ی دی وچی نیسه  
برخه یې پرشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه  
ملاتیر شو

الیزابت له هغه بوښته وکړه: ((هغه ته باید  
کم شی ورکړم))  
پاکر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره  
وو وویل چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیزي  
او وروسته یې تونن هسه د باندي ولیز داوه د پا -  
ندي زیات غالمغال اوږدل کیده چا وویل: ولسی  
مړي په ارامی سره پر ځمکه نه زدی هر محل هغوي  
له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یزي ((  
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره  
شپه

اوږ دي ورځی او د شپې په اوز د وکی لکه د هغه  
چا غوندي چی دروند باری بر اوږ وي کس و پ  
د سالون له منعه تیرید  
د باندي دوه کسه چی تشه تسکره یې وړلسه  
سره خپي را ولویدل یوه یې وویل: ((خلکورم  
نمبر ریش کړی))

د دې سه شنبه په ورځ

د شپې اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو  
داسی لیکل:  
(په جگر کی پلرونه سربازان دي  
په جگر کی ټول پلرونه سربازان دي)  
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله او جگر ه  
یې په (گ) لکه گور

# د دې سه شنبه په ورځ

د سورشال یې له ځانه لیري کړ سگرت یسی  
ولگاوه اوه لور غزی وویل: ((د ټولې قوماندان  
دوم برید من الرزکله))  
په همدغه وخت کی د بزغز پورته شو

د دې سه شنبه په ورځ

ښاغلی هانزن بیغلی سورین ته وویل: ((کو -  
چی سورین د دوم محل لپاره باید ښاغلی هسه  
ته کم شی ولیزو لږ سگرت پوخته خوراک د -  
لو ستلو لپاره خوکتا پونه یوه جوړه د سگرتی اودا -  
سی نورشیان هلکان زکام نیولی زه هم دغه زکام  
ښه پیژم پیره مننه))  
(ښاغلی هانزن د هولد رلین کتاب څنگه دي؟)  
(حماقت دي کړچی سورین حماقت نه ښه  
په وي لږ څه ساده وي لکه ولهلم پوښاویسا  
همدارنگه نور))  
اته خو پوهیږی چی هسه له ساده شیانوسره پیر ه  
مینه درلوده په مینه یې خندلی تاسو خو په دي  
پوهیږی زما خدا په دغه هسه خومره کولای شوی  
رخاندي))

۱۱۱۶ یې هونه په قوی گمان تیغوس)) او  
کتابچه یې وتر له دکتابچی پر وین لیکل شوي و:  
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) اسه دي  
کرنی لاندي: ((یوزرا وڅلورسوه بستري))  
موظفینود هسه تسکره پورته کړه په زینه کسی  
سر له پر ستنی څخه د باندي وتلی و اوله یوې خوا  
نه پلي خواته په حرکت کی و وینسته یې ورته  
خریږی و  
د تسکري یوه وړ وینکی ریش کړیو

د دې سه شنبه په ورځ

میرومن هسه د گاوندې د کورننگه رواهه کله چی  
د روازه خلاصه شوه هسه لیک یې چی په لاسکی و  
ونوراوه میر ه یې تونن شوي و  
په هغه بجای کی د سر ودرجه صفرلاندي څلور -  
پښتوه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و  
د پاکت بروم لیکل شوي و: ((میرومن تونن هسه ته  
دي ورسیږی))  
میرومن هسه لیک جگ نیولی و څو گاوندې یې هغه  
نه لیده

صاحبا ز پوپل

# لیلا، لیلا نو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



## نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد در طلوع سوزنیک ثبت میگردم بعد از از زبانی اگر خدا بخواید که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکوه به خورد من داد پس بد یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد یوتلوزین مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد یوتلوزین با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در ان ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یوتلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده بسازم.

— اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است؟

— یک گپ دیگر هم است من نکایی بقیه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوتلوزین موجود است.

— از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستیز من بینم. او میخورد اند (( نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام )) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم؟

علاقه مندان آواز تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تاجایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمیانند کشور ترک کد او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک را میسرود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام (( گروه کامپین )) نامیده میشود که در راد یوتلوزین میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکسته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور یورو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسرود نعیم پوپل را مجبور

## ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

# زادگان اولی در ماه اردیبهشت

کی مثل زهره ناز و بی یوازی  
د خیل احساس سره سم بزمخ  
بسی د خیل مراد د لاسسته  
راور لود باره توله مخره رانسرک  
زوی د مار به کال زیزید لسی  
هک تغار شعوت پرست او  
خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی  
بناسته وی به عابانیا نوکی  
د بناسته ستاین د باره مار  
فوندی بناسته اصطلاح وسیل  
کیزی

نیکمرغه به وی که د مار به  
کال زیزید لی د گامینی اوچرگی  
به کال زیزید لوسره واده وکری  
خود بیزود کال سره به طالعمنند  
نه وی د پرائنگ اووحنی خوگی  
د کلو سره به بدرمه وی (۱۰)  
به یود بزم کی مارک نیسه  
موجود به توگه گیل کیزی د مار به  
رانو پاچا (موچالیندا) بوداد  
سیل به وخت کی وژغوری مار  
خویم ی ترهغه وخته پوری ساتل  
کیدی ترخود فیلسوف ننگرگون  
د نظر له مخی انسانان د مار  
د پوهی سطحی ته ورسیدل  
همدارنگه به بودا بزم کی مار به  
تهر چرگ د شعوت او خوگی د  
جهل سمبول دی

د منحنی آسیانی خلک په  
دی عقیده دی چی د مار به  
کال زیزید لی نارینه که د سړی  
اومیزی به کال زیزید لی نجلی  
سره واده وکری د هغه  
اولاد ونه به نامتوانان د خلك  
وی د مار به کال زیزید لی نجلی  
که د چرگی اوخوا به کال زیزید لی  
هک سره واده وکری د وی به  
نجلوی زیزوی

د منگولیا اومنجوریا خلک عقیده  
لری : (د مار به کال زیزید لسی  
یو معتدل او زور سواند مانسان  
دی همدارنگه دی به منطقی  
تیز فم او برخله خبره ولاړ سړی  
وی خو عیب به یی دشرویاتو  
خینل وی د زور مفعلاو نوری  
اوز دی ناروی به ولری د ده  
د باره لازم نه دی چی دخیل  
ریس (وظیفوی) سره جنجال  
وکری به لومړی سرکی به رنغ  
یو سی اووروسته به له منحنه  
ولاړ شی (۱۰)  
د مار به کال زیزید لی انسان  
به تریوا ویا کلو پوری ژوند وکری که  
د پاک خدا دی دکراوت او ایسی  
مشکله خوگ خان حنی خلاصول  
شی مار د نوروه نظریوا و فیصلو

د تبت د شپيته کلسی کلیزې  
بیل د جینی کلیزې له بیل سره  
سمون نه لری به تبتکی دا  
دوره د سوي د کال خخه بیل  
کیزی د پاس حال کی چی به  
چین کی د موزک د کال خخه  
بیل کیزی د دوی ترمنخ توپیر  
به دروگلوکی دی به دی خاطر  
اوسنی شپيته کلسه دوره به چین  
کی به ۱۹۸۴ کال او به تبت کی به  
۱۹۸۷ کال کی بیل شوه  
د ۱۹۸۹ کال د فبروري د  
شپړمی نیتی به شیه نوي کال  
یعنی د ژر مار کال بیل شوه  
(چی ۱۳۶۸ هـ ش کال هم به  
همدی نامه یاد یزی) د طبیعی  
عنا صرو د دی رنگ سره  
مخکه سمون لری کال مونث  
(نرم) بلل کیزی د خختیو  
خلکو به روایت به دی کال کی  
ژوری او بد مرضی بیسی سختی  
نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی  
د منحنی اوختیسی آسیا به خلکو  
کی د مار خخه مختلف تعبیرونه  
شته جابانیا عقیده لری :  
(مار د حکمت فراست اوارا دی  
خوار طالع مند دی  
هرخه ته بخان رسولی شی مار  
متکبر او مغروردی خو ظرف اغو  
سته شوی دی مار خوار خسود  
خواه او موزی دی خود علاقسی  
به صورت کی مرستی ته هم دانگی  
کله هم داسی ساتته کوی چی به  
مشکله خوگ خان حنی خلاصول  
شی مار د نوروه نظریوا و فیصلو

همدارنگه کال میاشت وړ  
بسی او ساعتونه هم دخارویوه  
نامه یاد یلی لکه د (صفر متر  
۲ بجو) د موزک ساعتونه  
(۲-۴ بجو) د گامینی  
(۴-۶ بجو) د پرائنگ له  
د موزک پرائنگ نهنگه آس  
بیزواو سینی کلونه مذکور (کک)  
اود گامینی سوي مار میزی  
چرگه اوخوک کلونه مونث (نرم)  
بلل شوی دی  
لویه یا شپيته کلسه دوره به  
خختیوه اومنحنی آسیا کی لهخورا  
پخوا خخه د تاریخ به مختلف زمانو  
کی منل شوی ده د انگیزه به  
چین کی ترمیلاد مخکی به د وده  
پیری به جابان کی به مغولستان کی  
به خلوومه پیری به مغولستان کی  
د میلاد به خوار لسه پیری ۱۰ و  
به تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل  
شوی ده

مور	۱	شپن	۳۰	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپن	۲۹	تور
کوهسینه	۲	شپن	۳۱	سور	۲۶	ژر	۲۸	سپن	۳۰	تور
پراگ	۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپن	۲۹	تور	۲۸	شپن
سور	۴	سور	۲۶	ژر	۲۸	سپن	۳۰	تور	۲۹	شپن
نهنگ	۵	ژر	۲۷	سپن	۲۹	تور	۲۸	شپن	۳۰	سور
مار	۶	ژر	۲۸	سپن	۳۰	تور	۲۹	شپن	۳۱	سور
آهن	۷	سپن	۲۹	تور	۲۸	شپن	۳۰	سور	۲۹	ژر
میره	۸	سپن	۳۰	تور	۲۹	شپن	۳۱	سور	۳۰	ژر
بیزو	۹	تور	۲۸	شپن	۳۰	سور	۲۹	ژر	۲۷	سپن
چرگه	۱۰	تور	۲۹	شپن	۳۱	سور	۳۰	ژر	۲۸	سپن
نپتی	۱۱	شپن	۳۰	سور	۲۹	ژر	۲۷	سپن	۲۹	تور
خوگ	۱۲	شپن	۳۱	سور	۳۰	ژر	۲۸	سپن	۲۹	تور

نه ننگاری د دی برخای چی  
د اقمری شمسی ویولو به به  
وی چی قمری شمسی  
مشتري زحل کلیزه بی ویولو  
مخره د انگیزه د لمر سیزمی  
مشتري زحل او مخری د حرکتو  
خخه ترتیب شوی ده د ادرکه  
هم د دولر کلسه بلل شوی چی  
د لمر به تا وخوا یاندی د مخری  
د حرکت خخه تصحیح شوی او  
توگه ۱۱۸۶۲ کلسه دوره بولی  
د دوره د لمر به تا وخوا یاندی د  
مشتري حرکت دی  
تراوسه پوری د دی کلیزی د  
بید اکید وخوا یی چاته مخرکند نه  
دی البته به آسیا کی دی خو  
به خختیوه یا منحنی برخه کی د  
مخرکند نه ده د پوی خوانجو  
بی شمیرنه د منحنی آسیا کوچی  
کلتور خخه لیری بریسی او به قوی  
احتمال د چین د خورون نجوسی  
تاریخ لاسرته راوینه بلل کیزی  
د بلی خواد کلیزی تول خاوری به  
لز استتا (بیزواو چرگه) به  
منحنی آسیا کی ژوند کوی او نهنگ  
خوبه مرعای کی ژوند کولای شی  
مخره نومل به سل کی دیوه روایت  
تا بید گران گاردی خو بیاهم به  
اهتمام سره ویلی شوی د دی کلیزی  
جوړونکی مخرایی کوچیان دی چی  
د مخرکوچی مدنیت خاوندان  
ور مخرنگه چی مخکی مورویل دوی  
کلیزی دی کوچنی کلیزه د دولر  
کاله ده مخرکال دیو خاوری به  
یاد یسیزی

د ننی آسیا و فرهاد محلی خخه  
د شیر شاه رشاد زمار



# مرزهای دانش

## آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (موسفیر) جزمین در ارتفاع ۲۰-۳۰ کیلومتر سطح زمین منتشر است، هرگاه آن از دیگر ترکیبات اتموسفیر جدا ساخته شود قشری با ضخامت تقریباً ۳ ملی متر را تشکیل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به تقریباً ۸ کیلومتر میرسد، آزون را دیواکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پلوتیکی بالایی سطح زمین و مانع تغییرات حرارت در اتموسفیر میگردند.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمین بر اقلیم اثر افکند، درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون رون و محیط بحرکات مشترک کاربن دیاکسید و کلوروفلاید از ۶۰ سال است که در میخان ها و کولرها به شکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهرآگین نبوده، توم فوران کم میباشد، در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد نمیکند، یک اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربن همان که کساید ازوت و دیگر موادیکه تعداد آنها به تقریباً ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب میخوانند.

برای از دیداد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبر -

نقد و نظر در صفحه (۷۵)

# آیاتصادم زمین بکدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتوفاشانی میکنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنها دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید، علمای اظهار میدارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در خلدت این امکان به میسر میسازد.



تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشکش میکنند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در همان قرون وسطی نمود ولی عده زیادی علمای آن صریحاً آنهم ضمنی تسمیر این احتمال میکنند.

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰ میگاتن مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر مییافت، قشر زمین با بحرانات شدید از زمین، امواج غبار و بخار آب، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو گردراب یا خشک به وقوع می پیوست تا شیرات ن سالها سال در هوا باقی میماند.

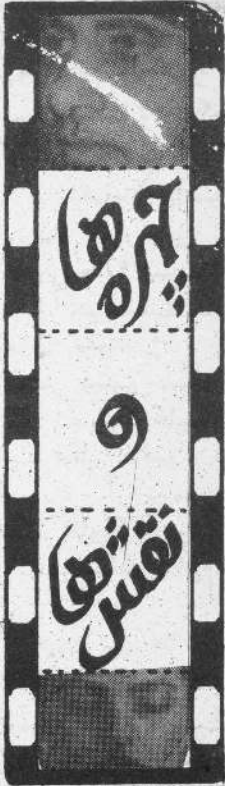
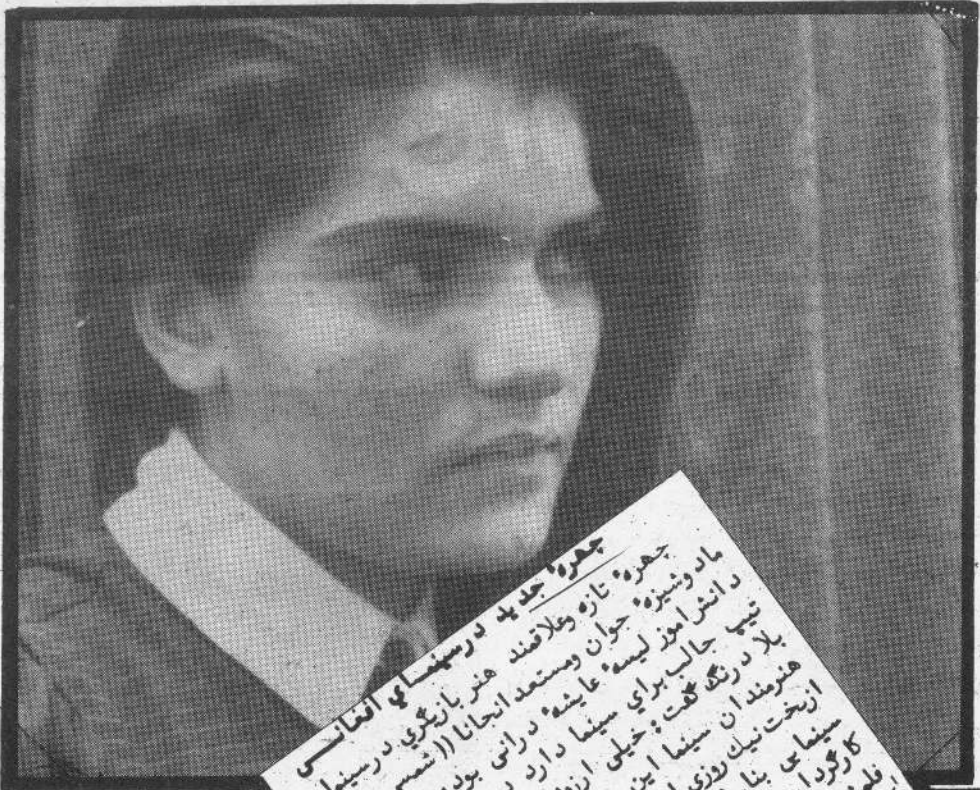
علمای امروزی نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، باور دارند هر آن آغازه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

# در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد.

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابیس از حد معین غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه ها و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم، قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

با وجود اطمینان به صحت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هونگ میدانم که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف موسوعیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری نظیر در آرای سوزن موماندنی به نایف مریخ نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً همه از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حائیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استراحت دام و... در بابتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بر مومون طول عمر، که از هنده سان بدین سو بر مبنای تدابیر مریخان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. طبایط عمارات وی طب سوزن عموماً در تداوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضرر واقع میشود. شیوه داکتر هونگ عمر را طول میسازد، این طول عمر بوعلاوه از فریاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر



**چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) -**

دانش آموز لیسه عایشه درانی بوده است. او که تنها حالب برای سینما دارد در برابر پرستش بلا درنگ گفت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم ازینخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم برای بنام (سفر) در دست تهیه است و فلسفه انتخاب این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم در سلسله توضیحات در جواب فیلم مورد نظر انداخته ام. همانا بنا بر علاقتند ی بوده که برای اجرا کند. نقش هیروئین (نقش مرکزی) بنا بر فیلم برداش میاید کاندید شدم. البته نقش را به کوه کارگردان سعید اندکزی دیدم. امیدوارم (از زرد پورا) اجرا کنم و ما مجله زیبای روزنامه همزمان با هم داشته باشیم. رادمنش نیز منجیت هنرمندی است. همان نقش داشت. امیدوارم در نقش عادی قانسه بازی کنم و همچنان در فیلم منجیت هنرمندی بازی کنم. امیدوارم در نقش عادی قانسه بازی کنم و همچنان در فیلم منجیت هنرمندی بازی کنم.



# لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله آرمسن شش سالگی با مادرش که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر توشیون بدش راهی هنر تمثیل شد و گام بگام صحنه این راه، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.

لیزا در برابر پرستی افزود: اولین مرتبه ای که در برابر کمره فلمبرداری قرار گرفتم، دلم شور و هیجان خاصی داشت، خوشنود بودم که من روزی مثل مادر من (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از سخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی (گام های استوار) به کارگردانی تورانی شفق بعداً به فلم سینمایی قرار بگیرد. بقیه در صفحه (۲۱)



## تصویر بردار

این جوان مرم و بر تلاش زمزی ((سخی)) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه ای دارد که با هم میخوانیم.

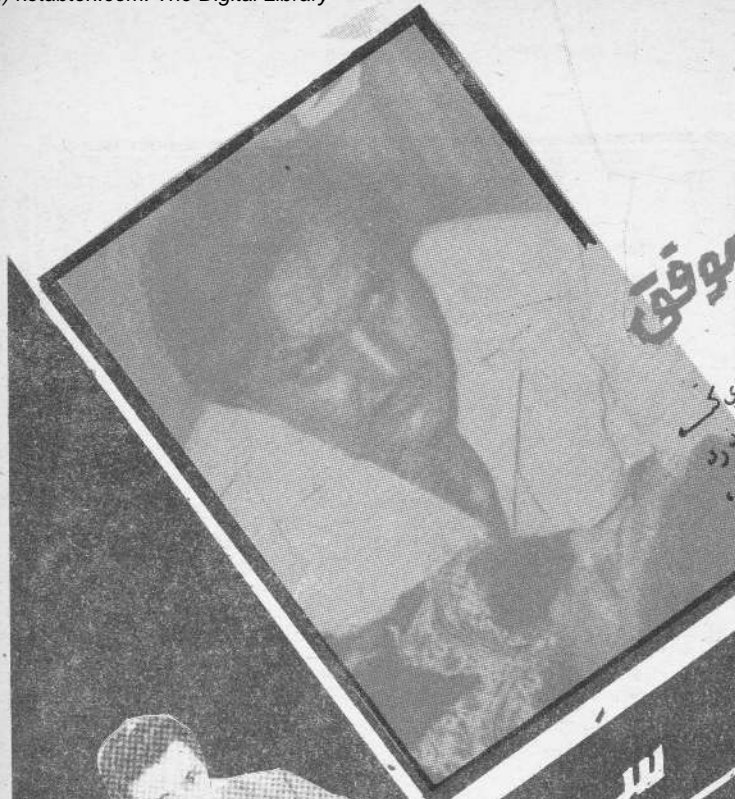
قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کنم نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم هماناد رسال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلویزیون رو آوردم که در مجله پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه، جوانان، اطفال و پیشه وران را ثبت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۲۱)



# پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غریبه‌گان بر فدرت سینمایی هند که به تازگی آفرینش نقش‌های در فم ها کاپوس ترس و د هشت را در فم نمانشگر زنده میسازد، بلکه از در فم غریبه‌ها و (مردانگی) بیخود است. بریم جو پرواست. از جمله دست اندرکاران سه دهه صنعت فلمسازی کشور هند است. با وجودیکه به بیرو میگرداند در جهان بر زن و سون روایت‌هایی غریبانه میسازد. هنرمندان نیروی برتران شمار بود.



## سید خاموش شد

و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلم‌زنی برگیرد. آن که میخواست از سناریوهای نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه‌ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین کرد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزوهایش را به انجماد و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

## مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم‌ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) (( بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم‌های ارزان قیمت وسترن (کاوایی) نقش‌های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوایی بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) مییابد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوایی در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش‌هایی برای سالیان متعادی در زمره ستاره‌های ممتاز سینمای آمریکا، او را از دیگر هنرپیشه‌گان متمایز می‌گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام شاکران سینما را بخود منحصر ساخت. پس از آنکه جلو ترشد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیآورد. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت‌ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای آمریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) آمریکا متولد شد، مییابد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی نوکس در شهر لانس. انجلس مراجعه کرده و در آن جا

## نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر مییابد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری مییابد. بقیه در صفحه ۹۳

آرها



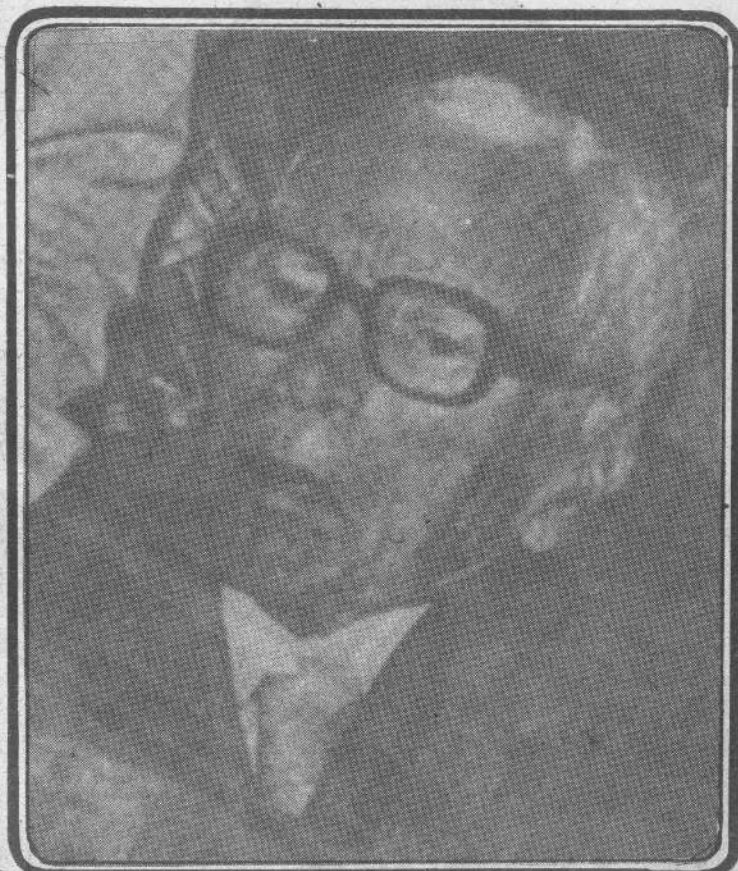
نقش

# قافیه و قیافه

## کوچک

# درسیمای یک مرد

## بزرگ.



# چارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی  
چارلی در سراسر جهان  
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان  
حیات خود به شهرت و محبوبیت -  
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت  
شمارانند ، بخوبی کسانی چون  
چارلی چاپلین که برای مدت زمان  
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در  
میان مردم جهان داشته باشد .  
چارلی چاپلین بزرگ که در این  
روزها در سراسر جهان با حرمت و -  
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد  
سالگی تولدش را جشن گرفتند -  
استعداد این شهرت آسانوی در  
ضمیمه همین گردیده بود .  
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی  
برای نخستین بار روی پرده ، هر  
خانواده از نامش آگاه بودند -  
موسکها ، اسپا ، بازی کودکان و حتی  
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -  
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه  
رفتن چاپلین ابداع کردند ، نامش  
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما  
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .  
چاپلین سیمای جاودانه شخص  
را در دل پرده سینما خلق کرد که  
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از  
دیدن آن شادمان میگردد و کیف  
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر  
نابسامانی های تجسم کننده تب  
های معین روزگاران فلماهای  
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز  
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما  
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و  
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .  
 - چه کارهایی که نکردم : روز-  
 نامه فروش ، شاگردی حروف -  
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن  
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .  
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار  
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور  
 شدن را از یاد نبردم .  
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-  
 نوز از جلادان بوتها ، شانه کردن  
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از  
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک  
 هاور) ایاتة وزیدم .  
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-  
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،  
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-  
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند  
 اودرحالیکه آخر میگاش را میجهسد  
 وگرم تاشا ی دیکورسالن هتل بود ،  
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،  
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود  
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه  
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم  
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ  
 کنم ، از میکاژ ولباس را بیوتی خوشم  
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری  
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی  
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم  
 کلاه شیوی خوردی بسروکنم و صای -  
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم  
 که همه چیز باهم در تضان باشند ،  
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خورد  
 و بوتهای کلان ، تعیدانستم که جوان  
 مینمایم یا من بخاطرم نبود که مک سنت  
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با  
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم  
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که  
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-  
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین  
 دارم ، تا ظاهرا شدن بیورود سیتیز  
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛  
 همینکه در برابرسنت قرار گرفتم با  
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -  
 برابری به جست و خیز و قدم زدن -  
 پرداخته و صلیم را حرکت میدادم ،  
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی  
 هان نهادی شکل میگرفت .  
 بقیه در صفحه ( ۱۴ )



تعیین کننده صادق

۳۵

# حکایت

# قالت



## چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

### این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انداخت. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

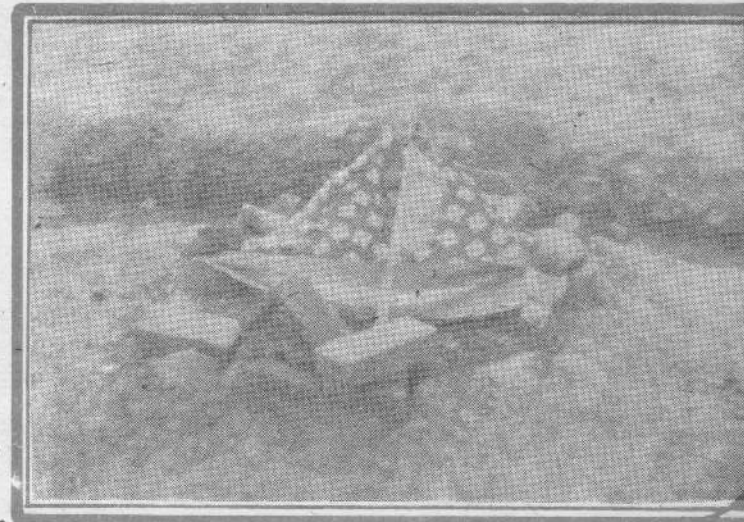
مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

# مرگ منتظر قاتل است

تقسیم دیواری ۱۱ حسرت سال ۶۶ را نشان میداد. عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشته بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلگله های که از دهانه تنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهرم آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید اجازت ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: (( قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

لذا برای مادر زیستن به اوج درد خود رسیده بود، روز ها گرسنگی کشید، تشنه گی دید یکسال از اداره بی به اداره دیگر رفت و از محکم بی تا محکم دیگر قضیه را تعقیب کرد تا بالاخره بتاريخ ۱۱ اردیبهشت ۶۷ برای اطلاع داده شد که قاتل پسرش به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم گردید.



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان

۳۴



موضوع آگاهی دارند، در آنروز هم بدختن گفت: (( چله مراییس بنده)) دختن در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگین. دختن به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

با وجود آنکه دختن نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاريخ ۲۰ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟  
- نه شناخت قبلی بیسن آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

داد: در سال ۶۶ راضیه دختن را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الله نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاريخ ۵ نور دختن را در محل و غیبه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: (( بگیر دخترت را، چله مرا پس بنده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاريخ ۱۸ نور سلامت ۲۰ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختن را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهر مداخله کرد، نعمت الله بالای شوهر تنگچه کشید مرمی که از تنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزه ۸ امنیتی هم از



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخم می بردارد



# دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تانچی به شمار می‌آید، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امیر بزرگ روسیه، ایوان سوم، به دست معماران روس و بدستیاران استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم به نظر اریه‌ایان به نظر معمول عظمت و نفوس دولتی روس نگاه می‌کنند.

انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر سکوتسکیل می‌دهد که در سال ۱۱۴۲ میلادی توسط امیر روسیه یوری دولگورویکی، پادشاه تپه کار رودسکو صورت می‌پذیرد چه در آن روزگار اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه می بود که به معنی شهر سکوتسکیل نامگذاری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی پس دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.

کاخ کرملین مشتمل از برجها، دیوارها و کلیسا های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصاً دوره ایوان سوم، ساخته شده است. درگاه نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصاً در قسمت های غیر مسقف، به اعمار برجها توجه مبذول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای مهندسی و نام مخفی بخود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از زمین طریقی اکیال شود. خروج گردید. به همین سبب به ماینسک به معنی بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بناهای تاریخی کرملین  
ایوان سوم  
امپراتور روسیه  
دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

اعمار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی یا مثلث اولی، که میدان سنخ را احتوا می نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سهزمتوشده در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی سکوتسکو وجود نمود. کلیسای تروتسکی نه رود، مرکز هندسی تمام استحکامات سکوتسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است، در میدان سنخ جلب توجه میکند.

بدین ترتیب، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکیال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سنخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند از اینج و آهک ساخته شده که معلا دیوارها را محافظ نگهداشته است.

اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنابراین نایمان بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخففه معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مساحان پیشعاری پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.

دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد

دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در فصل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل-تپه پروویوتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امیر روسیه (یوری دولگورویکی) در این تپه در کنار رودخانه سکوتسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت. معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی سکوتسکو نگذردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در افسر حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپراتوریه (ایوان کالیست) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اما معرعاتم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دونسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.

در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امیر بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیوسولاری، الیگز فنانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

جهان را آغاز نمودند. اعمار بزرگ کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسا های کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان می باشد. چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست. در نظر اروپاییان کرملین معمول نیرومند دولت سکوتسکو بسوب گردید.

اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت. در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند. اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید. - تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند. بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه سکوتسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین از راه آب اکیال کرد. بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه) به اسمی گردید. در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی سکوتسکو اعمار گردید. قسمت اعظم این دیوارها در ده ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.

در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول سکوتسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان دیوارهای یانزدهم کیلو-متری چوبی که در محل آن بین قرون (هژدهم-نوزدهم) باغ حلقوی سکوتسکو ایجاد گردید.

دیوارهای جدید یکجا یا قلعه در قرن یانزدهم تا سیمایل واحدی را تشکیل داد. بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساس آن - دیوارهای -

کرملین اهمیت و نفوس این کار در چیست؟

دیگی از انسانه های باستانی در باره آغاز سکوتسکو که تا این شهر آن معلوم نیست با رجوع به امپراتوریه پیشگویی نموده بودند که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد. یک قلعه مثلثی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).

و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند. واقعا دیوارهای کرملین عینا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.

الساو خط دومی استحکامات کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سنخ - میباشد. کلیسای تروتسکی نه رود، مرکز هندسی تمام استحکامات سکوتسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سنخ گردید. (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کوزنوه - بخاطر تخریب از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد.)

قرن (یانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سه سبب استحکامات سرحدات دولت جوان مسکو، روابط وسیع تجارتی پیروان آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.

در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی پس دیگری مانند قلعه نیوگورد ایوان - گورد، کولونو و غیره احداث گردید.

در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با انهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند. بقیه در صفحه (۸۶)

# فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

## فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند \* متخصصان کارآموده هر هفت  
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران  
بها و نادیده هر گوشه که ارد نیاسفر میکنند ، بسا  
علاقتمندان وگردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند  
و در حراج ها اشتراك میوزند .

انتونی سبزه ۴۹ ساله ، امر د بیارتنت  
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اگسفورد به  
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که  
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -  
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در  
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق  
مزایده به قیمت ( ۶۰۰۰ ) پوند به سبزه تعلق  
گرفت ، چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -  
نا بیغه رویایی قرن نژدهم سامویل بالمر است ، بعد  
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق  
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش  
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید  
و ترمیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -  
یدان بود ، از موزیم میانماتی بنگله دیش آمد  
است . او میگوید ، ( احتمالاً این برونز رزمیان  
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا  
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات  
بنگله دیش تعهد بمانند که آنرا در موزیم ایالتس  
بدون امنیت نگذارند . )

با امانده مجدد برونز ، سبزه مبلغ ( ۵۰۰۰۰ )  
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که  
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : ( آنچه را که ما  
انجام میدهم عبارتند از حفظ آثار برای نسلهای  
آینده است . )

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را  
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود  
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کیس  
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .  
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه  
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در  
لندن ، که ( ۳۰۰ ) سال قدمت دارد ، استمداد  
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند  
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از ( ۷۰ ) کشور جهان و  
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز  
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر  
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا  
سالانه بیش از ( ۳۰ ) میلیون پوند سترانگه داد و ستد  
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است  
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار  
داشت ، ( این فروشگاه در سطح جهانی جالب  
ترین نوع خود است . )

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -  
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -  
ها ، جنی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد  
زیادی از ایشیا و احنایر برانگیزند و جالب آنگند  
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -  
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع  
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی  
از قبیل عاج ، برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه  
خاصی در اناقه چیده شده است که کویلا خان  
میتوانست آنرا به شرکت و خویش در خاناد و انتقال  
دهد .

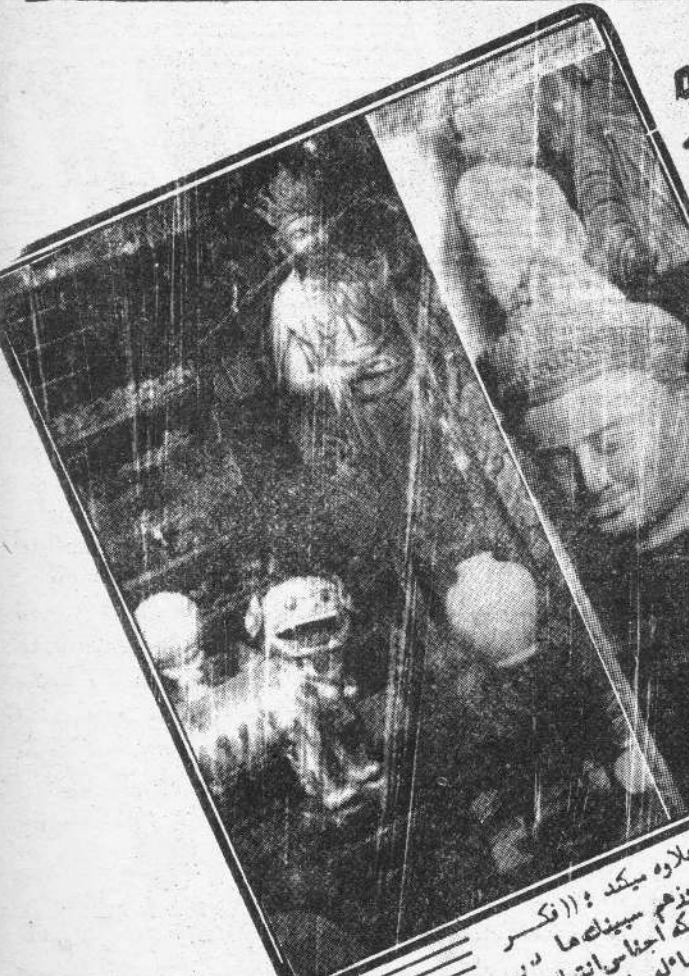
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰  
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -  
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه  
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آرد .

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقمندان  
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی  
سخت علاقمند است تا در برابر دست آوری مجسمه  
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .  
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبزه

# مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

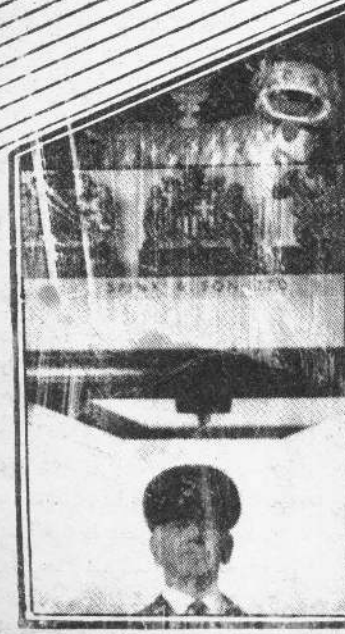
دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایم کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و وانزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



# زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میبایم . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گفتم هایش نمیشود . به مشکل موفق میشم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : (( ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفامن و بفامن که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ... )) قبول میکم و او با زسان خود قصه میکنه و من با زسان خود می نویسم :

\*\*\*

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم وی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمه بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین ( زادگاهم ) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا ( گل بی بی ) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها ولجن زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان نگاههای گوشه رانواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هام ، با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با جینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر ( گل بی بی ) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود رانانتهوان و ذبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بی زنی با مهرانی دست به سرم کشید و چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بیبیکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود ، زیاد از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بی زنی رادریین موهسای چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بی زنی یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : (( کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسم )) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهومی نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . ( بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز ) .

من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غمگین به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میکردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم - با عین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کتم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح عا از کسالت شیهله بخوام

تعبه کننده صباح الدین رهش ( ۸۶ )

سر گذشت یک زنده گی بر باد رفته

# ازهریسی



## پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

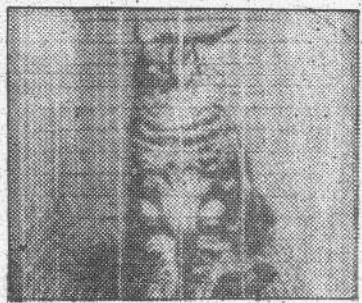
وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی در پی نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آسیب رسیدهگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود. قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکتر ل. وستمان درین شفاخانه پس از معاینه پسر بچه گفت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوند می زند. این عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدن چهارده ساعت را در بر گرفت، دکتر وستمان یک ورید دست قارن را نیز با ورید ساژ او متصل کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد. این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.



## ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است

دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از جمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

## پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلپین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، و اگر چه چنین شخصی بدست پولیس میفتد از ۲۰۰۰ پیوسته دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید.

طبق این مقررات هیچ شخصی اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گریس موتوهای بهزلسی میخی پس را ممنوع میگردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

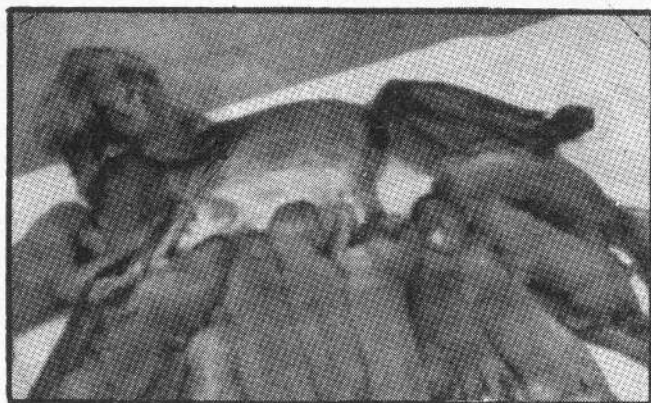
## لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلکینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرزمین انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طافه رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

## بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند. مسوول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی و اخسند نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد. قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.

خانه‌چی ها



یک سگ ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بد دنیا آورد که رحمت عمه نوزاد - در آن خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزاد آن کم است به دنیا میآید که بحالست

عادی نوعی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر دکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بد دنیا آورده

تهیه کننده حسن نیر

## آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هند، آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت. آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر، سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکاران گفتند که خطری جدی زنده می آید و تعداد ۲۵ نفر را زخمی ساخت. آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر، سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

# از هر کجا

## اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

### میگیرد



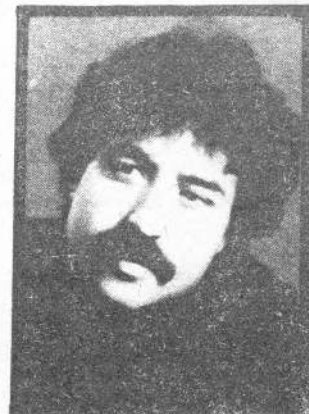
اکیهیتو، امپراتور جدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکا) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد. انون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

## همه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند. تعداد نهادی به این عقیده اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجای عالم های علمی به منظور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجارب روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپذیر است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

# از گپ های که ما خبر شدیم

## آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد همراهم می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضر شد سرت را بید بود.

معشر سیم حاضر شد و گت منتظر معشر واحد مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از منی آید و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه دارم یک مسابقه جالب دیدنم راتناشا خواهیم کرد.

چندی قبل معشر معشر نواز با استعداد کنورد و صاحب خود در برنامه هزارویک گپ تلویزیون و در رفتن جوانان گت: حاضر نیست تاده سان آیند، جاب هنری این راه کسی دیگر

## صد قسم برای یک بوجی آرد

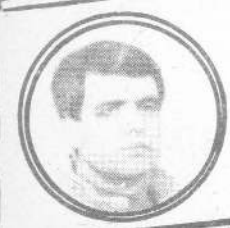
نور سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیا در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه اردیبهشتی عم میگت از برای خدا چرا نامحس نس میخورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت من، زیرا موتربیکه بوجی آرد بوجی آرد و در موترب ب

هارا آرد همینجاتی خالص نمون، منتظرین، موتربیکه نس اما آن نس بوجی و قرآن میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایب کردی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید ه آن نس بگتند تو حاجی سرت دست را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخری که این بوجی از نس است! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره بوجی آرد و در موترب ب

انداخته سوپ کارت نورفت مردم از آن فرد دیگر پرسیدند ترا خدا راست میگت که این بوجی از نس است، گت: بیاید خودم فریب بد از گت نس بوجی آرد خانه می برد نس خورم که از ه این چسرا و تیکه خرد بونم در مسجد درس میخوانم شنیده بودم که برای نه ات دادن جان نس خوردن رواست و بوجی آرد آن نس را به دست انداخته سوپ من خون رس.

# شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



## حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و با تا س از سرت راست بدن فلج بوده در ایار شانس در ستر مریضی فرزند دارند محمد سرف از لیلان چغان نود فامیلی خیرخانه مینه: س: چرا بعضی از معترمنان عتگام بسنگ در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتما سرف خود را نبینند.

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکجه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟ ج: میگردند، در جوییکه آب رفته باز می رود!

س: چرا بعضی از معترمنان موبع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟ ج: به خاطر اینکجه میخواهند جو سرف خود را نبینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده حتما به داکتر دندان مراجعه کنید. گلانی محسن روزنالمین: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش دسغ شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشت سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا بقیه در صفحه (۸۸)

جان ترانه علاوه ازینکجه هنرمند خوب آواز است پنج انگشتش شش چراغ است، علت سوختن درین است. فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان: س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند شد مبارک است، میخوایم بد انیم چند بچه و چند دختر آرد و چند ساه عسند و آیا بازم می خواهد فرزند داشته باشد؟ ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

## اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از طبابت کناره گیر کند. وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گت پرسید بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار نگری عم نمائده که سرفاس برود گتند نماید به نفع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - ایر نمایند و با ناید عم میوان اولیه سرف معترمنان را تهیه نماید باران ترانس روز هنر رساند و با نام کدام کسار نیب نگری را نمایان نماید. از تعداد چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمسه موسعات شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برای من گفتم که بعد از شنیدن و تین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها درع است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بد و گت دست اختیار - اری و من برای نمسه ای کردم ازین فرار میگردند شخصی بود که فکر میکرد تانه گتیم است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و بگتور

ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورمو شرف اورا نزد خود خواست و گت: بران رتواگر تانه گت نیستی، تویت سرف دستی یک مرد کاملاً عسار بی وضحتند از تانه طبابت، سو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوبی باشی و سه مردم خدمت نمایی ۰۰۰۰ باریس جمله حرفها مرید یاد دت خاطر سخندان نه کتور اسندید در اخیر به وی گت: تشکر داکتر صاحب من هم قسوس می کنم که من دیگر تانه گت نیست اما خدا کند که مریدنا برین گتند.

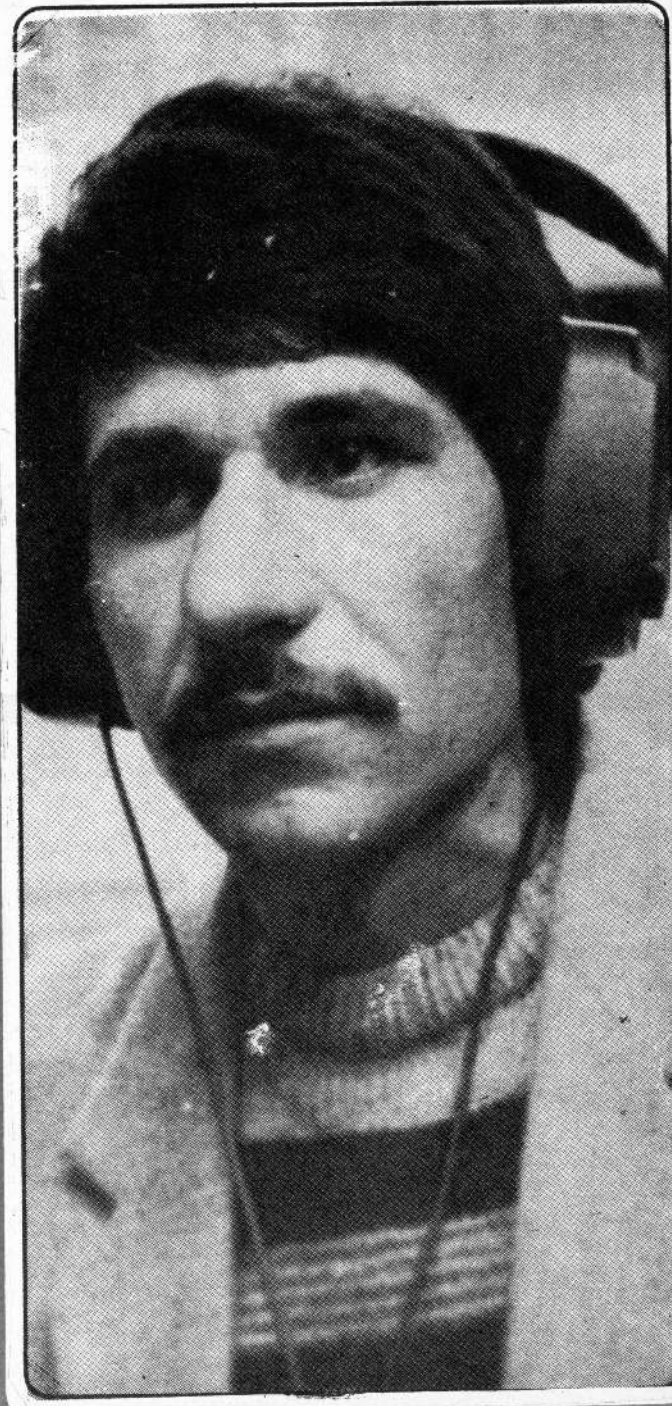
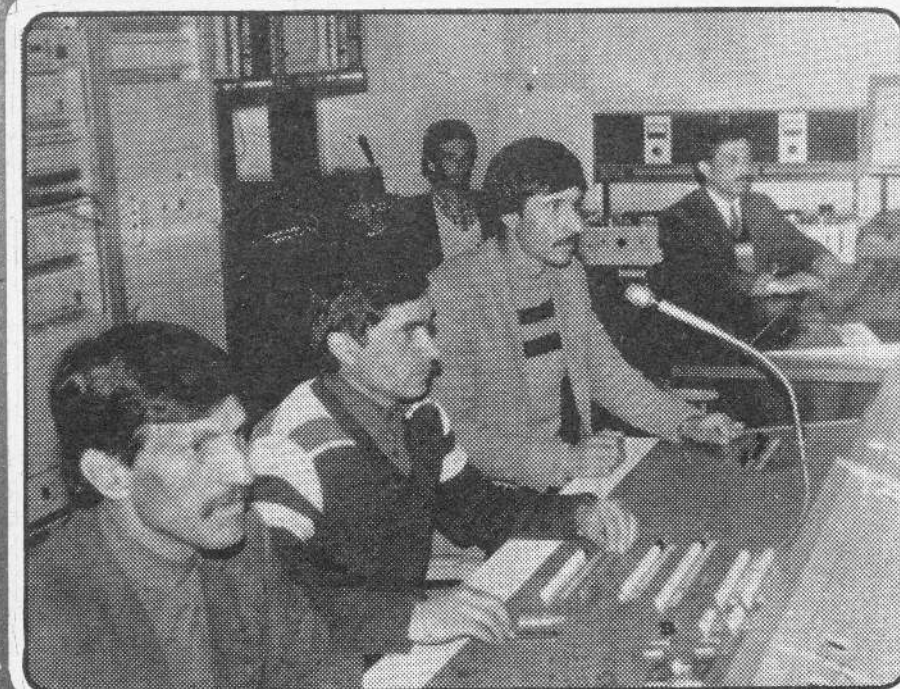


# مجله ناولوژی

صاحب از اسد بهج

## سی از یک دهه

### گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تسمه های مطبوعاتی - با انفسه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سهمی داشته باشیم. چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا بر این بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کویاز صرف یازدهم مکتب الی بالاترین سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه موثر شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راه برای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام در میان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشار می یابد. طبیعتاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان بینی های فرهنگ کشورهای مختلف می پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و شطاسی هنریه خفوم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستحکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم حدائقه از دست میدیم و حاصل ما دقتاتش بسیار گزاف کم.

و اما در زمینه نوشتاری ارسال هم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا بر عدم موجودیت نهی شده پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستحکم سرورانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نویسند.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحات رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که پاتویه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جمعیت هرزه، شکل یافته است؛ کارگردانی برنامه ها نوشته کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثرات نهی شده مدهه داشتیم. جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتویه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته ستایشی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتویه برنامه، مجله تلویزیونی شما راهی گویی میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه، مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مسئولیت و مشکل محدود، آنکس بی نهایت وسیع مشخص در تمام بخشهای فن و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از آنزه های فن کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کوچکی از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و اصلاح بدت می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتویه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکویی رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های هم جان و پاتویه (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد. بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسوق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشکی شما شود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط بخصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلامی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

# دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب  
 هرچه میجویی بجو  
 بیکران بحریت ، گزهر بیحساب  
 هرچه میجویی بجو  
 فارس گویی ، دري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 لفظ شعرو دلبری گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 بهرین تنها زبان مادر است  
 همچو شیر مادر است  
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست  
 چونکه مهر مادر است  
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم  
 دوست میدارم و را  
 چون نوازشهای گرم مادرم  
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

# کاسه

بلبل به فغان چه کار دارد  
 نه که خبر از بهار دارد  
 قمری به طلوع صبحگاهی  
 جشنی به چمن هزار دارد  
 چشمش ز شراب ناب امشب  
 پتگرکه چنان خمار دارد  
 مردم زنگاه آشنیش  
 گلگونه قبا ، نگار دارد  
 اندام ظریف و نقره فامش  
 بردل هو من شکار دارد  
 آید بیم ز راه شوخی  
 حیف است به غیر نظر دارد  
 صید کشته بود و بناز و رامش  
 خون شهدا ، وقار دارد

# مشوش

من مرغ اشم  
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم  
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی  
 من از سپیده های دروغین مشوشم  
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار  
 نشکست ولی غبار دارد  
 پژمان شده اسپر زلفش  
 صد همچو منی بتار دارد

# بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی  
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی  
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید  
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی  
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه  
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی  
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی  
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی  
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو  
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی  
 دما بنام له تیکی تیخ د هلال ووت  
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی  
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتی  
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی  
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی  
 خاورو لاندی خه بنایسته نیلگی خیری شوی  
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو  
 که به سرو وینو خر وی می میری شوی

پوهاند زیار  
۶۷۲۲۲

# بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار  
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار  
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه  
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار  
 ببر کنسید و چمن جامه نگارین خوش  
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار  
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من  
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار  
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب  
 مرا به بیک فریبند و خمار چکار  
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو  
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار  
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند  
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار  
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین  
 مرا به سپر و سفر سوی گل بهار چکار  
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد  
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

# مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزن تو یاري هست . نیست  
 باغم را غیر مهتر نمکساري هست . نیست  
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست  
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست  
 گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی  
 سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست  
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد  
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

## غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی  
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی  
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی  
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی  
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده  
 داسی می لیرد پیرخه کتلی دی بعدی کوخه کی  
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه  
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی  
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی  
 مائل د هجر زهر خنکلی دی به دی کوخه کی  
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو  
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

## دخوانی گلونه

ز یاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی  
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنکاریده  
 به مومرینولپچو خوب ته بی سرنه تیتاوه  
 د بپنشی عظمت نینه بی  
 پرته خته کی وه  
 دغه غرور بی د پیری بیرونو  
 مات نه شوکر ای  
 کره صدقه بی له زلفانو  
 دخوانی گلونه  
 خودغه تورماران بی  
 کله د غاری امیلونه نه شول  
 چایی دیانور زیدل  
 به شپه کی ونه لیدل  
 به جوانی برگ مینی  
 د جاخماري نازینس سترگی  
 باندی نمجنس نه شوی  
 خودخوانی گلونو  
 دجاناز کوینبوتسه  
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

## پروانه ها

پروانه های پروانه ها  
 پروانه های خوشنما  
 پروازتان بس دلنشین  
 بر آسمان و بر زمین  
 کالای خوشترنگ شما  
 رقم شما، جنگ شما  
 روی گل و روی چمن  
 روی علف های دمن  
 مستانه بال و پرزید  
 بر روی من بر پرزید  
 گفتم بگیرم بالکت  
 آن بالک خال خالکت  
 از دست من گشتی رها  
 رفتی سوی تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی  
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

## شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش  
 در شام تار طرز صدایش نخواند است  
 اما  
 زلفان تار دختر شب  
 روی ماه را  
 در چنبر طلسم سیاه کشید است  
 اری !  
 شاید که زنده کسی  
 یک انتظار دخت شب خوابدید ما است

حمید مهرورز

## برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو  
 آه ای خدای من!  
 چون شاخه های خشک درختان  
 در آستان درگه \* تو با کمال عجز  
 از فرط یک نیاز  
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است  
 دستم تعی مدار  
 آه ای خدای من!  
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست  
 و اینسان غمین مدار  
 هرگز رواندار خدایا که قلب من  
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است  
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه  
 هرگز رواندار خدایا که چشم من  
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه  
 مرضیه عدیل

## شبه خیز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار  
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود  
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها  
 بوی تراب کلبه ای من می براكند  
 من، لوح خاطرم:  
 با قاف قامت تو،  
 دل انگیزی کنم  
 با یاد پادشاه تو،  
 شبخیزی کنم  
 محسبی "سوزن"

## لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی  
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی  
 میگی ی خود د ن هدا وریکی ناخسی  
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی  
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا  
 کلی کی نه شته دی بیوجه لیونی  
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی  
 کله کوی جاته سجده لیونی  
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا  
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

السمعیل

## شبنم پاک سحر

واضح باز میانند  
 نشان شیخ اندامت  
 به دیوار دل پادم  
 که می آیی به سوری من  
 به دیت ابروی صفا  
 و یاد ستان البرزانی  
 خدایا، نه، چرا سر زان  
 که شیخ است این که میگرد  
 نه دستان سید مریم تو  
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم  
 مثال شبنم پاک سحر گاهم  
 در آغوش نرمانوشم  
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران  
 به رویت باز میگرد  
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

## بهار و یار

یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 درختان تنگنومه یار  
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار  
 من با ادب بوسه بچشم زلف او  
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار  
 وانکه بجام چشم اوستای من بنیاز  
 یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 (لومان) تویی خنار  
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



# سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سرسبه  
فلك كشيده درجهان آنقدر نهاد  
نمست • مزارع آسمان خورش از-  
همان آفازمورد تعجب و حیرت مد  
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری  
نشاندهنده اوج ترقی تختک  
دین هیا آن مرحله تاریخ است •  
در آفاز چنین مزارع یک چیز  
کامله لوکس حساب میروند و ملتی که  
آنها بنا نهاد بود به آن افتخار میکرد  
ولی امروز مزارع آسمان خورش نظر  
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مس  
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -  
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل  
اعمار چنین مزارع سرسبه فلك كشيده  
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی  
انسان امروزی از دیدن این هرم -  
دست تحریر به دندان میبرد •  
انکشاف واقعی ساختمانهای  
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •  
دین زمان در تمام جهان کلیساها  
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود  
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز  
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •  
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس  
راد در شهر رم که ارتفاع مناره آن به  
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم  
چنان باید از قصر گوتهك در شهر  
کولن آلمان یاد دهانی کرد که  
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بله یادگارهای تاریخی همگین در  
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم  
نیز در پیوسته ، ولی همان آمدن برج  
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -  
صوری با استفاده از تکنالژی جدید  
بستگی مستقیم دارد •

اولین برج فولادی با ارتفاع  
۳۰۰ متر که مدت نهادی درجهان  
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور  
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •  
این برج طی مغل مجالی بمناسبت  
تعیینگاه بین المللی در سال  
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و  
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •  
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -  
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -  
مادل های این برج گایی و اعمار  
شده است •

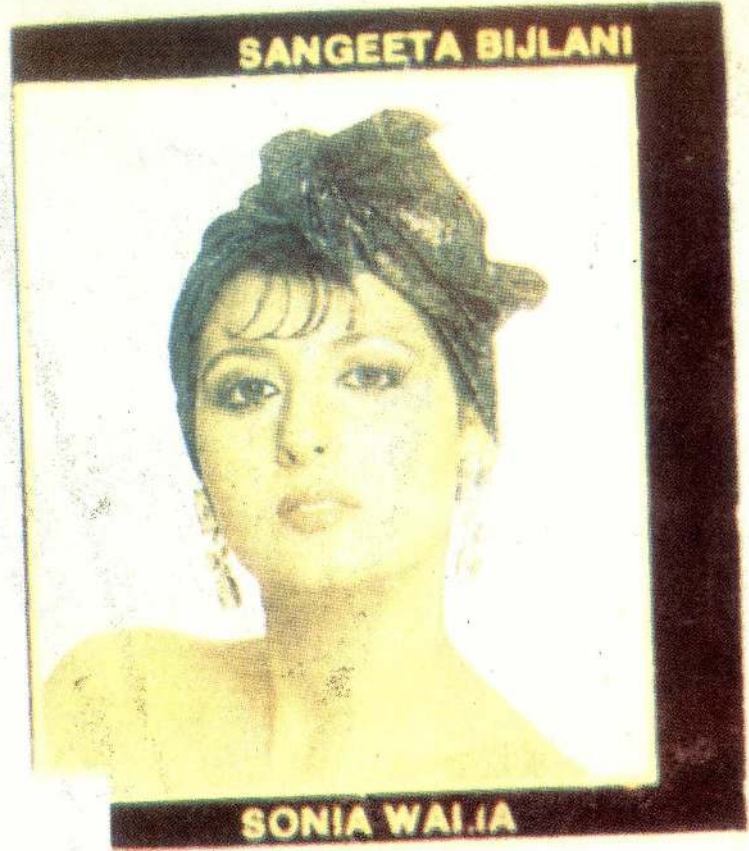
بکار در برج ایفل مدت نهادی -  
شکستنده شده ، بالآخره در سال  
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما  
خراش کوسلر بلدیگ ( CHURCH  
BUILDING ) که ۳۰۶  
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در  
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت  
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن  
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •  
مزارع امپایر سٹیته بلدیگ

( EMPIRE STATE  
BUILDING ) این مقام را برای -  
نیویارک گزینی کرد ، این ساختمان  
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •  
آنقدر زمان دیر می گذرد که -  
ارتفاع فوق راساختن دوج مرکز  
جهانی تجاری ( WORLD TRADE  
CENTER ) که ۴۱۲ متر -  
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -  
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -  
تهن ساختمان جهان که در شهر  
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی  
که در شیکاگو واقع است دارای -  
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲  
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام  
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند  
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو  
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار  
شدند •

در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی  
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲  
متر داشت به دست آورد • این برج  
بقیه در صفحه ( ۷۴ )



SONIA WALIA



# از دنیای مود

توسعه و عالی



## حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس \* برای آتھ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازکار خود نگرفته بود \*

وقتی اورادرد ((پانسوتی)) که زنده گی میکنسد

ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) \*

ایمعدانک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ \* حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینہ سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نھاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند و برایم تھریک نگھند \*

عدہ بی راعتھدہ براین است کہ ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ \* نا - جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های

((سکسی)) مرابہ انظارجلوہ دادہ استولی اقتصاد من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ تن داشته ام کہ به مقتضای \* حنہ \* فلم است این چه گناہ کبیرہ است کہ ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا تھن یک بھتندہ این است کہ درکارحوض شنا ، دخترئ با لباس سوراپا مستور جا - رشود ؟ ایادرمحل - شناہ پوشیدن لباس شنا ، امرکاملآ طبیعی نھست ؟

اگر کارگردان مراد درکارحوض شنا ، با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل مھشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش ن یک هنرمند به نام رسیدہ بی رامتھدہ بودم \* نقش نہایت پرازنوامش وابداعات بود ولی کارگردان ، مراشیوہ \* کاررا آموخت و مرا خوب یاری رسانید \*

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ \* یک فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم به نمایش گذاشتہ شد \*

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاھر مھشود \* درنلم های ((جین داتا)) و ((مھاسنگرام)) یا ((ادیتہ پنجولی)) و درنلم

((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم

((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) همبازی مھاشد \*

مناف بھریں ، یک عدہ از فلسازان جنوب ہندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کردہ اند کہ وی صھمانہ ومعدہ \* همکاری به آنها دادہ است \*

دراین بارہ اوصوف های دارد یہ این تحصیل : ((من عجلہ بی ندارم کہ دھل ان بہ اوج شھر

برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا \* ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم ها

ہم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ همبازی من

کہست ، بسیار نمی اندیشم \*

برایم بسیار بی تفاوت است کہ درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکہ قہلا گھتم درنلم ((تیرئ شھر

مین)) در برابر ((مارک نیئر)) و درنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکھرخان)) و درنلم ((مھادیو)) با ((ونودکنندہ))

سازو بہ بازی شدم \* من بہ دراست وجرا ت این موضوع را تھیب

میکم کہ بہ هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ تن نمایم \*

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ \* کاروبار مود را - بستہ و درنمایش لباس ها - \* تمیگیرد ، خودش می

نھد :

((موقعیت کتونی حکم میکند کہ بعدازین ، سینما وھنرنامی مرکز تمام توجھاتم باشدہ نہرا نقش راکہ

درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ بودم رھصھرفرتہ قناعت بخش نبود وچا کہ فلسازان معروف بہ من چشم

امید دوختہ اند لانہ است من ہم تنس های فراوانی ازخود نشان دھم)) \*

درخجس دنیای مود و فیشن ((سونوالیا)) عکس - العمل خودداینگونه تھازم مھدہد :

((اگر پھشنمادی درمورد نمایش لباس برایم بوسد رذنی کم مشرط ہباینکہ طبع ونحوہ نمایش قابسل

# تاجهان سینما

## سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا  
 هم نیک و لو که از اینجا بولی ، قابل توجه میباشد))  
 «سونووالیا» از آنانی که در عین اوج حرف های  
 بسیار می گویند ، در یو خون داشته میکند :  
 ((نمی دانم چه آمده بی به عزت نامه و دیگران من  
 اعتراض میکنند ، تردید ندارند که در لسان انگلیسی  
 مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از آنانی  
 صبح اردو دهند هم بهره و فایده دارم ، روی  
 این اصل توافق نیکم به انتقاد آنانی که عقیده -  
 ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی  
 کم یاد میکنند بقاد آمیگ دارم .

اعتراض میکنم که حضرت تاجهان مود به دنبال  
 سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادعا درست  
 نیست که میکنند مود را لباس هاتراندندری هنر  
 ندارند)) .

((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل  
 مقام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده  
 میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند  
 به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی ، تا آنکه  
 سوانح آنها را تقاضا دادم و رضایتشان را در این  
 مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در  
 سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های  
 نقش گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او  
 با ((وتودکنه)) بجز هاسرید ، در حالیکه از این  
 رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه  
 میکند ، در این باره تصریحی ندارند این شرح :  
 ((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -  
 سله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))  
 مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی  
 یک سان داشتیم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار  
 بودم ، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته ،  
 تجارت خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میرسانید  
 که از این سلوک انسانی او خبرنگاران بدون در نظر داشت  
 حقیقت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه  
 را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر  
 ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال  
 همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .  
 نه مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس  
 که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله  
 و شکیبایی خازر الماده نخواهد)) .

سونو والیا میگوید : ((من به خود باور دارم که در سال  
 های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و  
 موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بر آن دارم نقش  
 های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا  
 هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .  
 بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه  
 میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر  
 خدمتی را انجام داده نمیتواند از اینترست که با هر  
 نوع نقش دلچسبی ندارد و اگر چنین میگردم امروز  
 در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی  
 می کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

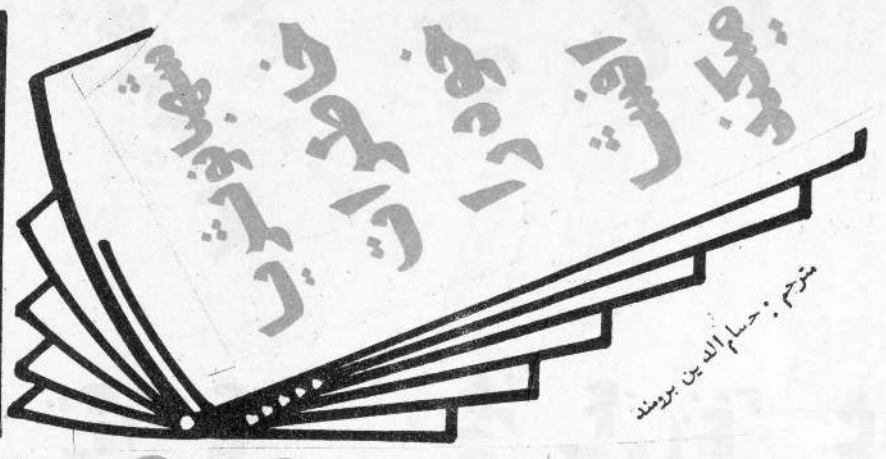
قیه در صفحه (۷۸)



# جداشدم؟

## چگونه از رضاشاه

نخستین: حاتم‌الدین میرزا



# چند عنوان است؟ زنده‌ها و اکنون به بدر از دواج داده و چرا با یار با دروم تن باز هم سزا دید بود تزییسی از جدایی

شاه بانو اسعد یار ، پسر از سالما سکوت ، خاطرات  
همچنان انگیز زندگی مشترک با شاه را فرانس ساخت  
وقتی صحن نگارن خاستن از ابراز داشت :  
(حقوق زندگی من در این خاستن جالبتر از هر  
انسانه هست که تاکنون بر ما من زندگی شکر  
گرفته اند

از جدایی من با شاه ایران که در سال  
۱۳۰۸ هجری آمد ، هنوز مدت زیادی سپری نشده  
بود ، منکه باید وادام در شهر گلن آلمان به سر  
مهرم ، یکروز برای نخستین بار هم شدم برای خرید  
تزییسات خنجر به شهر بروم ، ابتدا گفتم برای من  
چون لباس بسیار معمولی به تن داشتم ، فکر کرده بودم  
وجه مورد توجه کسی قرار نگیرم ، اما بر خلاف بر روی  
جاده ناآهان متوجه شدم ، همه عابین یکبارگی چشم  
خود ادامه بهم ، همه عابین یکبارگی چشم  
شده بودند و مرا ورنه از هر کسند و این نگاه  
بانهضرو خانی تمام بود ، چشمان من نبود و یا همان  
سالمی از را داشت ، فکر من در این بود که در  
گذشته بجهت خاور همیشه در برابر ، چشمان  
زینت زین در میان جمعیت را نبود نداده بودم ، و  
اما آنروز حتی خورد ترین عاب سر به نالیدی و  
در سنجی من من بود ، در دربار ایران مردم  
بود که در همه جای شاه بانو میگردانند ، همراهِ  
ایست و چنان بر این راه باز میگردند ، عادت کرده  
بودم که در سالهای زنده کنی باشا ، برای حضور  
گذرانی و تفریح ، اگر به سالت (نهایی) در روم  
یا (شاهزاده همیشه) در پاریس میروم اما آنجا  
با دیارهایان ، که با هم راه را باز میگردند ، همراهِ  
مهدم ، اما در خانه گلن ، عتقان تنها بودم .  
وقتی به یاد کنی گردن رستم ، ترس میبرد  
بر من مستول گشت ، دیگر نماندم چیزی سرن را  
بهمان و سواره نزدیکترین موز شدم ، من بیشتر  
به موجودی شبیه بودم که مدت درازی زندانی  
بوده باشد ، ویر از راهی راه کم نبود ، برخلاف  
عصر با تراز گردنم در موز ، وضع منقلب نشد .  
وقتی در تهران ، عقه نریمان موز شدم ، سالت  
چراغ های سرح و سپهر آسرا و تفریح نماندم و سالت  
تراشکی بر لبم خندیدند ، چون سالت را دیدم  
عصر موز محصور من ، جاده را برای سایر عساره  
با مسدود ساختن اینبار در گلن ، مسدود

# سریال مجب حافظه اول تزییسی بیمورد

# قصه های اکنون سخن میگویند سه بانو تریا :

# خصوصی من

تهران با بی التفاتی از برادر اشارات و تزییسی  
مهدشتم و این حرکت بیانی قوانین مجوزی انقضی بود  
تزییسی یک از روزها ، سوار ایل کوچک ، کسه  
نهر پلیت CD داشت ، همراه با سکرتر خاص ،  
روان ، شکر شدم ، چنگک چوستم موز را پسار  
نمام ، یک مامور پولیس نزدیک آمد ، و تا توانست  
نازناکت وانمود :  
مگر لومه برای چیست ؟ اینجا توقف مشغول  
است !!  
سکرتم که در خوشوشنگ بود ، به پولیس  
تزییسی داد که تا هنوز به قورات اینجا بلد نیستم  
من نخستین زن شاه ایران میباشم ، پولیس که فکر  
میکرد در دروغ میگوید با خشونت گفت موز تو کسو  
جواز سوار تا ترا نشانی بدید .  
وقتی استاد راننده می مرادید ، دهشتن  
از تعجب باز ماند . . . . . و دیگر هیچ حرفی نزد .  
راستی اینکه من بلد نبودم چگونه موز را باید  
پارل نزد ، در برابر ناگه نیز برای رفتن به پیش  
چنان ایستاد ، باهام میباید موز را چه وقت  
باید تغییر نزد ، اما سوار ایستاد موز تا سرتز  
راننده ، منهن مراجع و از راننده را رفتار  
راگنم ، در دربار شاه ایران ، حدت تمام  
راگنم در دربار شاه ایران ، حدت تمام  
نداشتم حتی دستم به دستش دروازه موز  
برسد .  
مساخت باید از قبل موافقت دربار را میباشم ، بهنای  
درون پانته که به تزییسی موجود تا قدر آزاده بی بی  
تزییسی و از تزییسی بی زنده کنی تنگ من آمد ، در موز  
پول تزییسی آزاد ندانستم و به عنوان اینکه زن شاه  
استم ، سز محل پول نقد را بر من نهادند ، هنگام  
خوب ، پول را کسی می برداشت که مرا همراهی موز  
همچنانی تا اخیر نتوانستم بفهمم که پول صراف  
موز ، چگونه پرداخت میشود ، غذا را در هتل  
چگونه تزییسی داد و یا برای پول چای ، چقدر باید  
پرداخت ؟ و این امر همیشه مدتی مدتها  
براز از درون و نامله کوفتی از دیار ، با این سالیان  
تا آنجا و بهنای تمام وصفاً حید و تزییسی در دربار  
پول را میباید مسدود کرده بودم .  
تزییسی بود که آزاد عادی با ملاقات این  
و تزییسی ، بر من مخندیدند ، اما دست تزییسی  
مرا چنان پار آورده بود ، صبر بایدت :  
از دواج با شاه در مجده سالتی ، رتبه های  
حرکات و اوضاع و احوال من کنترل میشد .



به تزییسی و تزییسی در دستم در دستم و تزییسی  
دار میگردم ، ساعت به در دستم آینه نقشه  
بودم میان به زبان کوچک به کوچک چنگک خنجر  
در برابر خنجران دیوار خنجران خنجران  
بر لب موز ، بزنده و تزییسی هر کس بی که از  
دهم تزییسی خنجران و از سالت ان بیان  
دار ، شاه در کله سالت خنجران با من میباشم  
نیرگانه عمل میگردم ، من در تزییسی خنجران کسه  
برای شکر تالیصت حقیقت را بیان دارم .  
هنگام سفر خنجر به انگلستان من گریه  
در دربار الیزابت انگلستان شا عده کرده و  
معقد شدم که او را یک دیوار موز فیض تابل دیدم  
از چنان بیرون ، سوزناک و از برای مسرت  
یا تزییسی بود ، خواهی نخواهی بایدت  
مثل یک هنر پیشه میباشم - هنر پیشه  
ماهیکه با سالت از آغاز تا انجام عمل پاک تزییسی  
را ایضا نماید ، چون فقط وقت اینبار پاک تزییسی  
بودم ، اسرار دار و سکوت همیشه دیوار آینه  
در دربار میباشم ، به طبیعت دهن ام مدال  
گیده بود و خنجران من جهت بود که پس از جدایی  
نیزه تالیصت میگردم ، خود را چنان موز در سوزان  
متقی سالت ، نه میباشم در جمعیت و در جمعیت  
باشم ، در کل شاه فقط با چند نفر انگشت شمار  
اعتباری خانوادگی ام میباشم ، هم سوزان  
انفراد صرف اعتماد ، بجهت عدم آشنایی با من  
در بار ، نه میباشم در کنده درجه سوزان تزییسی  
تزییسی من قرار دارم .  
کند ، اما بیگانه موجوداتی که مرجع پناه و حمایت  
من بود ، والدینم بودند که تم واندو و هر حالت ناه  
نخواهید زندگی را ، دیدار آیان موز بود ، باوصف  
آن حتی پس از جدایی نیز نزد من بر تزییسی میبود غله  
حاصل کردم ، اما محیط بعضاً هیچگونه رسمی  
نمیدانسته بودم ، بزرگ بود همه موارد ناگزیرم سان  
پن میروند سببا با سالت عمل میباشم ، حالتی چون  
سوزان و تزییسی و سوزان تزییسی سوزان  
شان از اینان کارگر تزییسی میباشم ، با سالت تزییسی  
مهدشتم ، اما تزییسی من با ستاره های سوزان تزییسی  
بودم که از آن کار در این عرصه را ارادی گیده بودند  
بوسله کار محصور ، مسالفت میباشم و از هیچگونه  
خنجر زنده کنی شخصی دلخواه بخور نمی چشم و  
این تغییر کارگاه میباشم می بود که دست تزییسی  
باوصف سوزان و شاه ، برادران سوزان بود .  
اکتبن که مدتها در دیار آران روز و روزگار میگذرد  
کفنی است با آن عتفه خنجران ها مرا  
لرزه و دلجو در آورد ، پس از آنکه جان ما در سوزان  
جدایی گیده شد ، مادرم من پیش نهاد کرد پس  
ایتالیا در ((برمودا)) غیبت نموده و با دست و پا  
کردن کار ، زنده میباشم زنده کنی عادی را  
تدارک میباشم ، من در روم به ایستگاه قطار در  
تزییسی با جمعیت تزییسی که از روم با ایستگاه آمده  
بودند ، قابل شدم ، مادرم که به انچه میباشم  
زاده ، جدایی ام از شاه ، بدیده تزییسی تزییسی  
خواستم مرا از جمعیت باز دارم مگر میباشم من و صد  
سوزان که ما را به سالت به صور مظلوم انتقال  
خواهند داد .  
تزییسی در زمانه ایستاد .



# برفراز تياتر وياسينما

# خورشيد



به جست  
- خورشيد جان عقيد ه شما در رابطه به داشتن يك سينماي خوب چيست ؟  
- بعد از لحظه بي درنگ افزود بايد براي يافتن سينماي خوب اولتراز همه در جستجوي فرهنگ مليتها بود . در يك فلم نيز بايد اند پشه بران داشت تا محتوي از يك تفكر اصيل و فر هنگ جامعه كدر آن زند هي مي نمايم ، ما به داشته باشد .  
- ستم شما در بهتر شدن سينماي افغانني از چه قرار است ؟  
- من بعنوان يك فرد درين عرصه نميخواهم بصورت ديگري فكر كنم . فقط تلاش ورزيده ام با نهاييت صميميت و بي الايشي به اجرا گزفتن كركرت سپرده شده ، روايت - نظم ودي سيلين - داشتن اخلاق خجسته و احترام متقابل ستم خود را تا همين اكون با صداقت تمام ادا نمايم .  
- ميخواهم بدانم كار كرد هاي شما سينمايي شما از كدام فلم و چگونه آغاز شد ؟  
- من با پيشينه كار را ديوانم با علاقه مندي كه در بقيه در صفحه ( 11 )

- سينما يك شاخه با اهميت فر هنگ بشمار ميرود ، دست باز دين بدان چراغ ميخواهد و ايشان جلايش جنين بيكره زيبا و انساني منحصر به ذكور نيست بكون طبق حكم زمان ، اناك جامعه ما ميتواند در رشد و پيشرفت اين بديده والا از اهميت با ارزشي برخوردار باشند .  
- اگر همانند همه زنان كه به سلام اين پيكنه رجوع كردند و بعد بلاد رنگ و دواع كردند چي ؟  
- شما مي دانيد كه جامعه ما يك جامعه عقب مانده و رويه انكشاف است و از چنانسي بديده سينماي ما تا هنوز نتوانسته هويت ملي خود را كسب نمايد و استند عد ماي كه بنا بر تخيلات واهي گرا يانه ويا ممكن اشكالات ناشي از تعصب و رباي باي خود را از عرصه تعاليت باز مي دارند . ولي من بسد ان مي اند پشم كه نبايد عقب گرا بود و سوي سايه رفت ، سايه بيكده سپوش به تاريخي و لغزنده گسي مي انجامد . چرا ، خرد مندانه به سوي خورشيد گام ، بگام پيش نرفت و از خورشيد بيكه اشعه پر فروش همگاني است ، سود

اين بار در رابطه به ويژگي هاي هنر و شناخت بهتر هنر - مند ان سينماي افغانني ، باي صحبت هنرمند مجرب و مستعصي كه پيشينه كار كرد هايش از امواج راديو آغاز و در زمره نخستين - اكرتس هاي ( هنر پيشه گان ) تياتر سينما - تلويزيون با درخشش چشمگير جا گرفت و در آثار راديو ، تياتر ، سينماي و تلويزيوني موفق از آزمون بدر آمد و تلاش بيگير و علاقه وافر از زمره موفق ترين چهره هاي سينماي افغانني در سطح كشور شناخته شد .  
- اين چهره پر درخشش محترمه خورشيد است كه دعوت ما را با علاقه مندي و محبت پذيرت اينك توجه عزيز خواننده گان گرانقدر را به گفت و شنود اين هنرمند معطوف مي دارم .  
- ميخواهم نخستين سوالها چنين طرح كنم :  
- بدان نظر شما موجود ديست اناك در بيكده سينماي نو پيا خواسته ما ، از چه اهميتي برخوردار خواهد بود ؟

همپينكه اثری از خود به جا ميگذارم براي ما افتخار است  
استعداد ده ها بايد به وقوع كشف كردند

# اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون با تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید می باشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها را از بین می برد. بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

## ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد منرال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۰.۴) فیصد پروتئین، (۰.۱) فیصد کربوهیدرات، (۰.۲) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار منرال ها و مینرال های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

## خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۰.۵) (۶۴) فیصد منرال های القلی ساز و (۳۰.۹) فیصد منرال های اسید ساز می باشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آبر طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

## نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا می باشد که گمانه که به قضا می دهد و اندام می تواند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

## اختلالات معده سی :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

# باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

## سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت به هم می آید (۴) تا (۶) اونس آن تجویز می شود. بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ر ه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف می کند.

## بیماری های رایج :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

هنگامیکه با شهرد لمه مخلوط شود برای شکستادن و حل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقویت اسید ادراور می باشد.

باید که با آب تازه تازگیل مخلوط شده به مقدار یک یاد او ص هیک ساعت بعد دوای خفلی خوب برای رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب می گردد. این صا ر ه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ میکند.

## جوش ها و دانه های روی جلد :

صا ر ه بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و دانه های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ر ه های زودک و کاهو را با پوست صا ر ه بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ر ه شهرد بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک با پوست دراز نکند. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را میتوان به صورت سبزیجات، حبوبات، صا ر ه جات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ به عنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شهرد به این صلا د آثار خوردنی لذیذ و آریش غذای بسیار لذیذ و همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



# پونم ..

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد کردید. به هر صفت تاردواند ن طاسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلات نمیشود. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟

ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند محدود گسترده تر از سکی داشته باشد. من در فضا شغله رهنوردی می باشد. مردی که می آید، چه از آمد کرد؟

ج - او صا ر ه دیوانه خواهد شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شاره ها زنده بلعم می کنند.

# دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی :

خاوند به بیاد پسرلی کس له وجه با گند لونگوبوی را خینه د پسرلی به و رخوا را شه چی تور تکی رته کیزدی و غورومه

خوانان هم به دغه و رخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توست را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه

حی. اتیونه کوی، بنی ولی او. سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سین ز پری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپور کس

دخوان اتل) دراتگه به انتظار به تال کی کینی. د هغه دراتگه لار بخاری اوبه گزار کار می ن رنگوبی خوله بد ه مرغه چی به تال کی بی خوب روی او همداسی وید به پاتی کیزی. داهم اسطوره ده چی د پسرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی. د نوروز خوان را می او تیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د پسرلی د گلونو ناوونیزی ته خان رموی. خو نوروزی بی بی خوارکی چی کله سترگی برانیزی. گوری چی ددی له بی بروایی خنجه بی یارد نورومه نیزی و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملائی. د لیونوتوب خیره پری را می او بخان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لوید ه نوهغه کال مسوراود برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلوید ه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی. د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هیله من یوچی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسو کالی د پالی کری.

# خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۵۹)

زمینه تمثیل داشتیم در سال ۳۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنا بی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم نورالی شفق در فلم های چون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار و قول اس، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، د لمره لور، شمع زن، د هک، من و شما، پشنامه ها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم ساء، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا فعالیت های سینما بی فرهنگ شما ارزشمند است. منی شود از افتخاراتتان در این باب نام ببرید؟

بسیار متشکرم از این مصاحبه و امیدوارم که در آینده بتوانم با شما همکاری کنم.

من از همکارانم میمانم متوجه میم تا صرف نظر از بد در ایس ها و اواند بینه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا نیکه دست به دست هم داده. کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم می نایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما استعدادهای آفریننده بریافت. بلیت باوروی و شگوفایی فراوانند. استعداد های بیکه اگر موقیع به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما بینه آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعدادها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

# مردها را خواستند

40 مینرنا

## آیا فحاشیهای فیزیکی خصوصاً زنده‌گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخرشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرا بلعهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالج مترود بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولس کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده گی این بس تعویق بیافتد .

مینانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیپاوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در این زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مردها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً زنانی کی زنان را از بین میراند این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

# نیمه آدم نیمه حیوان

## اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرت یوازند یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند - زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعداً یاد و باوا از طرف شب به اساس قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد - بود و محکم به مرگ میشد از کوه به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و یوه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در - پیدا این موجود اسرار آمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سنگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گلدان های یونان باستان تصویر گردیده بابرند، آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد، زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا، قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون - جاداشت زن است - با تنه از شیر، باقیافه زن و دارای با-

لها و ابوالهول مصری بالندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد.

در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالاً حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود - ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدیم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد، های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمخوار حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپوتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعداً از اود پی معمارا رسید تا که در آئینه خود شرمیک معمار تبدیل شد. چطور رسید، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

# ملک جهانی که بزرگ می‌شود

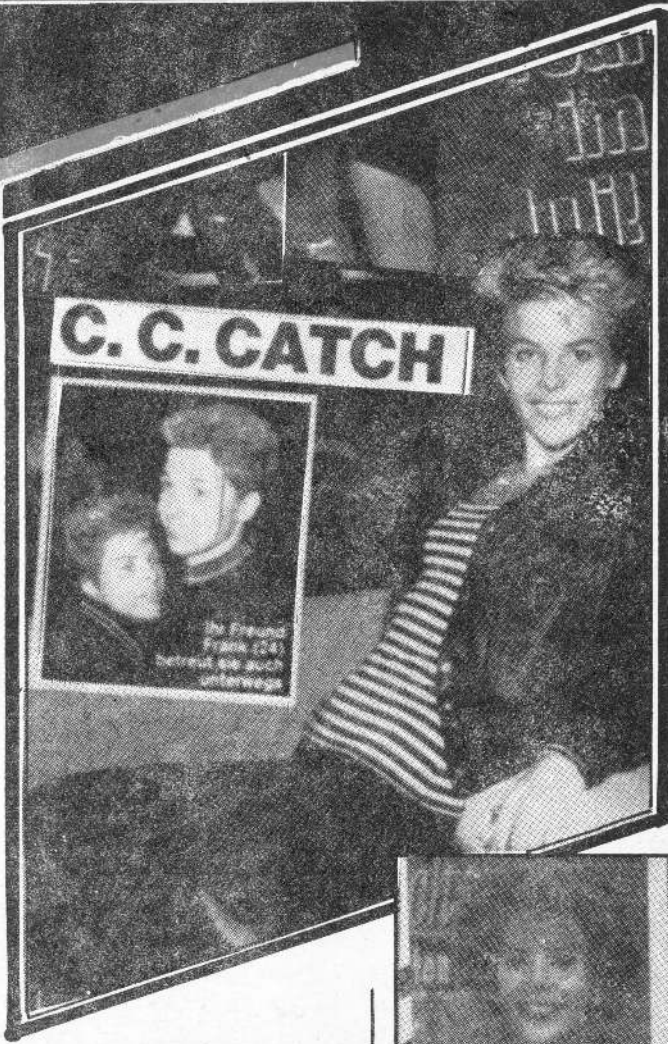
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»  
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیترو بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسر آلمان دیترو بولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسر آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علین آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیترو بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، و - همیشه در کلمات این هنرمند آمده است (( در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است ))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند دیسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت دیسکو زدگم در تمام اروپا شهرت یافت نمود ریک نمایش تلو - یزیونی که دیسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه دیسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است. در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستداشتنی اش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیگران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنزاده می‌سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

# لرغونې نوروز او

# نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زموږ په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا - زموږ خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي دي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خپل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر، بل مالان، خواجه سپاران، خواجه صفا، ريگ روان په خانکر و ميلواو خوښيو سره نماخل کيزي - په مزار شريف کي د گل سرخ، ميله جي خلويښت ورخي روانه وي - په دغه ورځ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي - جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورځ پورته کيزي -

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند - هارکي د شالمار، بابا ولي، جهيل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي اوښکلسي کالي اتوندي تمبل وهي زيارت ياتي په (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيو کينه لسو دود پيل کړ او داي په گوته کړه چي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي - د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي چي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ چي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تيار او پخواني نجوني او پيغلي به په دغو ورځو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کورونو کي به يي خوښي کولي او د راټوکيد ليوشيلو بايي اوښانگي به يي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيدلو او بلوښواو زونو څخه به يي په خاښوانو زيار او اگانو توپونه جون کله به يي چي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلسي مينې او بلاتي ور عنوان په نامه اېوله د نوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به د باندې باور و چي جون يي دغه دود نماښ او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده اووه ټوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده چي بيل به اووه سين باندې واوښت پير سيره برهڼو به يي باکي او په هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به چي اووه وښور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه د نيو روزه ورځ به د بزگر ميه هم جوړ يده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) يا چا په عصر پوري اړ ونده بولس - په دغه باب لرغوني انسانه ده چي وايي : دغه باجا د ليدني کتنس ورځ درلوده چي دروازه يي د عامو او خاصو رڼخ برانيستي وه هوکي برانستي وه ځکه چي تر شنه اسمان لاندي به ازاده فضا کي دي ليدني کتن صورت نيو چي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه د ميلي په خوښواو تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتس راتپ شواو هغه څه چي يي په مښوکه کي وود با چا په قدمونو کس و اجول او زرونه يي وغوړول - کوم شي چي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نئ لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي با چا حکم وکړ چي دغه دانس بايد سپين پيري او يوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورخي وروسته هلته نياگي راټوکيدلي وو چي -

ترکومه خايه چي زموږ د خلکو او زموږ د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زموږ په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري - ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او ترموږ پوري رارسيدلي - دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به چي کال باي ته رسيده د کال وروستې چارښه به يي په برتم سره نماخله دغه چارښه د سوري بارښني په نامه سره ياد يده او په هغس کي به يي ميلي کولي - ځکه چي د اد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز ميلو پيل و په دغه ورځ به يي اورونه چي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي اوگري يي چي د مني - ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول په دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارام سره د خداي پاماني ښه و په استوروس رانگلي دي چي له سوري بارښني څخه ديارلس ورخي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي - زرد شتيانو د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او بايي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي - له سوري چارښني څخه وروسته به بيا د کال د

## شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت . . . . .  
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .  
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



## اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا خسار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

\* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را زد دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمام معاشش را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد .  
 خبر می افزاید که برادران زد و خورد میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شان را نمیدانند .

## از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :  
 ببیند ، گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تبصره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .  
 \* \* \*  
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ  
 - بفرمایید ، تلویزیون است .  
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .  
 - امر مقامات بود .  
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰  
 - بفرمایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .  
 - نشرات تلویزیون است ؟  
 - بلی ، بفرمایید .  
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .  
 - بلی درست است .  
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم ، آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .  
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا ناسر کنیم .  
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .  
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من ( . . . ) استم که امرو کم .  
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه





## از خود شما

سوال  
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.  
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.  
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟  
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

\*\*\*

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.  
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی  
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

(( امتحان ))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار.  
خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

(( در صنف ))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشتند؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارگرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

## مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.  
- چگونه زیاد حرف میزند؟  
- نه هر روز به خانه ما می آید.

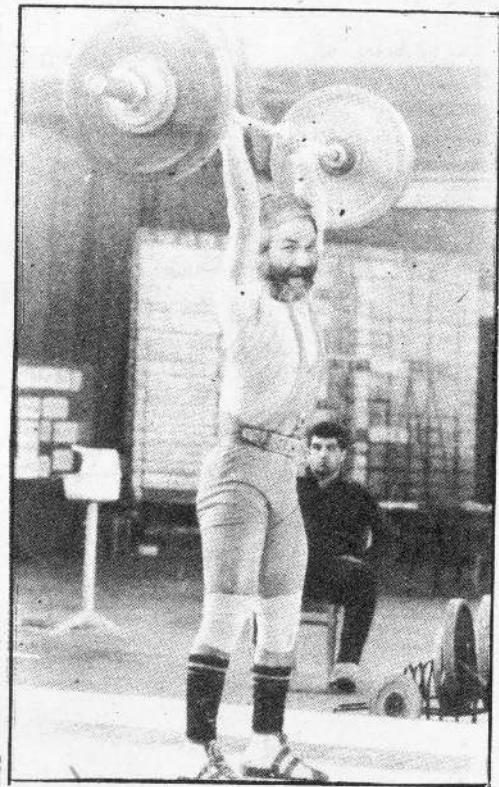
## راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:  
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟  
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

## اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.  
X لقب نهرمانی را به دست آرند.  
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.  
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.  
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.  
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



معلم صحنه خوب است

د بیوزیک تن از دست پیرایه است کمترین تیم، به اندازه آن که نانیست در کاند آران و پسر ها رئیسند با بی انحصار همکاری نمایند خود را به خانه رسانده، خود پس نبود.  
خبرس از یاد نه خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبراز خوش وقت در دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم در شب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بخوابم نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.

ارسالی عطیه

همسایه بد

# مینیاتوره‌های طلایی

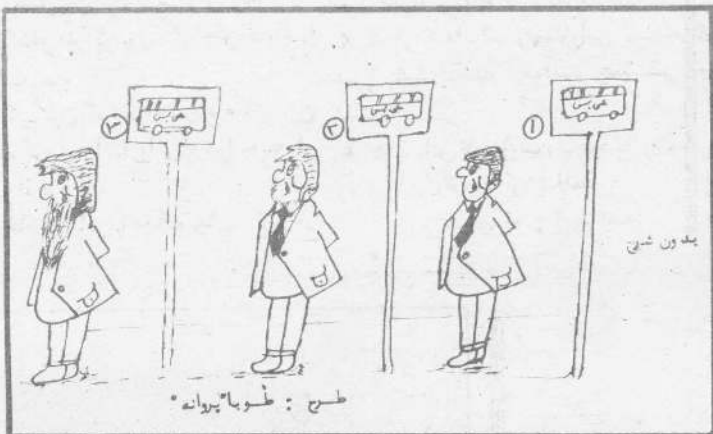
اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .  
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .  
 چیزی که امروز حقیقت است فرد انانید تحریر پیش نیاید .  
 اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .  
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .  
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .  
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .  
 از تمدن گذشته و نواری های آینده به وجود می آید .  
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .  
 از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .  
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :  
 بیکار : حیوانی که وقت را می خورد عروسی : ( عقد ) قمار که مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .  
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .  
 دشمنان : مگوری از دوستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

## کارتون



# طعم است



## نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شوخی میشمرد .  
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :  
 دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاد استون .  
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مرده اند .  
 امیل زولانزد ، اکثری رفت ،  
 دکتر پرسید : چه شکایت دارید ؟  
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .  
 دکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :  
 ای تابلیت ها برای داشته ای تان کت میکند .  
 امیل زولانزش را با ناراضی شوری داد و گفت :  
 دکتر صاحب این تابلیت ها برای من کت نمیتواند من اشتها دارم ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .  
 محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :  
 چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان شریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟  
 معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :  
 وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری امضا صحه علیا داد که ده سینعالم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشی .  
 محمد سرور که گوی خشکی

## بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تبلیغ و ترویج فاجیکه ساختمانی ، طی مکتوب - رسمی از خبرنگاران رادیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او و جارا مریم مدیر پیش صاحبه نظیرند .  
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیدنی رفتی و آماده ساخته آنجا رفتند .  
 همین که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :  
 ای پسر به شعبه خات آمد ؟  
 معاون جواب داد :  
 ایزه خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقتی که بر آمدن پسر بیایم .  
 تمام خبرنگاران و همکاران تخنیک در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .  
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :  
 اویسه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کار می کنیم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان می گم که روزی کنیه .  
 آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

### متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .  
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس انتقاد بدی تان را تقویت میکند .

### متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگرانه ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران کمتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .  
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتری بر موقوف خوبی داشته باشید از همین رو با دید جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .  
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



# فالی که طنز نویس دیده است

### متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .  
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرقی استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند ببول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

### متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .  
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا ز خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شس شماست .  
متولدین ماه جدی :

ناراحتیه ای که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .  
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متا شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .  
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند از لیل سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی مسندا تهیه کنید .  
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .  
معاور گفت : به چشم و حتما برشان هم .  
روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیهم همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .  
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :  
معاور صاحب محترم ، از کجه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بکجهین (لینا یاد داشت کجهن) که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلیس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریفسد ، تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جائز باشد ، بخشهایی مختلفه





## دوهامدينه

د راديو-مجلي پسرل  
پسې داستان

## سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړيد ي پرله  
پسې داستان د پروگرام اوږد-  
ونکو لوستونکو سلام!  
تاسې په تيره گڼه کې ولو -  
ستل چې د بېتا توشېنولو د رڼا -  
ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد -  
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .  
بي له دې چې بل ريس وټاکل  
شي او ياد رڼا ست د کوم مرستيال  
د سرپرستي مکتوب راشي . د ريل  
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د  
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ  
رقابت او کش وکړمنځ ته راغی . په  
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي  
پوري اداري مرستيال په چوکي  
پوري نښتي و . خو کله چې د -  
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته  
کيزي او د باندې وځي . نو فسي  
مرستيال د رڼا ست په چوکي پښه  
ياتي (۱۰) مخ ته



## نانوای

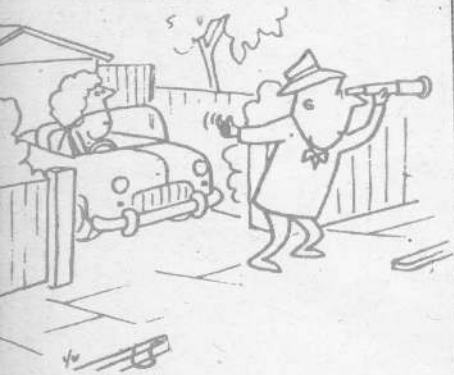
دغه مهم اوحياتي لغت په  
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -  
ضیح او تشریح شوي دي :  
(نان )) د ډوډي او -  
(واي )) د واخ مانا لري .  
يانې کله چې خوک د پښار په  
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پيسې  
(واخ )) چيغې ووهي او هغه  
هم په لاس ورته ورنه شي .  
.....  
غور خوره . غوري وايه . خوبه  
غور وڼه تير وڼه ا



## علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نښونې په دوران  
کې د نايټروجن دوراني حالت د بيولوژي په کتاب کې ترسترگو  
شوي دي ، خود لته د نايټروجن پرمخې د يوې بلې ډيرې مهمې  
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي  
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ  
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو  
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود ښار  
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .  
له دې خبرې سره داخبره يې لا براتواره په ثبوت رسېږي  
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه په بل حالت بدليږي او خپلې  
بقا ته دوام ورکوي .  
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته  
ورنښوئو:

# نردی لیدونتی هییره او د سنخی و ریوری



## دیو اگانو غوبنتلیک

د راپیو، تلویزیون، و راجیاسو،  
مجلو او جرید و محترم موسولینو!  
عمره و رخ وینواو اوووسی به  
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو  
او حیوانانو له باره څانګړي خبرونې  
خپریږي او هم به مجلوماتوکس  
دغه ډول ګلیشې ترسترګو کړي.  
خود یو اګانو خبرونه تراوسه نشه  
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه  
یی هم لوستلی ده. ایا یو اګان  
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،  
اوستری نه لري یی خوب یس  
د دې ډول خبرونو تمه خوري،  
د ایه موسور او بریدلی وي چی:  
زاره به خواړه، مرګه یی د یی-  
سار، خواړه د امانانه لري چی  
سړی به مړه ګیده، لیتی یا اوکوره  
و خوري، بلکی روحی خور و نه چی  
د خولی به ځای د سترګو او غوز و نه  
له لاری کولموته ننوسی هم اړ تیا  
ده. هیله کړی چی د دنیسی  
اړ تیا به یام کی نیولوسوه (د بو-  
ډاګانو نړی) ایه نوم خبرونه به  
خپلو خبرونوکی وزیاته کړی.  
ستاسی اجزا توت غوز اوستری  
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد یو اګانو د تولنسی  
سرسرست

وکل شو!

د یو اګانو دغه غوښتنه به ځای  
ده اوله عمدی شیبی وروسته به  
د بدجاره هنی هنیوال د یو اګانو  
د نړی به نیم یوه ټوکرې به هنی  
کی وزیاته کړی.

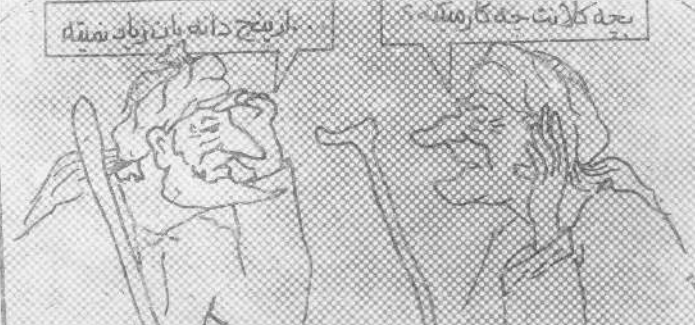
# ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه  
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه  
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته  
به مفلس مین شرمیز ی، ښکته ما ځنی اجداد ه  
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال به طمعه طمعه  
زه د یواښک به هیله، تیرم میاشتی ګندنه  
داله ځمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده  
لاهم وړخ به وړخ چکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه  
د نرځونوبه سیالی کی، ګله ګله له (بامپا) ده  
به مړه ګیده، عینکله، ماونه خور، به مینه  
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده  
که یی نرځ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه  
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا  
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د ی عیله یاری کړه  
اول نرځ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده  
عسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو  
عنه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ه  
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه مړه مړه ګندنه  
ای مفلس ګندنه خوره، د ازما درته وینا ده



## میزز له میزسره څه خپلوی لری؟

میزخوتول بیژنی چی د دفتر  
به کوچ کی به څلور پینو ارام  
ولار وی اوبه رمسی وخت کسی  
میززایان ورباندی خپل سرز دی  
اویده کیزی.  
راعی وګورچی میزراڅه ته  
وایس: میز زاله دوه برخو  
(میر-زا) څخه جوړ شوی دی  
چی دوه لاسونه، دوه پین،  
دوه سترګی اودوه غوز ونه لری.  
اوس که (میز)، (میر) او  
(زا) د وار ه سره یوځای کړو  
نوبه به سترګو ویلاي شو چی:  
میزراڅه (میر) دی چی له  
(میز) څخه زیږیدلی دی.  
(خبرکی)



په لاسونو دانه باغیچه کولای شولای

په کلایته څه کارولای شولای

## دیو اګانو نړی

یوه اګانو یو ځوان به ګوره،  
د یو یو ګلیسی ته باغیچه ور اړه،  
د یو یو یی خور له  
دوی د وار و نه خوله شخولند  
راهه اوبه سترګوکی اوسکی نویلی  
یوس چی ددی عجبی بیسی ته  
هت پت پاتی وانه یو اڅخه و-  
پوستل  
- کاکا خانه (ولی زاری)  
- بچیه بوښته به ګوره... نه پامه  
خوله کی غاښونه نه شته اوسه  
د یو یو شخولندنه شم وهلاي...  
خودغه ځوان چی غاښونه لری  
توله د یو یو یی راځنی رځسره  
ځوان چی خوله یی له د یو یو  
په ګه وه... به پک ستونی بسری  
اودانګل:



# علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

## مجموعه شعرهای علی مشتری

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ رشک نامبروان سفر  
علی مشتری را دنبال حشمتی در هیاللا به غنای خوانندگی اینک پیش  
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است  
نغم باغ رشک مشک تاب است  
شگفته دامن افشاده به گلشن  
زخون لاله شاخ گل خضاب است  
بدیده تان (( ماه در بسا لا))  
ز خجلت ماه تابان در حجاب است  
نغم آهسته تبرنگ رزگوش  
که ((منازجهان)) من بیخواب است  
درین فصل بهارای گلشن نساز  
زهجرت مشتری اندر عذاب است  
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود  
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی  
مشتری ومد هو بالا بدست نشر سیرده که چندند  
صفحه از آن مجله بصرف ووزین را گرفته است  
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -  
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده  
و عشق عصری قرن بیست وموضوع مدهو بالا تشریح  
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را اطلاماً  
جمعی افغانستان بود واکثر روزنامه ها و جراید  
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر  
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته واکثر آنها فراموش گردیده اند  
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنسری  
فلسی وادبی بود در وقت وزمان خود شهرت خوبی  
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش  
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن  
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود  
وهم چنین عکس هائی از من در مجله ننداره بسه  
چاپ رسیده

واین است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم  
مجله ننداره که مد بوسول آن محترم شمع رهگذر  
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور  
خواننده گان گرامی سپارون، دیلا، تقدیم میشود

((یک راپور تاز و دلچسپ خواندنی  
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کله خوش  
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهرا نه و بالا خسره  
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز  
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست  
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسا خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم  
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در  
صحاری خشک وریگه بیابان رگه با پای برهنه  
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند  
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی  
وشت پای او را گردی نصب نموده است  
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش  
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت  
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است  
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار  
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری رادو - سال تمام از یارو دیار برید و جایی او را در محافل ادبی و هنری و محفل انیس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یاروغیت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگرد برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگرسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم.

س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داریو بینایی یعقوب را یوسف کند

س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم.

س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که با یکی ازین آفات مفضل و هوش رنده بدیده بازماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هنر و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مد هوالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مد هوالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت ستم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مد هوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله ستم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هائیکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مد هوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مد هوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هائی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مد هوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مد هو را خلاص

# مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهلوالله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیریم.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مد هوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هائیکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بین اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟

س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

# لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت  
 ((ا)) گرم  
 هفته گذشته ماره سرگردان  
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،  
 خیالی دیدیم که چلو صدخوده  
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر  
 صاحب صرف ساختیم ، آخر  
 هم دیروز نامدم  
 سرفرازخان که این حرف ها را  
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی  
 کرده گفت :  
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم  
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷  
 شوهر من فلمدارک در من  
 حال به حد بدبختی نگاران -  
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک  
 روز بعد گویی را برداشته سزای  
 سرفرازخان که همان روز در شب  
 بود تلهفون کرده گفت :

بقیه از صفحه (۷)

# مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به  
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور  
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه  
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د  
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به  
 تد اوی شرط اول تد اوی است .  
 برای تد اوی معتادین باید برنامه  
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر  
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه  
 های توانموش باشد . برعکس  
 فلم های تشویق کننده یک  
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران  
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید  
 خانواده ها و استادان مکاتب  
 و همروسه زیرط سم بگیرند  
 یعنی منظور این است که اولاً  
 برنامه و قایون داشته باشم  
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین  
 می توانند داخل پسترس شوند  
 اغلباً دیده شده که انهمالاز  
 طریق همیره های سابقه به مواد  
 مخدره کشانیده شده اند .  
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی  
 اجباری این انفراد مفید نیست  
 معلوم کردن معتادین هم چنانچه

# لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)

نمایشنامه (( اودن نیست ))  
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون  
 و رادیویی نشعهای داشته ام  
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان  
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما  
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام  
 است ؟  
 - فلم جدید اینکه من در آن  
 نقش برارنده ام ، (( سفر ))  
 نام دارد به کارگردانی سعید  
 ورکزی وهم اولین بار است که  
 رضایت کارگردان را جلب  
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من



باز رایت و هوشیاری با سح  
 داد :  
 - از هنر ، هنر زنده گی کردن  
 را موختم ، نه تنها به درسام  
 میروم بلکه در منزل با مساد  
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تحمیلات  
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو  
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی  
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش.  
 - ما بشما این بیروزی را قبلاً  
 تیریک میگویم .

آنرا اجرا میکریم نهایت خوش  
 آمده بود و از سوتی شرح و کسار  
 دقیق کارگردان و اعضای یونت  
 فلمبرداری ماسپ شد که من  
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده  
 شده قرار گیرم .  
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز  
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -  
 پیشه مگی تان ادامه خواهید  
 داد یا چطور ؟

# به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه  
 موسیقی را دایرکت کرده ام .  
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟  
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .  
 - پس در بخش دایرکت باید تحمیلات همه جانبه داشته  
 باشید میشود از تحمیلات تان بیروم ؟  
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف  
 تحمیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک  
 کورس ، ماهه را تمقیب کرده ام .  
 - در بخش دایرکت بزین پیامرد کدام یک مؤفق تراست ؟  
 - سه نفر من مؤفق تراست .  
 - چرا ؟  
 - زیرا که بزین میتوانم بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش  
 دقیق تر باشد .  
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیور  
 وسیمه ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده  
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟  
 - کار من است .  
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟  
 - فعلاً در خانه .  
 - چرا ؟  
 - مشکلات دارم .  
 - در نظای مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟  
 - فکر میکنم شعرا را خوبتر میخوانم .  
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟  
 - بل در فرستینوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر  
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .  
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟  
 - پروگرام زن و جامعه را .  
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش  
 می بردید ؟  
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون  
 بودم .

# آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این  
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات  
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟  
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -  
 ساندرف) از وی چنین سوال  
 کرد : چگونه میتوان زمین را از  
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه  
 هشت ماه به تاین وقوع این  
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود  
 راکت های دوگلوله ای را غرض  
 انفجار ستاره به خاطر تغییر  
 میرای سیمون بکار برد ؟  
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع گردید که در نتیجه چهره عالم  
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار  
 در که های بزرگ و توانناهای وقوع  
 بیوست ، طبقات غبار سنگ های  
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن  
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و -  
 حبابی در برابر اشعه آنتاب -  
 گردید . درین میان به اثر توقف  
 ترکیب نور هزاران هزار موجود  
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که  
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره  
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار  
 می آید . . . . . لیکن میتوان آنرا کاملاً  
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد  
 (شویسکر) ستاره ای که قوت -  
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد  
 امکان تصادمش در خلال صد هزار  
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که  
 متادل تو انفجارش فقط یک مگاتن  
 باشد امکان دارد بعد از هر سی سال  
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک  
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات  
 دور دست سایبها جسم طعمی با  
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده  
 مگاتن عبور کرد این حادثه سبب  
 تولید امواج زلزله در منطقه  
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -  
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور  
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد  
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .  
 از همان وقت تا امروز از فلما در ساره  
 سبب این انفجار و شش . تا سبب  
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم  
 مذکور رأس متلاش شده . مذکور  
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخره  
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با  
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

انتظار هرود اروپاییان سفینه  
 ای راه ستاره (هستنا) که حوالی  
 صدمیلیون میل از فاصله دارد -  
 ارسال نماید . اینگونه ستاره ها  
 به جای بدل خواهد شد که  
 انسانها بتوانند در آن باشجاعت  
 قدم گذارند و ما شاهد به -  
 انسان در زمته ، نسوم خواهیم  
 بود .

# ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو  
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر  
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این  
 یکبار به سکونتال یافت . دهن  
 شهر اتن تلخهون ایستاتکو -  
 بالارفع ۵۴۰۷  
 متر امارشاد . این اتن تلخهون  
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .  
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن  
 رستورات واقع است که چن مجود  
 این رستورات منظره بسیار زیبایی  
 به شهر مسکو نصیب مارجم -



گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانند آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد .  
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟  
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .  
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟  
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .  
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .  
خطر سرطان نزد کسانیکه عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .  
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .  
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .  
از نظر اقتصادی چنین انحصار کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .  
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .  
تناسبات خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنسوجنجال ها بالاخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .  
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .  
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد بعضا بخاطر بدهی است کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .  
حتی تا سرحد قتل و زدنی های بزرگ بعضی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طفیل وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت های جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

# نقطه مرگ

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منومی کیمیاوی در آن وجود ندارد .  
عبارتند از : عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids  
لیومی چینی ، خسته قیسی و شنبلیله های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .  
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .  
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیامکن است که عمر را طولانی ساخت ؟  
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با تقویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .  
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .  
طول عمر را میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .  
بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .  
رستورانت میشود .  
اخین حرف تخنیک به شهر توتوتو کانادا اطلاق میشود .  
۱۹۷۵ زسال دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد .  
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستورانتی که دارای ۴۷۶ چوکی همراهِ معامات بوده و واقع است .  
معماتان این رستورانت توسط لفت که در کنار

با تکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته است .  
توانستیم که آنها را با نرس تدای بحال نورمال برگردانیم .  
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .  
قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .  
ها چند روز را در بر میگیرد .  
در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .  
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .  
در حالیکه در سوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .  
داری تزریق شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند .  
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .  
سپس نظریه وضع بیچگاری تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .  
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .  
تلاش طبیعی کوریا به تزریق در نقاط لان طول عمر محدود نموده در صدد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .  
داکتر هونگ بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :  
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .  
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .  
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگرها می باشد .  
بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .  
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .  
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .  
به نظر او این نقطه با لای خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سده و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .  
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .  
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .  
داکتر هونگ نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
چواند انسان را از نظر اشعه های یونی حفظ کند .  
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟  
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورت گرفته .  
هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .  
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .  
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاهی ۲۰ نمد حاصل خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .  
شد تشعشع مابرای بعضی امکان دارد نفا را بکوته مناطق صنعتی و آلود سازد .  
نگر این امر ممکن نیست .  
پس از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .  
طریق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .  
آیا بعضی حیوانات خویض شابه صل دانگنی شیه نیست که از بعضی مرض جدی او را بمانان نگهدارد ؟  
گفته های من نه تعابیهانته های تجاری طی هبوط نام بلکه بر تلیج پژوههای جهانی آشوار است ،  
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگسانی مل متسد ( UNDP ) سازمان مترو لوی جهانی بانگرچنان تطبیق است .  
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آزیوی پیدا ر میگردد ،  
طت چیست ؟  
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .  
با انهم در زجهت این فرضیه ها تمام گردید است :  
شکاف آزیوی شاید زا ده جهان کیمیاوی با همیان دنیا کیمی با هر دو ی آن باشد که بالان توصیف صورت میگردد .  
بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رزم حرارتی و همچنان با اعمال شدن خوبید پیوسته میدهند و هیچکس تا کنین به تشیح مناسب آن توفیق نیانته است .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
پژوهها و آزمایش های بیشتری در کار است .  
تحقیقات بشرک شویو ، آلمان دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روین است .  
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟  
تعدادی روین ساله در حدود یک طین تن ( ۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۵ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شویو ) تولید میشود .  
تلقته تعدادی در شویو ، ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .  
در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟  
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیا هم اتخاذ گردید .  
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده تمدد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این واقع نمایند .  
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهد شد ؟  
در کفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید روین ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .  
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟  
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .  
با کور هلیک پروتکل مونتهال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟  
نظریه موافقه مونتهال تکلیفی و وسایل تولید روین در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد .  
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزشی خواهند شد .

ایالات متحده امیکاکه در ۱۶۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد .  
همین الان پروژه های نروکار است که در صورت احضاران ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .

برج واقع است و اطرافش را شمشیر اسطه کرده انتقال داده میشود .  
معماتان میتوانند از لفت به منظره نما که به شهر توتوتو خواهد شد لذت ببرند .  
شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .  
لین دو ساختمان - مرغع تجارت انبیا های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکاکه در ۱۶۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد .  
همین الان پروژه های نروکار است که در صورت احضاران ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه در ۱۶۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد .  
همین الان پروژه های نروکار است که در صورت احضاران ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .



# جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

## اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگری گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گم ام ربه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم .

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مازندران دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشیم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مازندران هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشیم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

# مردها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)

مقدار شرح بیسن ۲۲ تا ۳۰ نسیصد وجود شان در تغییر است. در آنهایی که به دوش عادت کرده اند، شحم بدن شان تا ۷۰ درصد پایین آمده میتواند. درین صورت از آنجا که مقدار استروژین کم است، بنا به درجه پایین تر سبک

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه قاعده کی را توضیح کند. میکانیزم دوم عبارت از این است: بودن سطح هورمون LH (Luteinizing Hormone) است. این هورمون که از غده های مغز ترشح میشود، سطح آن در زنانی که به ورزش دروس اشتغال دارند، پایین است. بلند رفتن بیکاره کی این هورمون به خاطر خارج کردن تخمه از تخمدان در نیمه دوره - قاعده کی ضروریست. خارج کردن تخمه از تخمدان به گونه عادی، علت به وجود آمدن گریز از تخم در محل تخمه خارج شده از تخم دان است که هورمون دیگری را با نام پروجسترون میازد. کوتاه این که مقدار کم هورمون LH معنی آن را میدهد که تخمه در تخمدان به وجود نمی آید. بنا به

در تخمدان پروجسترون وجود ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی تعویق می افتد. پریش میمون دالوی در این باره وجود می آید که آیا به تعویق افتیدن قاعده کی خطری دارد و یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده شده است که استروژین برای محافظت استخوانها در زمان غروبیست، پایین آمدن ها کاهش استروژین بعد از توقف قاعده کی به نرم شدن استخوانهای انجامد، مطالعه آنهایی که به دوش - اشتغال دارند، نشان میدهد که محتوای منزالی ستون فقرات شان کمتر از آنهایی است که به دوش اشتغال ندارند. مادر مورد خاصی قبل از صحت کردیم که شجاعت وی بعد از مادر شدن تهیه اثبات رسیده است. روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح کنند. در زمینه چندین نظریه وجود دارد، نخست اینکه سبک زن که تحمل شدیدترین درد - یعنی درد هنگام ولادت، را - دارد، میتواند در اثنای آن تحمل درد را داشته باشد. زیرا با این خود فشار را تحمل کند، زیرا با این خود اطمینان حاصل کرد. در این باره، ما این که زن در اثنای اجزای تخمین شاید کمربند را نگاهداری میکند. گریز تا به زنانه کی اش آهسته ترسد، ولی بعد از زایمان میتواند سخت تر تربیت گردد. - نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود را گذاشته است. سم اینکه، تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی امکان دارد که اندازه حرکت باها را در اثنای دوش تحویل کند. بالآخره چنین مطرح گردیده که هورمون پرولاکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند، تا اثرات موثر روانی را با اثرات مقاومت دارد که تا اثرات مد - نیادی دوام میکند. به اصطلاح نوروردن میجادار زمان حامله کی خضران است. ولی در آنهایی که متواتر به دوش عادت دارند، دندردست اند و تکلیف های مانند فشار خون را ندارند، خطری به دنبال آن نیست. در ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان تا روز ولادت به دوش ادامه میدهند. کدام تخمینها را باید از زنان انجام بدهند؟ در پاسخ باید گفت که هر نوع تخمینهایی که خواسته باشند پیاده گردی، دوش، بوگاها ورزشهای دیگر، ولی مهم این است که از آن لذت ببرند و بهسر میند شوند.

## جهان بعد از قاجار

بنیة از منحه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مغز - نگهدارند در اثر پرتاب، تومار آتشی ناشی از انفجار تخریب خواهد شد. شمع ماورای بنفر که زمانی محور و انگیزه زندگی روز زمینی گردید میتواند بهمان معنای موجهات نسبتی آنرا نیز فراهم کند. این شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ایثاروار خواهد ساخت. چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در زنجیر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و بدین ترتیب زنده محتوای بودی سایر حلقه های زنجیر را صادر خواهد ساخت، نه تنها در اینها تا ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به انسانیت تخریب خواهند نمود. در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پیرهای شان در برابر شمع سیر گردی ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار - امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت. میلیونها پرند گان و جانوران نابینا در چشمی آم و دانه سر گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو بوچکوف، دانشمند ژنتیک آکادمی علوم خلی اتحاد شوروی واقفید. بر آنست که در چشمی شرایطی معلقه نخواهد بود تکرر نس بشری و از نگاه ژنتیک ها ادامه پرده تکامل انتظار داشته باشیم، ایندهش شمع مواد را بدیو اکتف تحولات نهادی را در تمام مالیکولارگانهم خای بازمانده، نهاتسات و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملاً بی ضرر خضرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت. مازو بران، مکتب تفکر بازمانده شرفیت تکرر را به علت اینکه شمار آنها به بحرانی تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دسترس بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه جلوگیری از خجتمی باهمی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر - تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و به این معنی است که بشر در طول دوره، تکامل خوشی بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقیناً نیل بشری را به سوی نهمی خواهد کشاند، امانه خواهد شد.

## فردین موزیک

انواع مختلف کسهای موسیقی افغانی، هندی و غربی را به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند. آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

## رستخیزان

خوله ده ده د مخه فنی مرستیال به جوکی کیده اولی وه. اداری مرستیال جی ده جوکی بی د خان منلی حق باله به خیل بخوانی د نترکی بی دریاست بول صلاحیتونه به خان بسوری و ترل. له بیل خوا اداری او فنی مامورین هم له د وید و پرو نخه کم نه وو. حکه جی د یوتن به ریبر کید لو سره د نولو به جوکی او بستونکی تغییراته. که - حیره فنی مرستیال ریبر شوی وای نو د فنی خانکی د - پنجوا کولگانو د تیره کولو عیسی مد برد فنی مرستیال جوکی او بست تراسه تابه او د هغه مرستیال ته به خبله د عیسی مد بریت جوکی وریاتی وه. حسی به دی بول ترورستی مامور جوری ده حق خیل حقدارته رسید.

جی د ارشیف مد بوکوب دیوست له مکتوب سره یونای بی د خیلی امانه کاری بینهادم هم له میز خانی راه اخست ایه د اس حال کی جی در نهایت خندان به شونو و خبره وه. د اداری بر - ستیال د دستر به لور و رو خویید. (لوستونکی دی د خوشی سو له باره یوست موزیک و فنی) نفاق: د رنولوستونکو (ناسی خه فکر کوکی جی به مکتوب کی به خه لیلی وی. د ارشیف مد بر ده خه شی له باره د خلی امانه کاری بینهادم له مکتوب سره یونای اداری مرستیال ته یور. ایاد ارشیف مامورین له خیل مد بر خده مخکی بی مکتوب لوستلی و فنی مرستیال به له موضوع خیر کر کی اوکه نه، او هم د اسی دریاست جوکی به د خا به تعیب وی. د هغه بویتش دی جی د برله بیس داستان به درجه اوروستی برخه کی جی به را - نلونکی که کی به خبره شی حل کید و نیکی دی. اور نو د خدای به امان. روغ او حوین حاله اوستی.



# موکیش

## از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند بپیمود.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای می‌کند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راست‌درد می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباس‌های که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص را با ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از این‌سرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمزادولی حالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهی و تواضع لب به سخن می‌گشاید ولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابله‌شم که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن می‌کند، او هم خودش را در لابلای حرف‌ها و کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، بی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غرور و تکبر فرود آمد و این نقش را بیدین‌خیزیت در جالبه قابل ازان هرونم پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از این‌سرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراورداد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم‌سازی در قلم‌ها هم شکل ترازان.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم‌هاییکه تراوردادن آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهی آن با نه‌گرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در قضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزئی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگ‌های راکه در ان زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((بی))، موکیش از عینی گلوش اداه می‌کرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهای طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آوازهای طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه می‌کرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیورا جانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگ‌های موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلم‌های ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا- یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع- و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شکر- جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگ‌های فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلما آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده‌ها نظر خواسته شوند. شنونده‌ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و - ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم‌ها نیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگ‌های زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت- بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی- اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگ‌ها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگ‌های را با ((کلیانجی- اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در ارایسه بهترین نمایشان فراداشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می‌شویم که این تعداد آهنگ‌های موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگ‌های او که آنگه باغ اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی می‌گیریم قابل اهمیت است بخاطر بیابرم که مانند آهنگ‌های سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگ‌های حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با لقم‌هاییکه این آهنگ‌ها برای شان سروده شده اند، در آن‌ها شنونده‌ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می‌سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روزگاری را دارند که نمران سروده شده اند.

# آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن  
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی  
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری  
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین  
موقعیت دارد کشف نمود.  
ارتفاع این ساختمان بزرگ  
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به  
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان  
آشیان عظیم دانشمندان این  
ساختمان‌ها را چنین مسمی  
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت  
زاد خود جاداده است. آنها  
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند  
حتی در مناطق، شهرهای تیز  
از این ترمیت‌ها وجود دارند.  
دیوارهای ساختمان‌های بعضی  
از این انواع به حدی محکم ساخته  
شده که تخریب شان تنها بوسیله  
ابزار خیلی قوی میسر است و پس  
این حشرات همه چیز را می‌خورند  
و این کارسالیانه ملیونها خساره  
وارد می‌نمایند.



# از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))  
فعلاً روز آن کارمیکده، در یکی از آنها، نام ((سنکیتا))  
خوانده نمیشود، دو مطلب قابل توجه است:  
نخست اینکه هنرپیشه‌های تازه‌کار به قدری  
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در قفسه  
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان‌سازان از آنها  
میشود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است  
که همبازی شدن او با ((امتا بهر))، هیچگونه  
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.

مگر در هر صورت نظر بر این دو، در پرده فیلم  
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این  
مود میبکشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیمیشی  
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، میگوشد  
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و  
خط بطلان بگم تا دیگر گفته نشود که ((مودها))  
مود اند و جسم‌های غیر متحرک. رمانند.  
اگرچه در فلم ((هتھار)) ظاهر شدم ولی فلم  
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مگر العمل  
مردم در برابر هنرمندان ام میباشم.

داستان این فلم پر از فواض و صیدگی‌هاییست  
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از  
(سنیس) خوانند))

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل  
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.  
او میگوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک  
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول  
به معنی فیزی قرار میگیرد در حالی که در سینما  
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت  
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه  
موضه میشود.

اگرچه در فلم‌های هندی رهموضه نقش حساس  
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی  
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بام))  
(سنکیتا)) فعلاً حدود پانزده فلم در اختیار  
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده  
است.

اگرچه در این‌واخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با  
(آزایمان) روی نماند ولی او موضوع را اینگونه  
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلاً هیچ مردی سابقه  
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد  
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که  
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه  
نایل آیم)).

# ویا سالهای مینوز به طهمور می‌رسد.

ولی همچنان انجماد زنده‌گی  
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان  
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم  
می‌آورد.

منتها مرد هانیز میتواند  
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد  
باشند، پس چرا آنها دست  
به سرفت نمی‌زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام  
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:  
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود  
عاطفی و جنسی رایه و عیاحت  
درک و احساس می‌نمایند، در  
حالیکه مرد هاندت عاقل‌امو -  
خته‌اند که چگونه عواطف خود  
غله حاصل نموده و مانع بیروز  
ان گردند. مرد هایشتر بیماری  
های جنسی مبتلا میگردد ((

نباید از نراند اخت که  
زیودن یعنی دزدی رعایت -  
خاطرمی بخشد. در جریان  
دزدی انرژی تشنج روانی ازاد  
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته  
شده از میان برداشته می‌شود.  
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه  
که از بازیگری ترس‌میان می‌آیند  
با احساسات لذت‌آور جنسی  
میتواند ارتباط داشته باشد.

# دو مین نفر معترف به سرقت چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -  
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم  
آرایشی، زیورات، ریکاردهای  
موسیقی، فرآورده‌های چرمی  
والیه سود ریز که بی‌بزه مسورد  
بستند خان‌ها قرار دارند، دیده  
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود  
اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر  
مرکب جرم میشوند، به اصطلاح  
در بالا رفتن دزدی مقام اول را  
احراز مینمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل  
ریاست نورد اینوست فالن المان  
عرب چنین آمده است: ((در  
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان  
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده  
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))  
علت آن چیست؟

روانکوی از دوسلدورف بنام  
داکتر هانس یواخیم شوین،  
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته  
ومی‌نویسد: ((عقد و گزنگی  
های روانی در رابطه‌علسی  
با اختلالات غده‌یی قرار دارند  
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -  
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

# بازی با ترس

هر دو مین شخص بازی با ترس  
را انجام داده است. از تحقیقی  
که در شهر هامبورگ المان  
فدرال صورت گرفته، روشن  
میگردد که چرا تعداد کثیری از  
زنها در مغازه‌های دزدی‌سی  
بود ازند. ((نورا برمن چیوه‌گی  
یافت و هظر را در جیب پنهان  
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه‌یک  
زنی است که در فروشگاه‌های  
دزدی میرد ازند.

زیودن اجناس گسترش  
نییابد و طوریکه تازه‌ترین آمار  
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰ -  
مرتبه در سال، باشندگان  
المان فدرال دست به سرقت  
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این  
تعداد فقط انعامی را در برمی  
گیرد که ابتدا بدستگوشده‌اند.  
طوریکه تجارت‌برچون  
فروشی وانمود کرده، تعداد  
واقعی انعامه‌الی بیست برابر  
بیشتر از عدد فوق الذکر است.  
از برسن همه‌گانی‌ای که در  
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

# بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت، یانگ بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نموده که در سال جاری در کوهنوردی یکرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

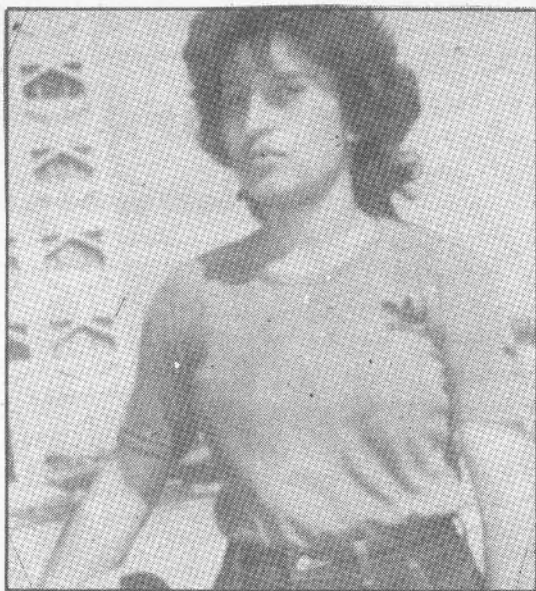
فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابداع انداختن مسابقات بسکتبال از زمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

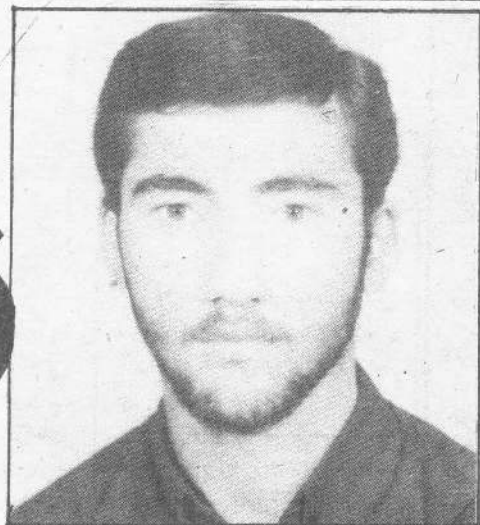
## زمینه والیبالر

\* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقبمانی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیده گی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عسریه ورزشکاران را کمک نمایند.



## ورزشی



# قوی ترین

مصاحبه از منیره

## ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

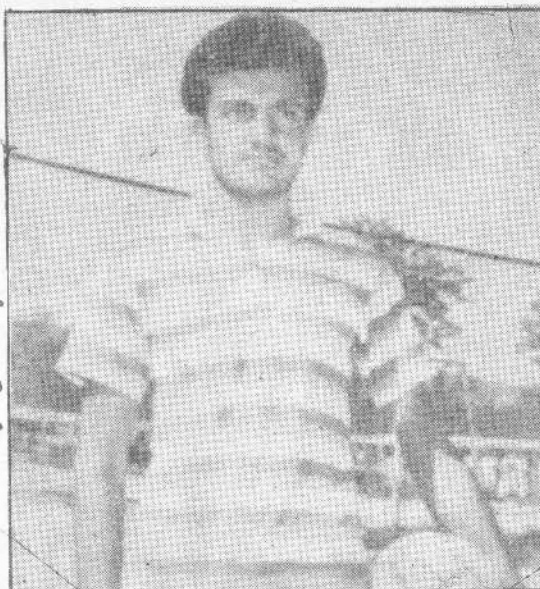
ورزشتی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شده است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کنگو چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن ((دو)) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشور است که این ورزش در آنها معمول است.

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوازمی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

## همایونج باسکتبالر

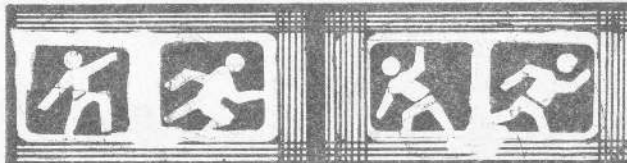
\* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالرلیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکارخوب راچنین بیان نموده است :  
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهایی است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



## درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکارخیزبلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویاپول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .  
 در جمله ده ورزشکارخیلی هاسا معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، ازکشورارجنتاین ، در فوتبال ، دیگری اتانید پلیناکیرت ، ازکیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر هستند .  
 و اما در سابقه پرند هاسا ، طوطی ارجنتاین در نمایشی در نزدیکی شهرننگ بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند بزرگ از جمله چند پرند ، تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورشغافل آورد .



# سبک فاع

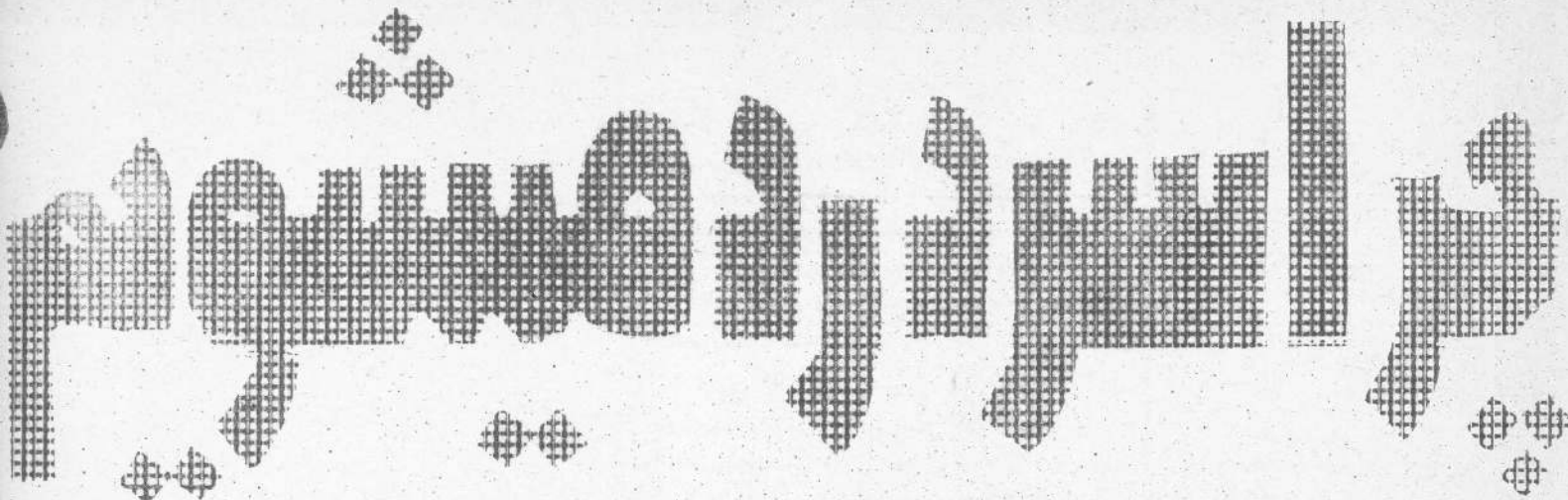
بازگشتم وکلیپ ((تی کواند وپوسه)) را ایجاد نمودم . از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هرآنچه را که در مدت پنج سال تمرین آموخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم برعلاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جزگارد رگلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم .  
 در آخر به امید موفقیت های هرچه بیشترش باوی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :  
 (( برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را آموختم و سپس نظر به علاقه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظربه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((فدراسیون ورزشی ایران)) موفق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

## چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .  
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهلبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسایر مصروفیت هایش به من





# دیدن بعضی تصاویر، استفاده

## از عینک‌ها و کلاه‌ها

### بعضی تصاویر سردی

### میکرد

ترجمه ستارک

مجموعه وایلی

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری نیز سوختنیده و به داخل معده می‌ریزد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضو منتشر می‌شود.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گه گه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشتر از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که اثر الکل از بین رفت (زمانیکه عضو به سختی اثرات آنرا خنثی میسازد)، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود را تا همین میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردد میتواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود. دفعات از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز تقویت میسازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه مرتبه میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می‌شود. صورت بیمار به سرخی می‌گراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائین توفیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخته بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد حساس میگردد. سردردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد. در نتیجه برای بیمار بعضی پدیده ها از جمله اسپرانی دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسفندگی لسی تا حدودی در زوده های دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخونش کمک میکند ولی بدبختانه صرف وقتی این کمک میسر میگردد که تهبانی حمله رنج نهایی را تحمل شده



در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم - چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - ایمن قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، (( از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟ )) بیمار میگردد ، (( از مدخل سیاسکیا )) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، (( از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووسکیا داخل کپلین شوی )) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند . این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر میداشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آناه منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند . کلاه شبانه محض جنبه تزیین رادر برداشت بلکه اثر همچنان باعث کامله دتقیق طبی توصیه میگردند . این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه تفسیر پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی ها واقعا پرابلیم های زیادی را بیمار می آورد بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و اثر اچون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات گردن را - محدود ساخته و به مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردی نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و کاهش واکنش - هاست . در تیاتر یا کنفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگ های شانسرا بست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی ( شقیقه ) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم گرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی لاش بهبود یافت و سردردی لاش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدبیری در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی لاش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدرفتاری بداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه لاش را نمیتوانست بخاطر بیارورد .

صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب کمبود سوخ آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فتراتی مع و در نتیجه باعث پلیم ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد .

ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنه فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنگ و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیح مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی و هلیی معروف است ، بهر آورد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و اثر آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی و عانی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون (( دلیل )) است بر طرف سازند .

# درسهای موسیقی برای همه

## در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جایی به شناخت رانگ ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادات و سولات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راگها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضروریست به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجاهه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشا آن سرود های

مذهبی است قرار می یابد:

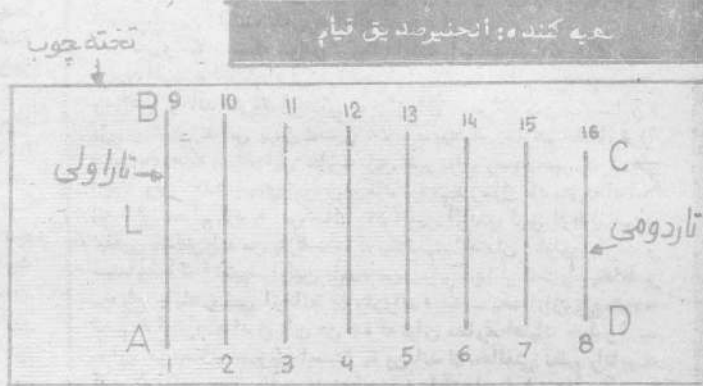
- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایه بیانیهای امروزی. ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دیل:

۱- تار تجربی از یک جنس مشخص با یک ریخت باشد.

۲- در کش زیاد قرار گرفته باشد تا میرد و برای اجرای عطیه خود نخه جوی را انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن گرفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت و نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار مید مید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار ساده پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کون و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

## سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را  
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم  
با همه آواز خوانانی که خواسته  
باشند من امتحان میدهم استند  
آواز خوانانی که صبح شوق آواز  
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار  
روی برده تلویزیون می برانند باور  
کنید از طرف فامیل ها و خویش تو  
شان باران یو تلفون می آید که  
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام  
کاروان حله با او مصاحبه نمود  
پس شما هر ساعت و هر لحظه  
در آتش حسادت سوخته آید  
بسته من نسبت به کسی حسادت  
ندان ولی بری واقعیت نبایست  
پرد کشید.

موسیقی شرقی و فلک لوریا موقعاست  
گاهی آواز خوانان ما از طریق  
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای  
هندی هم میخوانند نظر تان چیست؟  
در جواب شما به غیر از آنکه بخندم  
دیگر چه میتوانم؟  
حالا آخره تصمیم آخری تان چیست؟  
بالاخر اگر اجازه ثبت آهنگ در  
راد یو تلویزیون برام داده نشود  
تبله جازیند و دهل و هارمونی  
شما قبلاً به این مطلب اشاره  
نمودید که امتحان آواز خوانانی  
دادید و موفق شدید یکی ها از شما  
امتحان گرفتند؟ استاد محترم  
در امتحان ما استاد محترم  
استاد هاشم موسی قاسمی غلام  
نهی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان  
و نوزید حضور داشتند.

**عکاسی جهان نما**

عکاسی عکاسی جهان نما  
رنگه و سبزه و سفید می پذیرد  
در شهر مزار شریف مستمس  
شفاخانه ملکی شمار روضه تریب  
تلفون ۰۲۲۱۴

**سندوی عکاسی جهان نما**

عکاسی عکاسی جهان نما  
رنگه و سبزه و سفید می پذیرد  
در شهر مزار شریف مستمس  
شفاخانه ملکی شمار روضه تریب  
تلفون ۰۲۲۱۴

# زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشودند - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د ام را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میا ش باشد ، و خیاط د اندست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبل از آنکه بداشت و علاوه برهن عد ؟ دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگردت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمنا د ستاره جمعی بودند ، همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتفاقا و خوشی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همراهِ بارقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجم همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجای و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : ( سرماره از پشت خار ) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنه کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از واقعیت زنده می آید ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریف و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سیری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلمک که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده بگفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود ، دریافتیم که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (ما همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بصرن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح ، من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه شیم ، و این وقتیمت که این خانم برایم محفوظه نویسه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیگردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده میگردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزم و کارهاییکه باید در آنجا انجام میدادم ، بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابنیل را میپیمیدم ، در کابل هر شب را باید نزد مهمانان از روی گاه در منزلی - گاه در سرای - و گاه در کانی سر میبراند ، برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس سر رسیده میافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشوم را میپیمیدم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی همسره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنامیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروشی جانم و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوساره زخم محدود زندانی برهن تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهر آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف ، در منزل مادرش به ادا زنده می میکنم گرد بدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون آنده که مخالفی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته کتور رفتم بعد از شرایط لان برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کرد که بکمال است ، بنام میدهم و به تکه های میچم ، چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام ، ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوام - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میگرد تا بندی شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریب ترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برهن ظلم کرده و نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، کاش چنین باغور میبود

مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نوبالغ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هاییشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم ود دوباره زنده شوم و تقدیرم پاکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آید من بزرگترین اشتباهیمت که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شربان من در دهانم پادستد بگری در بر گهای گافتد ترسم می شود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که میا است برهن است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و خوشبختی و شرافت رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند از بند و بازوایی ها که این توان رادانم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و برگر طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و اینش را بی شوجد ما فریاد و گور خود را میقتصر حرم میکند



# آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه  
ازمایش ساعت تیری  
ده، مگره بحان بوری  
بی هم بایسد وتری  
حتما تاسی ته خیل  
د کجکاو ی حسن اجازه نه  
درکوی، ترخو موخیل بحان  
نه وئی آزمایش کړی چی  
ترکوم اندازی بسوری د  
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه  
شمیرل کیزی .

۱- فرض کووچه تاسی به کورکی  
خو ضروری شیان نه لری، او د  
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا  
شی، کم یوشی به تاسی اول-  
واخلی .

الف - یخچال ۳۰ نمری  
ب - تلویزیون ۵ ډډ  
ت - د کالیود مینه معلوما شین  
۲۰ نمری .

ث - بالابوش ۱۰ نمری  
۲- آیاتاسی همیشه خیلد کالیو  
الماری تنظیموی .

هو  
نه ۲۰ نمری  
۱۰ ډډ  
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه  
به هغه معینه ورځ جاروکوی .  
هو ۲۰ نمری  
۵ ډډ  
نه  
۴- آیا مڅکی له د ی چی میلانه  
موکورته راشی، کولای شی ټول  
خوراکی مواد به اشترخان کس  
تیار کړی .  
هو  
نه ۸ نمری  
۲۰ ډډ  
۵- آیا کم وخت داسی تصادف  
واقع کیزی چی خیلو میلنو ته  
سوی بووې، مڅ ته کیزی د ی .  
هو ۱۰ نمری  
۱۵ ډډ  
نه  
باتو به ۹۳ ټ

## ککسیونهایم راه دوست دارم

ساخته ویرایم امکان داده اند که  
مناسبات گسترده با رادیوهای -  
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم  
داشته باشم .

زمری علاوه بر ککسیون پسته ،  
دو صد و بیست نوع سکه های تازه  
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز  
از چهارصد سکه میشود نیز بدست  
آورده ، دسرکه های این ککسیون  
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو  
طل درازنه ، تانخ چه درسیکه  
خط وجود داشته وچه قبل از آن  
برجسته است .

زمری سهارضیراز این سکه ها  
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست  
نوع بانک نوت را نیز در البومها تکمیل  
میکند .

اوارزو دارد تا با کلیه ککسیونان کور  
تعامن ، تبادل و تعمیم تجارت  
داشته باشد چه تازه از دو سال به  
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار  
زاد بخش ککسیونسازی ادامه  
داده و بارهنمایی و شهنق مستقیمش  
به حفظ و تنظیم این ککسیونها دست  
یافته .

ککسیونر ماینج سال آموزش را -  
پهوسه اول نمره ، موموی وصفی بوده  
از ذوق و سلیقه ، عالی برخوردار  
است .

ککسیونهایش هر کدام تصویر  
و قصه بیست از تانخی و دورانی وطنی  
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

منعنه ، ککسیون سازی  
در کورما پدیده بیست نو معدود  
از ککسیونران کت، گوگرد ، عطریات  
شیر ، سگرت ، پسته ، سکه و  
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم .

زمری سهار نوجوانی که متعلم  
صدف پنج لسه ، انقلاب است یکی  
از این ککسیونرها میباشد ، وی پسر -  
پست هوشمند و دقیق ، او اکنون با -  
کمال علاقه مندی سه هزار پسته  
مهر خورده ، اضافه از ۴۰ کور -  
جهان را با سلیقه ، لازم حفظ مینماید  
بسته عایر که با نظم خاص در البوم  
ها تنظیم شده اند ، سمولهای -  
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی  
جوامع مختلف بشری .

زمری سهار که از شهنق و  
حمایه ، فامیل ، بخصوص برادرش -  
ابراهیم سهار برخوردار است ، در  
حفظ و نگهداشت ککسیونهایش  
سخت دقت دارد نوی میگوید :

(( ککسیونهایم را مانند کتابهای  
درسی ام دوست دارم ، این پسته  
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

سه هزار  
تکت پستی  
در یک  
ککسیون

# اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته با هم خطرناک است می‌کانتین ( سنتیز اسید نوکلئیک ) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل ( پیل )) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

## تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سن ۱۰:

س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قلمرو ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نطق شوم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا -

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نوازد؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: (( در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنسی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند. ))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس اقای ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: (( برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مستند رد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است. ))

## مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۲۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

## قوایسه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

# ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است  
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده ترینام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.

در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.

### ۲- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.

آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

### ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.

### ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.

اصول عمده بودیسم عبارتند:

۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

## درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، رونمایان، محسوس، هنگام.

این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود.

کارته نو تعمیر سیمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

## دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید. تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.

این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.

واقعاً که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند. دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواثار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.

دیدن کرملین توجه جمعیت گهیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

# سیر درد

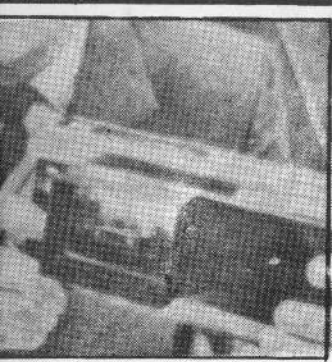
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، انبه های سکن که پالن میروند و خوردن دانه و اجناس در راتخفیف - مدهد و طبیعت انسانی آنطوری که هست باقی میماند و حتی نمیتواند - کرکتر و اجناس خود را تغییر دهد - وضعی که موجب بیماری میگردد به استغناء مواردی که چگونه در شرایط خاصی با آن برخورد صورت می - گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند - برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا - بهیز را هم بشمارند و اینرا خیلی جدی تلقی میکنند - بعد از گذشت لفظه ای - اینها خواهد گفت: (بسم الله را - کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چگو

اجسام را بگیرد) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانست - ساختار خوش وضع زوی او چنین است - سردردی ها بسیار بسیار - ها از فصل بهاری های معده ، جگر - کلیه ها و روده ها همراه است - اغلباً سردردی هاست که در تریلیج - ناراحتی های متین قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقی ، رما تسم - بیماری های کولیک تلی نیز میزند - میکند - در واقعیت امر ، تمام - بیماری ها سردردی را با خود دارند و از همین جهت است که دانستن طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد و نهرا بادرد طت آن راه درست تدای وی رادری با هم - در اغلب حالات ، ظهور سردردی برای بیمار شناخت - به عنوان یک قاعده ، بیمار رژی - های خلص خوش را برای مبارزه با سردردی دارد - این رژی های تدای صوف شکل طوی نداشتند - بلکه اشکال خوب فلکوری - همیز وجود دارد - بیمار شکمت برای لخته کتاه قسمت خارجه ، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد - این عمل را میتوان تکرار کرد - یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مکس بست - این تکه را تا ابرویان و - کوشاکتی گیرد و پوست پیشانی - لث بشاهد - این کار با بسیاری بیماری های سردردی های ناشی از اینهمه آمدن فشارخون دارند که نهاد میکند - در سردردی های سردردی با مثل با ها در آب گرم بپوشد - هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد - در صورت آن تهیه مگس آنچه که مطلوب است بدست خواهد آمد - از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و من تخمه های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید بکاره روی تمام این قسمت ها گذاشت - ساز خودی قسمت های - مختلف سردردی میتواند مفید ثابت

شود ، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می تواند بوده است - استفاده از مرهم ها (مانند مرهم - پلنگ تشان) روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی مؤثر باشد - گاه گاهی با بکردن بعضی قطعات و مطول ها یا بخار امواتها نیز سردردی برطرف میشود - هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شده که شکمت ناشی از نفوس باد روی پیشانی باشد - شال یا کلاه تا نرا تا ابرویان تا پایین بپوشد - گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از شنگ خوردگی مگس متوجه شوید که میتواند شکست دوامداری را برای تان بپوشد - باد چارشدن به سردردی ها معمولاً میدانم که چگونه با آن برخورد کنیم - ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد باد و آب پدید آید و وضع بدتر شود ، پس در آن صورت باید فوراً با - داکتر مشورت کرد -



## پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را بپارد - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۶۰x۱۰x۲۰ سانتی متر

## مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم - هر چند که طریح های در زنده بهبود آن همین اکنون هم در سردام -  
 ج - ایها صمیم اتراد ایها که مجله تلویزیونی به یک مجله فزونی و خانوادگی بدل شود تا همه مجله هوش هوش؟  
 ج - هرگز! هرگاه تلویزیون برنامه های فراوانی برای خانواده ها دارد: برنامه زن و خانواده کودک و اطفال ، جوانان نمایش های تلویزیونی ، برنامه های فزونی و شغلی ، فلم ، سیاه و ...  
 ج - چه بچهار باشکالی در راه ساخت برنامه تان وجود دارد و آیا طرح و تهیه برنامه چقدر به اراخ روان و آراستش زندگی تان صدمه میزند؟  
 ج - تهیه برنامه بی چون مجله تلویزیونی هرچند که درگام نخست سهل و ساده به نظر میرسد ، اما ، حقیقت اینست که دشواری های فراوانی دارد - این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه برنامه را در بر میگردد تنها مربوط - تهیه کنندگان برنامه میشود - از سوی هم ، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود برنامه را صدمه میزند - از کم بودن وقت محدودیتها کانی بودن امکانات ، عدم منابع ، گاهی تصویر ضربه که بگذرد ، گاهی زنجیر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی ، اقتدار صدها کار را برای ما محدود میسازد که بهتر است از خیر

کار و تهیه که در کل ما هرگز دست باز نمی توانیم شعری را در برگ های برنامه ، بگنجانیم ، نهرا هر - کله ، آن از سوی مسئولین ارنه ای و نشر توجه و در نتیجه سانسور - میشود ، چه این شعری مربوط به مولانای بزرگ باشد یا حافظ لسان الغیب یا از شاعران معاصر - من گاهی برای تهیه یک مطلب ، روزها سرگردانم و بارها با خاطر یک شعور و مورد نیاز چندین روز اینم در به ان در گفتم ام و نتیجه - همانست که تهیه " برنامه ، نامی لفظات را به خود اختصاص میدهد و از نگاه فکری و روانی ، در حد فیر قابل تصویری خسته ام مجازد ، تازه صوم بخش های برنامه راه ، شایسته در حال دهر میکنی می نهم - من یک دایرکتور تلویزیون و منحصراً دایرکتور برنامه های ادبی چه اگاهی های را ضرورت دارد و چگونه باید در باره " برنامه لث تصمیم بگیرم یعنی روی کدام اصل اساسی اتکا کرد؟  
 ج - دایرکتور برنامه های ادبی ، در کار اینکه یک ژورنالیست است ، با صمت تا حدود نهادن به ادبیات هنر و سایر لازمه های تهیه لث - دسترسی و آگاهی داشته باشد - او در واقع یک ژورنالیست هنرمند است -  
 ج - فکر میکنم چه چیزی برنامه تا نرا بر بیشتر میدهد؟  
 ج - صد سال میشود سخن از زلف پارگت - در میدان مبلش که مضمون نمائند است -  
 ج - ایها تاکنون مقامات تلویزیون شما را بخارج از کشور اعزام کرده اند -  
 ج - من هنوز برای مقامات عالیه - تلویزیون اقتدر هنوز نشده ام که لیاقت چنین چیزی را برایم قایل شوند

## سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)  
 مرحوم (سردید) طی دوره کارش بی نهایت اعتماد فلم درهلوی سناریو نویسی برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود -  
 مرحوم سردید قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریو یوان را عباس (شبان) کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل و بنام های ( ستاره گان نمسی میزند) و (هیرت) فلمی تحت ساختار است و یک سناریوی دیگر ان تحت نام (لالتش) بوسیله موسسه هنری قیس فلم در جریان فلمبرداری قرار دارد -  
 داکتر غلام محمد سردید در شام سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشا همد نشانای صحبت وی بهرام مومن صدمین سالروز تولد ی نایفه سینما - چارلی چاپلین از وری نشرات تلویزیون جمع - شوروی افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت -  
 آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و غی خشکد و به گونه - لبخندی ناتمام به تمام شدن زندگی او ناتمام ماند - ترجمه نسا پشنامه تیازنی او بنام (بدن شکست را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید ، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد -  
 وحی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر - و جلایش آن تلاش ورزیده - و سر انجام حباب اکسا بر ستر

جسری از نفس انتاد - اعظم جوهر هنرمند شناخته شده را که یو تلویزیون و سینمای ما در رابطه به شخصیت فرهنگی مرحوم سردید گفت: (مرحوم داکتر غلام محمد سردید گذشتگان بیکه خواهر زاده من بود دوست بسیار صمیمی من نیز بود - مرگ نایهنگام او برای من نیز سخت رنج آورده شد - داکتر سردید انسان خوش برخورد ، خوش قلب ، متمم باداش متواضع و صمیمی بود صحبت ها و معلومات های علمی وی در سخن های مختلف برای علاقمندان هنر و فرهنگ نابلی استفاده بود - من شخصاً در سخن سناریو نویسی از مشوره های سودمند وی بهره میگیرم ، مرحومی دارای دو فرزند ، یک دختر و یک پسر بود دلپسنگی

## نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)  
 یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در انسان معده مرض گسترگستگویی شده ، دریافت نمود ، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در شیعی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتر یک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxycillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند -  
 با درن این واقعیت دیگر تداری گستریت عا و زخم معده ، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثرها "مریضان قیلا" کم باشد ، میشود بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده و تعقیب مریضان ، تداور گردند و ناگاهت نمائند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریضی شان چیزی دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای حاجز و ابز و فسزیت و سندرم ایتریال باول و غیره باشد و ناگاهت نمائند که بعضاً "مریضان ناقل میکروب بیلورن صاب سدیمی نفخ و گاز هلو توسر و بدی بوی دهن ، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین میروند - در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکرو زایعه در ارتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی قرحات گستریت امی مزمن میباشد (دکتور روح اللوریان)

# تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا، نیویارک سفرهای داشته از هر یک کدام راپورتار تنظیم و آماده کشور کرده است.

در اجرای اموزار که می توان تصویربرداری استفاده کرده است.

از اینمیتود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات نیز که کمترین تلویزیون هم از تبادل نظری و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.

با امکانات محدود که در تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده ام ؟

بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم اموزهنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگذ اشتن و سایلنر چه سفر تکنیکی برای کاربرد تصویر برداری و تصویربرداری ها و خانه بد و نشن فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیویورک هم چشامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثیل بود - بالا و هم چنین اشعار شعری می باشد. امید در این قناعت ثان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من می باشد امیراد رکتیستور تا و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثر در صورت شخصیت های هوای اسزوده ام.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیام نیست و این نگارنده است و کارهای دل هم از قدری رانده مغز انسان خارج است چنانچه حرکات مغز و نور و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجه سلطان مغز سبزمین در به خیمه زه منطبق و استدلالات کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران سطلق العنان و تلویزودل و روح انسان میگرد و در میماند خورشید در فشان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و خورشید کینه و در او چشم و نفس را در زمین قلب تحیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع العلام ضرورت داشته همیشه فکر میگردم چیزی را که کرده ام و میگردی بی در خود احساس میگردم مانند یک آتش فشان منجمد شده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میگردم و این منبع العلام باید حتماً زنده باشد و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع العلام بر خود آید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدیم - که در نتیجه مذهب بالا براد زلم حاصل شدیم منبع العلام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان می آید.

نماینده درین شعر در گریبایی دل خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدیم که از آن چشم کور است این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

# مجنون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد پانزده خنوسه موجود است و یاد رکتاب خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده می توانید.

یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت در زیند آن میاغر که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میبایست منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سبازون و خوانندگان گرامی می توانیم:

س: سخن علمی مشتري آیا برسیده می توانیم که شمار برای بدادار هندی نان اشعاری سروده ام یا خیر، انشا الله خو خفه نس شود ؟

ج: بلی صاحبه اصطلاح شطربرای در دار هندی ام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بکلمه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا می باشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است در بیوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد بزود رصاحبه گذشته صورت شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، ما سانسیمه آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا میدانم شاید بسته ترم و تراکم مضمون و شعر در چار می باشد البته تمام اشعاری که در سیاهون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقص من محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله وین نان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده ام بد لایم بود یک نمونه آنرا برای تان مرض تمام اماب دلایل فوق از اظهار آن صرف نظر نویسم البته اشعاری

می باشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوارس باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز - آبی و سبزی که انعا در ترکیب شعین جبرنگ را می سازند ( سه قشر کربنیل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند ) نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پایه های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلاید در مقابل رویشی بیستون مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتقاد شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانصدی زیاد از حد غافلتم بد اینته ولی سخن در شصت هائیکه باور داشتیم یک چیز را در میان چشم همیشه در زمانه بر طرفانی در تلام بود وین هموار میگردید تا بر سطح انرا خاصوس سازد البته چه رنگین و چه در زیند داشتیم از اهرار که به کسی نگفت در دست تان روز هائیکه سناریوی تاریکی زندان را با همی سنی و احسن نظری کارگردان روزید و سینما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که میگرد به سرافرا اند در راتر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دگستر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار روحش شداد بسیار نویسی را در نشن

# بزرگ چوپان

بیشتر و در نتیجه چنگی بیشتر به خشد با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سینمای هند و یکی از باارمنگ ترین مردم ترین امیران فرنگی است در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برده سینما (بد) جنبه می نماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی یخن خرفی زده نشده است فلمازان جرات آنرا ندارند که باي ایرا به ابتدای میسایلی یکنند که مردم درباره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محبوبیت تراوان سر خور اراست

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم چوپان نیز نقش بسیار در چنانچه علم های (بازی) و (سینا) بر زمین منسوال بنایافته است تا جان برود بیوسران نتوانسته اند کسی را بد انما یکنند که جایگزین بریم چوپان سازند آنها یک میگردند درین روزگار بریم چوپان بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استمناد اند تمثیلی او را به جلال است بد اند که اگر شور و شوق او نمایند گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار فلمازان از غیر بیخه گان از نیایان با ویک زود هم کاهش نیافته است برود بیوسرا بر عکس تلاش میوزند که در روزهای خود او را نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فروین فراوان پس از هر فلم بالاتر رفته میروند حتی یک سینما روحانی ندیده می توانند او مانند امیتا به چن با تاقیه هر فلم جدید

# مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه می باشد و در ش (۵۰) سالگی به موزن سرعان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست

بیمار من فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم چوپان را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ایلم که بریم چوپان در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشد، خیرت برانگیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکثر دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر تمایی در جها اجرای نقش خود را با ایلم برود) خوش کار بریم چوپان در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی ویک نواخت حلوسه کند او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را میزهی از واقعیت آن در این مونسو حقیقت دارد اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عتر بیخگان) تازه استخراج میکند خود را

# بزرگ چوپان

بیمار من فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم چوپان را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ایلم که بریم چوپان در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشد، خیرت برانگیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکثر دیگر ترا و امید آرد که آن صحنه را میزهی از واقعیت آن در این مونسو حقیقت دارد اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عتر بیخگان) تازه استخراج میکند خود را



# سازمانت کودکان

# چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،  
فرخنده نام ، فرخنده خروسی  
داشت و خروسی هر صبح زود از  
خواب بیدار شد و دیدگون  
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !  
پس از آن سویی فرخنده دیده ،  
از کف دستش هاله هاله بار بار  
خوشی می چید و آرام بروی دراز  
چوکی که جلو خانه شان قرار  
داشت ، کنارش نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت  
و طوری جلایش میکرد که گویا همه  
بارون جرب شده باشند ، روزی  
از روزها فرخنده نزد زن همسایه  
ماکیانی راد پنهان و از ماکیان  
بسیار خوشش آمده به زن همسایه  
گفت :

ماکیان تان را به من بده و من  
در بدل خروس را بشما میدهم ؟  
باشنید این حرفها خروس  
تاجش را به پایین او بختنه  
و سرش را به زیر انگشده چه  
این خود مالکش بود که میخواست  
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن  
همسایه با فرخنده این تعویض  
را قبول و ماکیان راد در بدل خروس  
به فرخنده داد ، فرخنده  
به زودی با ماکیان دوست شد ،  
ماکیان با پرهائی سبید خود  
احساس گریس و آرامشش نمود ،  
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت  
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم  
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف  
کنید .

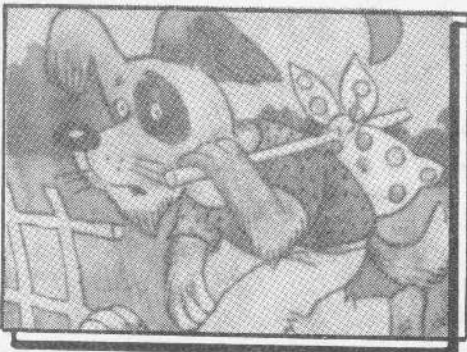
فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،  
همواره ماکیان راد را قشوق گرفته  
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی  
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه  
رو بروی شان همراه پایک مرغابی  
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده  
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از  
مرغابی خوشش آمد و از زن -  
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید  
و من در بدل ماکیان خود را به  
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها  
نمگین شده و از تاشترشید پند  
بالعایش جانب زمین او بختنه  
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -  
شت ، چه این مالکش بود که  
من خواست وی را به کس دیگری  
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده  
با مرغابی دوست همیشی شد ،  
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -  
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا  
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم  
آنقدر رها دور شما منم ، زیاد را  
در آنجا زرف است ( با این صدا  
دخترک دوباره به ساحل دریا  
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد  
یکی از روزها همسایه بی باسگ  
کوچک دوست داشتنی خود به  
خانه فرخنده ، شان به معناسی  
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به  
قد رکابی از چشم نگذشتند ، بود  
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در  
بدل من مرغابی خود را به شما  
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -  
شنید ، بالعایش خود را از زوی قهر  
به هم زده و از منقارش آواز -  
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند  
می کشد ، همه بی فایده بود و  
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر  
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست  
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش  
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن  
را در مقابل مرغابی به کس دادم  
و حالا مرغابی را داده و سگ  
قشنگی بدست آوردم ، همینکه  
این سخنها به گوش سگ رسید ،  
دم خود را جمع نموده و به زیر  
در از چوکی خانه فرخنده خود را  
پنهان کرد ، در تاریکی شب  
هنگامی که فرخنده در خواب  
شیرین بود ، دروازه را آهسته  
باز نمود ، و پایک خیز به بیرون  
خانه جست و پابه فرار نهاد ، در  
راه این سگ دوست داشتنی  
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم  
یک جا زنده گنم ، وقتی  
دخترک بیدار شد خود را تک و  
تنها یافت .

# آیاتناسی د . . .

- ۱- آیاتناسی د یخونیزې  
هو ۱۵ نمرې  
نه ۶ د
- ۲- آیاتناسی د یخونیزې د کور  
خڅه د خوراکي موادو د رانیولو  
په غرضوړي د نوموړو موادو -  
لست نیسی .  
هو ۲۰ نمرې  
نه ۳ د
- ۳- آیاتناسی خپل کورنۍ ته وړي  
په ټاکلي وخت بخوي .  
هو ۱۵ نمرې  
نه ۸ د
- ۴- آیاتناسی پخولوونوي آشوبزي  
د ستورونه استعمالوي .  
هو ۱۲ نمرې  
نه ۵ د
- ۵- آیاتناسی د آشیخانو  
سامان آلات منظم په الماری کور  
کیزدي .  
هو ۲۵ نمرې  
نه ۵ د
- ۶- آیاتناسی کارونوکي ستاد  
گوزوند ملگري کمک کوي .  
هو ۱۲ نمرې  
نه ۶ د
- ۷- آیاتناسی پخجال د کور د پیر د  
ضروري شیانو خڅه شمیري .  
هو ۴ نمرې  
نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جم -  
کیري .  
د آزمايش نتیجه :  
تر ۱۵۵ نمرې پوري :  
که غواړي چې د کورنۍ د خیرکو  
د میرمنوله جملې خڅه وشمیرل شي  
باید پخپلو کارونو کې نور هم د  
تجدید نظر وکړي ، تر ټولو د  
باید د یخونیزې د وخت په موند -  
اقتصاد ي وواسی ، او په ښه صورت  
سرخیل کارته سازمان ورکړي .  
د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري :  
تاسی کارکه یاستی ، هر نسی -  
ستاسی په کورنۍ خپل مشخص تعای  
لري ، که چېرې تاسی کوم وخت خڅه  
شي باید ولټوي د الډي کیله چې  
تاسی تراوسه پوري د کورنۍ ضرور -  
یات په ښه توگه ندی زد کړي .  
د ۱۹۵ نمرې وڅخه پورته :  
ستاسی په کورنۍ د استقیما خیالی  
دی ، همیشه یوڅه شي مینعی ، یا  
کوي او یا جاروکوي ، اما اعتبار ولري  
چې د کارونه لاندوړه هم په لږ  
قدرت او په کم وخت کې تراوسه  
تر سره کولای شي ، الډي کیله  
لما نور سوي ترخوچه وخت لري ،  
اما باید هرڅه کړي چه بدون د  
کورنۍ مشکلاتو خڅه نور مصرو -  
فیتونه لکه تیاتر ، سینما ، کتابونه  
اولمگري هم شته دي .



خانواده سوگواراست

## فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۵  
بعد از نسخ نامردی همیشه  
نامیل ، ما از طرف اعدا تعهدید  
میشد ، دوسین که صاحب منصب  
اند همیشه آنها در وظیفه  
میوند نامیل ما مورد تعهدید  
قرار میگرفتولی من هرگز به سران  
چیزی نمیگفتم موضع را بنهان  
میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد  
صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ  
۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه  
ساعت ۲ آن حادثه المناک  
رخ داد ، آتش جاوید بسوس  
بخانه آمده بود ، صبح چندین  
بار صدایش کردم گفتم مگر رگد ار  
خوایم ، نمیدانم چرا خوابم بوره  
میشود ، وقتی در زنده شد  
ما رینا د ختم رفت تا ببیند  
کیست همراه با باز شدن دروازه  
صدای دغیر مری و فریاد  
د ختم شنیده شد ، بجای آمد  
وارخطا از خواب برخاست  
بطرف بیرون دوید ، د ختم  
انیتا که بیشتر از برادر خود ش  
را به قاتل رسانیده بود ، مور د  
اصابت مری قرار گرفت و لسی  
برادر خونش را سپر خواهر  
ساخت که یک مری در جان  
خواهر او مری در جان برادر  
جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی  
بسیم رسیدم خواهر و برادر هر دو  
د راغوش هم بودند برادر با وجود  
آنکه سوراخ سوراخ شده بود  
میگوشید خواهر را از افتادن  
مانع شده ولی بعد هر دو بزین

افتادند ، من بای لی و سولج  
عقب قاتل میدویدم او بطرف  
سورک میدوید وقتی به سورک  
عمومی رسیدیم ، زیر سینما  
اقبال همراه با دو شارسندوی  
اورا احاطه کردیم ، چون در -  
دستش سلاح بود کسی جرئت  
نمیکرد نزدیکش شود ، گفتم  
اورا بگیرید تفنگچه مریسی  
ندارد و بایند شده در غیران  
من تا اینجا زنده نمرسیدم  
درین اثنا دو مظنین حوزو  
رسیدند و اورا گرفتند ، او را  
دوباره به محل حادثه آوردند  
به جن خود اترار کرد همه جاها  
را نشان داد ، گفتم باز هم می آیم  
همه را میکشیم و دختر را میبرم .  
بسیم راه شفاخانه بردیم  
ولی او مرده بود ، طب عدلی  
۸ مری را در وجود او نشان  
داد .  
ولی من همان لحظه بخون  
فرزدم سوگفت یاد کردم او که بسوس  
را ظالمانه کشت من اورا توسط  
قانون میکشم .  
دو دختن زخمی شدند یکی  
در کرده و دیگری در رطن .  
درین یکسال چقدر دویدم  
روزها بالب و در هین خشک بایین  
ویلا تا دویدم یکسال مدت کمی  
نیست .  
در طول این مدت بارها  
از طرف نامیل نعمت الله هغه ما  
تعهدید هدم . بارها گفتند شما  
که خون ربا خون می شویید  
ما همه تا ترا نابود میکنم .  
ولی هرگز از تعهدید آنها  
نترسیده ام زیرا در صورتی که  
نعمت الله اهدام شود چانس  
سپم خود را برای نابودی نامیل  
من از دست میدهد ، اینک نمر  
مکتوب را بدست دانه که نعمت الله  
دولد نورلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳  
به اهدام محکم شد .  
با اهدام او دم اندکی آرام  
خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ -  
سوراخ شده جاوید که فقط  
۱۸ سال داشت مقابل چشمانم  
مزارها بار جان نخواهد داد .

# نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱  
من در فلم سفر نقش مصطفی را  
بازی میکنم که با گروپ از جوانان  
که برای سواد آموزی به قریه  
دور افتاده میروند فلم نیز از همین  
جا آغاز مییابد . و حوادث فلم  
یکی بی دیگری اتفاق میافتد و -  
گروپ از جوانان به شمول مصطفی  
با این حوادث درگیر میشوند و -  
قهرمان متن باد یگر جوانان  
با شجاعت و پای -  
مردی با ان دست و پنجه نرم  
میکند و در مجموع فلم نمایانگر  
آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده  
و بدون ترس با شجاعت بهتسو  
میتواند به هدف دلخواه خود

# چاپخانه

بنیه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود  
 با ان هر چه نیکه ماندنید اگر -  
 خنده دار بود از ان دل می -  
 خندید، سهم نگاه میکرد و می  
 میخندید و از من خنده بخود  
 میزدید. این کاری مراجعات داده  
 به تویح تمیم پرداختم.  
 سنت بی مقدمه خطاب به  
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر  
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،  
 ایدم وار، تنها چاشق پیشه و -  
 ماجراجو، او میتواند شما را مقاصد  
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی  
 و بانگر پولواست و در زمین حال از  
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -  
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.  
 - خوب من او ریسه خود را  
 به پایان میرسانم میدانم که وقت  
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.  
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.  
 هم دوستم داشتند و هم از من  
 نفرت میکردند.  
 بلی زنده گی ازودیمه هایش  
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از زمانلمات راهم  
 تلاشچان چارلی بیشتر چه  
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور  
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -  
 هنوز مورد علقه امان و اشراف  
 ترانگرفته بود، زیرا آنها هنوز  
 خام و عوام پسند بودند. شاید -  
 تقاضای زمان بود که آنهاوش رنگ -  
 ماهانه داشته باشد. طبقه با  
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه  
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین  
 نتوانستند او را منحرف سازند. از  
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه  
 درام)) ۱۹۱۷ اودوش نگ ۱۹۱۸ -  
 و ((پسوک)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳  
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -  
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر  
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد  
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -  
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی  
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر  
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی  
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -  
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس  
 از نظر فقرا، نقش مبرد  
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که  
 باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی  
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.  
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از  
 حیلله های بصری و تبدیل ناگهانی  
 اشیا که در قلمهای نخستین به  
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در  
 ((پسوک)) وقتی چارلی دستکش بی  
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -  
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن  
 است) بیرون آورد این حرکت عادی  
 را ظهیر انجام مدهد که مانند  
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به  
 نرس میرسد. در ((روشنایی شهر))  
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را  
 بی بلعد و از درون شگش صدای  
 وصل شنیده میشود و نیز در کاره  
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی  
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر  
 يك عموه بر اینکه به جای خود بسیار  
 خنده دار است در ضمن تعایشگر  
 است که چگونه چارلی از در و جان  
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا  
 میلوونان، دختران، بانوان خوبی  
 لباس او را در جمع خود میزدند و بی  
 چارلی بخوبی میدانست که کوچک  
 مردی هرگز نمیتواند هرگز این -  
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است  
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسرزد و همیشه با همی دوری نسا -  
 امید را از خود دور براند.  
 شاید در اینکه چارلی دور -  
 گارانی که مردم به سن و رسوم  
 جامعه گردن نهاده بودند -  
 شخصیت ولگرد خود را جلهدهد  
 معنای خاص نهفته باشد. شاید  
 چارلی دیگر (صردک کوچک) به  
 نهر و ایستادگی ان در برابر اجتماع  
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد  
 که رسانیدن پیام به جهان ان  
 بیان صریح تر و مستقیم تر را ایجاب  
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت  
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -  
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال  
 ۱۹۴۰ به بعد با فم ((دیکتاتور  
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار  
 گذاشت، تا ازته دل پیام امید -  
 واری دهد و دلگرم کننده ان به  
 گوشه های مردمان خورد شوند. در  
 نیرسا و ظلم و استبداد برسانند -  
 در فم بعدیش ((سپوورد)) -  
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید  
 شد. در این فم، که شاید -  
 همان امیز تهن فم باشد، قاطعی  
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او  
 انلا نگاه نیست بلکه قیاسه  
 آن وحشتناک است. ((قتل یک  
 تن انسان را چینی تارک همساز و  
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار  
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی  
 اداری مرستیال ددنی نیسی  
 وری صلاحیت به زور. تولسو  
 د فترتونه دخیل خان دسر -  
 پرست والی رسمی اطلاع میرسوله  
 اود همانی وری له فرمی و روسته  
 جی فنی مرستیال ترجمی خان  
 و رساوه. نوتولود فترتونه بی د  
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه  
 ولزیر. به دوهمه ریخ سعار  
 اداری مرستیال بنغه جسی  
 موسی ته رانی. حال داجسی  
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره  
 به اووه جی تکی موزکی له  
 نوروما مورینود مخه خان موسی  
 ته راروسی. خولکه جی خوکیدار  
 ورته وای جی اداری مرستیال  
 ترده دمخه رانلی دی. نونسی  
 مرستیال د موسی به عومنی  
 دروازه کی لکه ریج لرگی به خای  
 ریج کلک باتی کیزی. اوسر به  
 وگوروی دغه لویه دجابه کتبه  
 رانخرسی.  
 (یونیم اواملا موزیک دی به  
 خبله لوستونکی و غز و ی)  
 راوی: که فنی مرستیال  
 موسی دروازه به خوله کسی -  
 لرگی غرنی ته تکی نه وای کری.  
 نوبی له شکه به به خمکه رانور -  
 خریدلی وای. دومره ویرسره  
 بخت یاری وگره جی دامامورینو  
 موزیکه ویرا رسیدلی. که نوبه  
 دغسی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه وری خبره نه وه هغه  
 داداری مرستیال به دغه موقتی  
 برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ  
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال  
 ددی له باره جی اداری مرستیال  
 بی به راتلو یوه نه شی. خیل  
 بوتونه بی دد هلیزه دروازه کی  
 وایستل اولکه دچرگانو دغله  
 غوندی دگوتیه خوکوخیل دفتر  
 ته لار.  
 (د فنی مرستیال د ورو ورو -  
 قد مونوبمگرونوکی دی محترم  
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره  
 جی: ((و رو و رو کیده قد مونسه  
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)  
 به دغه ریخ اداری مرستیال  
 دومره دروند دریاست به جوکی  
 باندي ناست و جی به ار مونو  
 به هم جانته وای و زخنی ار ولی.  
 دغرمی و پوی بی هم دخیل گارد  
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه  
 ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به  
 جای روزه هم ماته نه کری.  
 د فنی مرستیال خانه سامان  
 حضرت میر جی یورخ دمخه بی  
 دکیم غرووی کارله باره له فنی  
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.  
 به دغه ریخ کار ته نه و رانلی.  
 کله جی اداری مرستیال له دی  
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -  
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه  
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -  
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ دجوکی به نه نیولود و سره  
 خپه نه و لکه دخیل خانه سامان  
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.  
 دوه د ری حله بی تیلون ته  
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له  
 لاری اداری مرستیال به بی ابه  
 کری. خومرخل به بی یسه  
 شیطان لعنت کی او دغه کلمات  
 بی بل وخت ته برینبود. هغه  
 پوهیده جی اداری مرستیال د  
 ریاست به جوکی پوری مییخ  
 شو بی ددی. او غرو به یووخ  
 جی فنی پورته شی. هغه وخت  
 جی فنی مرستیال بی فال به  
 زه کی نیولی و درسی وخت  
 پای ته رسیدل وو. کله جسی  
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو  
 فنی مرستیال داداری مرستیال  
 د غافلگیر کولو له باره د نورومامو -  
 ریخ به خیر له دفتر ته راویت او  
 به لوی لاس دریاست د دفتر  
 دکری تر خت تیر شو او هداسی  
 حال کی جی اداری مرستیال  
 دریاست دجوکی له سرنه ورته  
 دستر کولاندی کتل له موسی  
 ووت.  
 اداری مرستیال درسی وخت له  
 پای ته رسید و روسته پوره یسو  
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی  
 پوری نبستی و. کله جی دخیل  
 رقیب به تللو پاوه شو. نو  
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ  
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره واجوله. خو خیرنه و  
 جی فنی مرستیال به کونجی  
 لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی  
 دیوال له لاری موسی ته د -  
 بیرته رانوتلونیت کری و.  
 (دلته دی یوازی دریا یوه  
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -  
 ویزول شی).  
 فنی مرستیال د ما بنام پوی  
 به کورکی و خور. اود سهار له  
 باره بی یوه وجه پوی او خور  
 ایشیدلی هکی له خانه سره  
 به بکرکی و اجولی. د ما بنام  
 به خره کی د موسی به دیوال  
 وروایت او به بیخه زه بی د  
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه  
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه  
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره  
 هم د شیب د خوب او بلاستی  
 له باره به دفتر کی یوغت او -  
 مناسب کوچ هم بوت و. خوله  
 دی ویری جی سهار دی ویده  
 و او جوکی بی اداری مرستیال  
 ونه نیسی. نوبه بی به هماغه  
 جوکی سبارک. (دلته دی لوستو -  
 تکی داس فکروکی جی گوندی  
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو  
 بانگونوسره یوخای دی د صحنی  
 بیلولو یوموزیک هم ویرسره وری  
 سهار اداری مرستیال بیلا  
 دخیل رقیب له ویری به هماغه  
 پورنی وخت موسی ته رانسی  
 باتی به (۷۷) مخ

# چاپخانه



# مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی  
تان با ناد هوپالا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما يك بارتی  
و یا ملاقاتی که در منزل مد هوپالا تقریباً صورت  
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست  
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت  
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هوپالا در -  
( بندره ) بعضی صورت گرفت که از جمله  
هنرمندان در آنجانبی، نیویاری، دلیپ گماز  
نوروزان، بلراج سها نی و چند نفر دیگر از هنرمندان  
معروف و علاقه مندان مد هوپالا تشریف داشتند  
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید  
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند  
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که  
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -  
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو  
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان  
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم  
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد  
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هوپالا، کیتیز  
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -  
موجهر شوهر هم شیره مد هوپالا هم تشریف داشت  
که او هم يك هنرمند جهان سینما باشد - فلم بود ار  
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هوپالا  
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره  
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد  
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک  
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کهنکشان  
و انگور و خربزه افغانستان در هند شهرت  
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای  
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما  
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان  
بیا آید که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف  
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هوپالا دوست  
میداری از یگری می پرسید - سبب و عوامل این عشق  
چینت گری می میگفت چرا مد هوپالا برای محبت  
انتخاب کرده بی و دیگری می پرسید معنی عشق چیست  
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن  
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی  
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان  
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بدهم  
همچنان مد هوپالا را سوال بپس کرده بودند که  
آیاتوهم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه  
عشق او کفره است یا یگری میگفت چطور است  
با او ازدواج کنی ؟  
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که  
کتاب ( وینوس شوق ) را که برای مد هوپالا نوشته  
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات  
مخصوص بحضوری تقدیم کنم که این صحنه از طرف  
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -  
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه  
آن میناتور و در بزرین حد امکان داشت و چندین قطعه  
تصویر مد هوپالا را رسم کرده بودم که از جمله یک  
رسم مذکور مد هوپالا را در لباس انسانی که مخصوص  
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب  
دست بدست گردیده و دوباره بدست مد هوپالا رسید  
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته  
گفت ( این يك كتاب مقدس است برای من که باید  
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این  
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید  
که شعرت برای يك ستاره فنی ازین نوع العاده  
دارد ) - مد هوپالا من بیانیه خوش اخانه  
نمود : ( تو من لقب وینوس شوق را دادی که این  
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف  
دای - جست آمریکا هم من بزرگانی من منتشر  
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده  
است )  
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا  
آنگذری بلند - بر دی که به ستارگان آسمان رسانیدی  
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است  
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا  
نمیدانم و یا خلق ناشناس و ناسیاس هستم )  
مد هوپالا انزود : ( در یکی از جراید فنی بعضی  
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -  
بودند و من این را نمانید نمیکم اگر به معنی جنون  
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق  
باید آری باشد - جزای ؟  
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی  
پس توانی مجنون عاقل نامید و بسمول و رهنمای  
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر  
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات دوست  
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند  
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی  
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان  
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان  
تالیا ( بدی ) آمدی بعد از کدام حادثه  
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بپذیرم - هر  
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده  
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکبار دیگر  
ساز و بزرگان خویش را در حضور همه این هنرمندان  
دایرگروهها، ژورنالیست ها و مدبران جراید بپس  
تقدیم میدام - امید رام پذیرفته گردند ) - در اخیر  
گفتار و بیانیه مد هوپالا در وقت از قسمت آخرین  
کتاب را بزرگترین چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار  
بیست که سروده بودم - گفتم :

هوکن گریمن جسارت کرده ام  
ازم در يك اشعارت کسره ام  
نیست نهادشتری مفتون تو  
گشته عالم غرق در آسوس تو  
مد هوپالا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو  
در اینجامد بر بسمول مجله کهنکشان گفتم :  
( زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای  
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت  
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برایش  
بخشید یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود  
صحت هزار طلیبی اشعری برای فردوسی داد - و او  
درین اثنا طرف مد هوپالا نظر انداخته و خاموش  
ماند - مد هوپالا گفت : ( من قدرت برداخت  
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی  
بپردازم ) - من گفتم : ( قبول نمیکم - زیرا فقط يك  
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ارزش دارد )  
گفت : ( من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -  
هزار طلا میدانی ) - مد هوپالا همیشه مرا بنام هلی  
خدا میگرد و من هم او را مد هوپالا - و گاهی متاخرم  
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس  
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند  
در وقت بدستن حسین و رقیب - بعد از صحبت  
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی  
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید  
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین  
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا  
از ترنید بیرون کرده بگفت : ( بیا همراه من برویم  
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است )  
درین وقت مد هوپالا مداخله کرده بگفت : ( بهتر  
است هلی شب همین جا ماند جا دارم ) - و من این را  
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا  
در کتابچه با دست خود نوشتم :  
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم  
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم  
بری بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری  
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم  
رقیبا گوش بر آواز او درناز من حیمران  
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم  
- به هر حال اکنون که ماد هوپالا عزیز شما  
جهان فنی را و داع گفته کون عاشق کی استید ؟  
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح  
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال  
و مشکلات برای من است که میخواهید خصما - سرا  
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جوابتان  
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا  
تان جواب گو باشم  
پس گفتم :  
ما من خداداندولی در شانه من بینم  
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد  
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته  
باشید از شمارایی رحمتتان که با من این صحابه  
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم  
یک راضی علامه اقبال :

بیاي خود من زنجیر تقدیر  
تو این گنبد گردان رهی است  
اگر باور خیزد در سبب  
که چون پرواکی جولانگی است

# در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمد صابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقه فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسمعیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکرید ، نادیه رضایی ، ناجیه ، ختابه نوری ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلمیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکرید ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیامی ، فوزیہ نوایی غوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شهاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نفیسہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند نوریہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصغر یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیلیا سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حسام ، سید موسی عباسی ، احمد سیا ، صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوختون کابین

دوستان خوب از کسارت ارسالی تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم . رضوان ساحلی از مراد شریف ، چہار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بدانید کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد . عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت ہلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواہد سیاورن را اول بہ شما بفرضیم ، حتماً در نظر داریم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

## مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر داده اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

(( بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش ))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس های بد روز دقت میشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان بی بندیشند زیرا مردم از روشن تقاضای خدمت را دارند و نمی خواهند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسهای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیاورن را دقت شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بینیم و رنگہا را برمی گیرند . اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم کرد آورده های بہترین را ہم می درگوشی رنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق های گوناگون جوانان ما با شک های گرسنہ و در انتظار تان سر مشق ہمہ ذوقها محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بہ بیبیرایہ گوناگون آنها . ومن فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق های کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این دقت ( بہ مود و فیشن ) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

( براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازهای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت )

## پایسج های کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راه دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان عالی کہ فراوانتر است . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر کلمہ و گداری ہنگاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

## از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شما را بہ مجلہ سیاورن مود توجہ ما را درگوشی ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یارین میرسانید ، مود شماره عالی تان تشکر تان مودر است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تامل پذیر باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین سرنوشت مہینہ چیزی است مربوط بہ خود آنها ما نشر است و کجا ما نشر اداریہ مجلہ ما نیست کہ بی تفاوت با ہر کسی ہر آواز خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

## با ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا نوری ، نظریات شمارا د مورد داستان بازگور کرد ان در نامہ ارسالی تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما د مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شماره سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تامل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره متذکرہ مجلہ سخن را بہ دقت سیر مجلہ بیاورید ، از ہنگاری شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

## پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه های مختلف را بدین تو یز یون ہمچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب درایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد . تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ راد یو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خود را ند کہ فقط اسم و آدر خود را از طریق راد یو و یا تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما نمیتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه واقعیت بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مدرسیم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و برنامہ های راد یو تلویزیون در ہمہ کشورہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ما آورده شدہ در انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حقی است .

# مطالب ارسالی شما

## نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن و رهبر بزرگانی میباشند و در مقابل مذاقات ومشکلات حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیز طبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومساوی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مسلطند ومعلمی بزرگرو شایسته معرفی میگردید ه اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده وبدر بساط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین (( مساوی )) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه (( زین )) ازگوزن کابل سنتر

## زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی بایکت از دورن - فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (( فکر سوار لم بیرون است ))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است (( بمن اطمینان داشته باش ))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (( دیوانه وار ترامیرستم ))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است (( ترا دوست میدارم ))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است (( دیگر ترا دوست ندانم ))

ارسانی : حلیه

## نگته ها

۱- کم دانستن و بزرگترن مانند پول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بیندیش .

۳- جدیت و پشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزتوان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادایی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده : شریف نورین

مستوره محبت نامری ( استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست ) بلقیس احمدی از بو هندی علم طبیعی ( بیسی از گردید ) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا  
برخیزم و از خانه به میخانه گریزم  
سایره شکیب از ولایت جوزجان ( بارجه کردن حملات و مصراع وار نوشتن شعر نیست ) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . ( ۵ ) شکلا ازلیسه " آنسه " فدوی ( خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید ) ( ۵ ) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :  
الله یارجان بگیرم اصل نامست  
کبوتری میگردم به با مست  
اگر یکبار بگویی یار شیرین  
شوم ندقه همونوک زبانت  
( نام ) و ( بام ) با ( زبان ) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند - مصراع سوم نیز باید است . ( ۵ )  
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :  
خواهراتم بگذرید از مد تو  
مد تو ارقش ندارد یک دو جو  
تو مکن تقلید از هر بیگانگان  
ابروی خود میرزان را یگسان  
کی توامد خوب و نه با همکند  
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :  
دوستی های که به نام (( تک بیته )) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .  
سفوکودی به شهر دور دستی  
دل نازکتر از جامم شکستی  
بهارتوک و فاکن (( بیوه )) چنان  
به هر آیین و هر طذیب که هستی  
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :  
(( نارام )) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمیک ساختمانی :  
برادر عزیزه اوقات بیکارت را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکس دیگر ؟

ملالی محبتی : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟  
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر (( در خیال )) شما گامستی های فراوان دارد .  
جستن معشوق از طرف شام و در شعریش ، (( سنی )) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نه شده گان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل : خبیبه :  
به املا و اثباتوجه کید بیته اشعر تان :  
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .  
در کلبه " فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی ( خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مامم دارم ) . نوبه عطا ( تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید ) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیوزاد ازلیسه ، مریم ( دوستی تان قابل نشمر نیست ) . عادل اختری از وزارت امور عودت کند ه گان ( شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :  
بی عشق ای طیب دلی نیست در جهان  
تا بیره درد کمر نشناسی دوامکن )  
سخن مراد مسکین امسوق غ ولایت مزار شریف ، ( شعرتان گامستی های دارد با انهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش - دهید :

کنون از حال زار من مبرسید  
که فرم دوستان در عالم خود  
خراب یزار و حیرانم نمودی  
بت شیرین ادا می از غم خود ( )  
شکیلا نور از بو هندی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :  
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری  
از هر تسلی زبانش سخنی ساز  
لینا نارام ازلیسه آریانا ( خواهر عزیز ) ماد راد بیته دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید )  
اینسه مقبل بنه آرزلیسه ، مریم ( دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :  
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی  
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید  
برود یوار شورا این سخن باید نوشت  
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید )  
میروس نژند ازلیسه انصاری ( دستوزبان ) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با موزید . رباعی تان لغزشهای فراوان داشت ، فرید احمد امید ازما -

شرف ( استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :  
باز فصل باغ بوستان میرسد  
لبیل دل در گلستان می رسد  
سبز میگردد چمنزار امید  
نوعوس باغ خندان می رسد )  
شکیلا پوهس از مزار شریف ( طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :  
باز فصل نوهاران آمده  
فصل شوق مند لیان آمده  
باز گلگهای فریبا و قشنگ  
سوی بوستان و گلستان آمده  
من شکیلا خوانم هر دم این سرود  
لبیل غیلم نزل خوان آمده )  
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر (( بوستان )) بسازم این تعمیم رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور بسازید خوب است :  
(( هر زبان خواند شکیلا این سرود )) . آری از طب کابل ( شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید ) . بارجه . ک . ازلیسه رابعه ، بلخی ( حرفهای که به آریان جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند ) . تورن عبد - الصادق (( هارون )) از کینناری بگرامی ( دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید )  
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا ( نامه تان با جها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :  
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این  
الوداع ای صبروتقوی الوداع ای عقل و دین )

# براسمها فال گرفته ایم

## متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خود خواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . باد و ستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

## متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست . باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجرد ها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

## متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

## متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجرد ها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

## متولدین ماه جوزا

امید هایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

## متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

## متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امید های جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امید های بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان بر آورده میشود و انهم در همین روزها .

## متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت مبدل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا ازیت مینماید .

## متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دل بسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

## متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

## متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ ننمایید . همسر تان را از خود دور نسازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

## متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بخت با شماست .

# تهدیدهای فضا

## تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

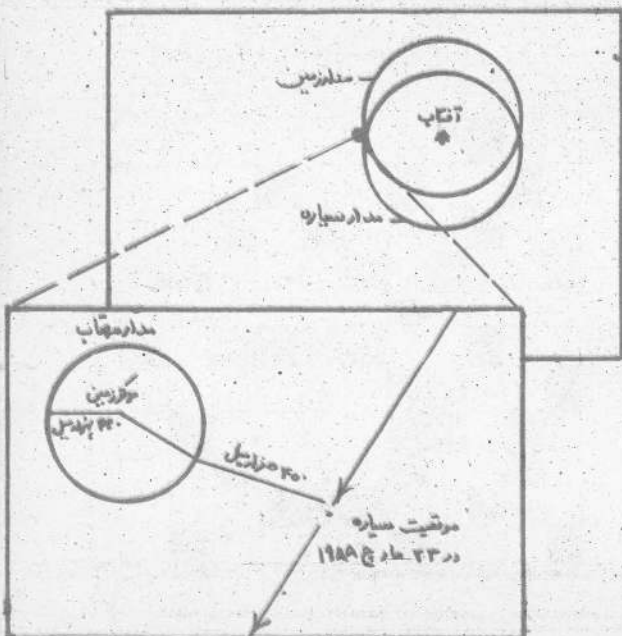
بیفتد • سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت. درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند. یک راکت مجهز با کلاهک هسته‌ای میتواند چنین سیاره‌ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد. اما درین صورت نیز بارچه‌های سیاره به زمین خواهد ریخت. نظر بهترینی که در سال ۱۹۸۰ رایج شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم.

ترجمه: حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریب اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود. حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد. سیاره‌های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند. درین میان سیاره‌های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره‌ها خطر بزرگی را متوجه میسازد. همین سیاره‌ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده‌ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود. اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفرنیا تهیه شده بود مطالعه کرد. گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یاده بود باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد. حفره‌ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است. اما چنین حادثه‌ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند. ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند. منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریا سپری خواهد کرد. دریا از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون ترقرار خواهد داشت. اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را رایج داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند بازم خطرناک به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شبه بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید. خارج از منزل. همراه بادستان یا مشغول تماشا برای برنامه‌های تلویزیون. به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید. شما ازین خطر آگاه نبودید. اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است. اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه‌ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد. پیش ازینکه شما زیاد بهراس بیفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابان. با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود. از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است. در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد. این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون





# سپید بازی

سفید بازی را شروع می کند  
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را  
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کند  
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات  
می کند .

## جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقره - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

# پرسش ها

انقی :

- ۷- مار از ان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند .
- ۸- زمستان زنت روسیاهی به ان مانده .
- ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگه است - خشک بی سر .
- ۱۰- معکوس ان روشنی ( پینتو) - شراب - نخستین عدد .
- ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد .

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاك - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

## چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا،  $\frac{1}{3}$  پول شعلانی جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلانی،  $\frac{1}{3}$  پول شکیبا نیز جمع شود . شعلانی گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی  $\frac{1}{3}$  پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند .

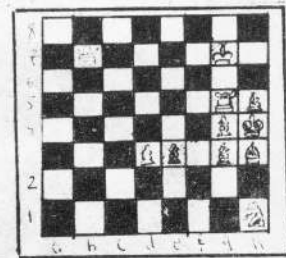
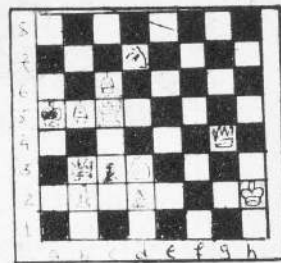
## مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه  $\frac{1}{2}$  (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

# سرگرمی‌ها



پیش ادبی

## حل کنید جایز بگید

## برای اطفال

### صحنه‌گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید، بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک، نورجان ضیایی، عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیسه نایل انزهرا ت، فتح محمد فتاح، سلم دانستن، لیلما کارورز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان، سیدعزت الله مجید، سوما فران، فاطمه شریف، نادیه، معروفه، درویش، سیدعزت الله مجید، کن علی فقیه، فدایی، محمد فریده ون، کن علی، فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله، ناجیه شکره انور، محمد عمرعزیز، عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رانیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار، سونیا اسمعیار، مریمه محمودزاده، احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. می توانید پاسخ ها را به زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

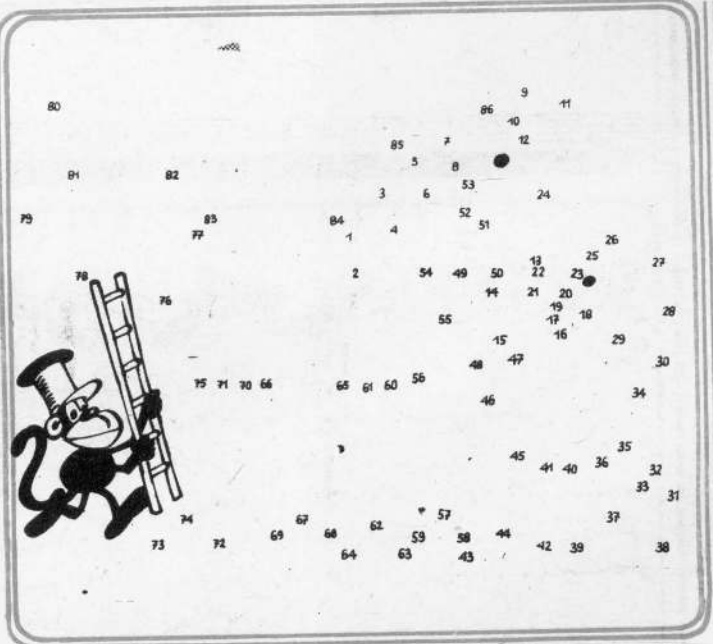
۵- شهادت نامه آثار یکتن از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نموده بمانفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات داریند؟ لطفاً درین باره بمانویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نموده اید؟ درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه ضرورت است اعداد را به ترتیب باهم وصل نمایید

قابل توجه هوطنان!

فرقه کسب جوایز بوت های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نمایید:  
ادرس: شهرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری  
نمبر تېلفون (۳۰۲۶۲)

# شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی  
هرات در تماس شوید و مشکلات  
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابل پارک نمبر بیست و یک مارکیت

## هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .  
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس  
برای هر وقت برای هر کس ، برای هر جا .  
این اجناس را طور عمده از جاوید لهند ، کوچی مارکیست  
تملینده کی ان در کوچی مارکیست دکان موهن لعل و همده کانهایی  
شهر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار  
( DM4 ) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجله نمایند :  
تلفون نمنا ( ۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹ )

## وحید الله پلاستیک

وحید الله پلاستیک هر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط  
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیه مورد ضرورت د و ایسر  
و طلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر و ایسر میدان مقابل بانک تیس

# فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین  
اجناس مورد  
نیازتان استقاده  
نمایید ارزان و به  
مفادیتما

# قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.  
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

# فروشگاه

## بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

### ۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

### ۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

### افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند  
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و  
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است  
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**